شمارهٔ ده

قاموس عدالت







www.edalatkhahi.ir

سخن دهم...

قاموس عدالت، انعکاس فریادهای سکان دار کشتی انقلاب اسلامی است که در مقام نظر و عمل بر تحقق این آرمان اصیل اسلامی همت نهاده و پیام آن را بر مردم و مسئولین منادی است.

جزوه ی پیش رو گزیده ای است از کتاب فاخر "قاموس عدالت" که شامل طبقه بندی جامعی از تمام بیانات، پیام ها و ابلاغ های منتشـــر شده مقام معظم رهبری در زمینه عدالت از آغاز رهبری ایشان تا پایان شهریور ۱۳۸۴ می باشد. در این جزوه سعی کرده ایم تا گزیده ی جامعی از آن کتاب ارزشمند گردآوری شود تا بتوان همه ابعاد مفهوم عدالت را تشریح کرد.

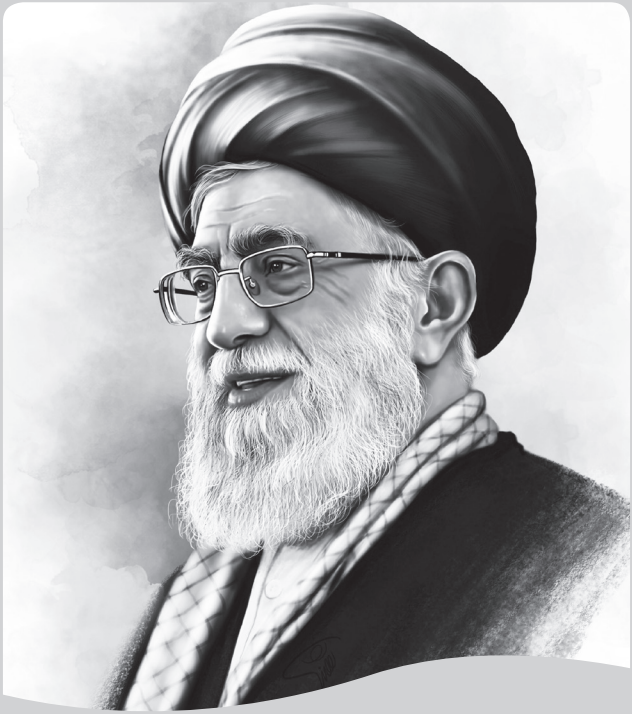
تحقق آرمان « عدالت » بدون عزم همگان – چه مردم و چه مسئولین - و بدون انجام وظایف هرکدام از آنها میسر نخواهد شد و چنانچه نگاهی جامع به این مقوله نداشته باشیم، از تحقق کامل آن محروم خواهیم ماند، که « عدالت »، عمل و نظر و فکر و کار توامان می طلبد و هرکس و با هر جایگاه اجتماعی در مقابل تمامی شئون این آرمان، مسئول است. غفلت از مبانی نظری و ورود به عرصه ی عمل بدون پشتوانه فکری، آفتی است که هر مقوله ای را تهدید می کند و عدالت نیز از این مقوله استثناء نیست.

قطعا در این جزوه با عبارت بســـیار تکان دهنده ای از سوی رهبر انقلاب اسلامی در تعریف عدالت و جایگاه آن در اهداف و آرمانهای نظام اســـلامی و جایگاه عدالت در شـــیعه مواجه خواهید شـــد. تا آنجا که معظم له عدالت را اصلی ترین آرمان انقلاب اسلامی معرفی کرده و حتی مشـــروعیت خود را نیز وابسته به عدالتخواهی اعلام کرده اند. امام امت در این جزوه صریحا تئوری «حکومت برای حکومت» را رد کرده و به تبیین «حکومت برای تحقق آرمانها» میپردازند و ارزش عدالت را بالاترین و اصلی ترین آرمان انقلاب اســـلامی و هدف همه انبیا معرفی مینمایند.

انتظار آن است که دانشجویان پس از مطالعه این جزوه غنی، به درک نسبتا جامعی از مفهوم عدالت، جایگاه آن در تشـــیع، محوریت آن در انقلاب اســـلامی و راههای عینی تحقق آن در جامعه دست یابند.

مطالعه چند باره این جزوه بسیار مهم بر همه عدالتخواهان لازم است.

اتحادیه جنبش عدالتخواه دانشجویی



قاموس عدالت و عدالتخواهی

بیانات رهبر معظم انقلاب درباره عدالت

پیام به مناسبت دومین همایش جنبش دانشجویی

بسم‌اللّه الرّحمن الرّحیم

جوانان و دانشجویان عزیز

در این گردهمائی دانشـــجوئی مجموعه‌های متعددی از دانشجویان شرکت کرده‌اند. این نقطه‌ی روشن دیگری‌ست که جذابیت طبیعی گردهمائی‌های دانشجوئی را مضاعف می‌سازد.

دانشـــجوی متعهد و آگاه از پیش از انقلاب تا کنون همواره در جســـتجوی مهمترین مسائل جاری کشور بوده اســـت. او با انگیزه‌ی آگاهی و نشاطی که لازمه‌ی محیطهای دانشجوئی‌ســـت، در پی آن است که آرمانهای والا و تعهدآور خود را در پیگیری این گونه مســـائل جستجو کند و در راه آن گام نهد. این نیز خصوصیت طبیعی دیگری برای محیطهای دانشجوئی‌ست .

امروز ســـرآغاز فهرست بلند مسائل کشور مسئله‌ی عدالت است. دانشجوی جوان اگر چه خود برخاســـته از قشرهای مســـتضعف جامعه هم نباشد، به عدالت اجتماعی و پر کردن شـــکافهای طبقاتی به چشم یك آرزوی بزرگ و بی‌بدیل می‌نگرد.

این احســـاس و انگیزه در دانشـــجو پر ارج و مبارك است. و می‌تواند پایه‌ی قضاوتهـــا و برنامه‌هـــای عملی او برای حـــال و آینده باشـــد. اگر عدالت – عدالت واقعی و ملموس و نه فقط ســـخن گفتـــن از عدالت – آرزو و آرمان و هدف برنامه‌ریزی‌هاســـت، پس باید هر پدیده‌ی ضـــد عدالت در واقعیات کشور مورد ســـؤال قرار گیرد .مسابقه‌ی رفاه میان مسئولان، بی‌اعتنائی به گسترش شکاف طبقاتی در ذهن و عمل برنامه‌ریزان، ثروت‌های سر برآورده در دســـتانی که تا چندی پیش تهی بودند، هزینـــه کردن اموال عمومی در

اقدامهای بدون اولویت، و به طریق اولی در کارهای صرفاً تشـــریفاتی، میدان دادن به عناصری که زرنگی و پرروئی آنان همه‌ی گلوگاههای اقتصادی را به روی آنان می‌گشـــاید، و خلاصه پدیده‌ی بسیار خطرناك انبوه شدنِ ثروت در دست کسانی که آمادگی دارند آنرا هزینه‌ی کسب قدرت سیاسی کنند. و البته با تکیه بر آن قدرت سیاسی اضعاف آنچه را که هزینه کرده‌اند گرد می‌آورند.

اینها و امثال آن نقطه‌های استفهام برانگیزی‌ست که هر جوان معتقد به عدل اســـلامی ذهن و دل خود را به آن متوجه می‌یابد و از کســـانی که مظنون به چنین تخلفاتی شناخته می‌شوند پاســـخ می‌طلبد. و همچنین در کنار آن از دولت و مجلس و دســـتگاه قضائی عملکرد قاطعانه برای ریشه‌کن کردن این فســـادها را مطالبه می‌کند.امروز این مهمترین و مطرح‌ترین مسئله‌ی کشور ماست و نسل جوان دانشجوی متعهد و مؤمن نمی‌تواند نسبت به آن بی‌تفاوت بماند.

توفیقات همگان را از خداوند متعال خواستارم

والسلام علیکم و رحمةاللّه – سید علی خامنه‌ای – ۱۳۸۱/۰۸/۶

فرمان هشت ماده‌یی به سران قوا

حضرات آقایان رؤسای محترم قوای سه گانه دامت تأییداتهم

تشکیل ســـتاد مبارزه با مفاسد اقتصادی و تهیه طرح مبارزه با فساد که دو قوه‌ی مجریه و قضائیه بدان همت گماشـــته‌اند، عزم جدّی مســـئولان را به اقدام در این امراساســـی و حیاتی نوید میدهد. حکومتی که مفتخر به الگو ســـاختن نظام علوی است باید در همه حال تکلیف بزرگ خود را کم کردن فاصله‌ی طولانی خویش با نظام آرمانی علوی و اسلامی بداند، و این جهادی از ســـر اخلاص و همّتی ســـستی‌ناپذیر میطلبد. جمهوری اسلامی که جز خدمت به مردم و افراشـــتن پرچم عدالت اسلامی، هدف و فلسفه‌ئی ندارد نباید در این راه دچار غفلت شـــود؛ رفتار قاطع و منصفانه‌ی علوی را باید در مدّ نظر داشته باشد؛ و به کمك الهی و حمایت مردمی که عدالت و انصاف را قدر میدانند تکیه کند.

نامگذاری امسال به نام مبارك «رفتار علوی» فرصت مناسبی است که شما برادران عزیز، خط مراقبت از سلامت نظام را که بحمداللّه در سالهای گذشته همواره در کار بوده، فعّالیتی تازه نفس و سازمان یافته ببخشید و با همکاری و اتحاد، افق‌ها را در برابر چشـــم این ملّت نجیب و مؤمن، روشنتر و شفافتر سازید.

امروز کشور ما تشنه‌ی فعالیّت اقتصادی سالم و ایجاد اشتغال برای جوانان و سرمایه‌گذاری مطمئن است. و این همه به فضائی نیازمند است که در آن، سرمایه‌گذار و صنعتگر و عنصر فعال در کشاورزی و مبتکر علمی و جوینده‌ی کار و همه‌ی قشرها، از صحّت و سلامت ارتباطات حکومتی و امانت و صداقت

متصدیـــان امور مالی و اقتصادی مطمئن بوده و احســـاس امنیت و آرامش کنند. اگر دست مفسدان و سوءاستفاده‌کنندگان از امکانات حکومتی، قطع نشـــود، و اگر امتیازطلبان و زیاده‌خواهان پرمدّعا و انحصارجو، طرد نشوند، ســـرمایه‌گذار و تولید کننده و اشتغال‌طلب، همه احساس ناامنی و نومیدی خواهند کرد و کســـانی از آنان به استفاده از راههای نامشروع و غیرقانونی تشویق خواهند شد.

خشکانیدن ریشه‌ی فســـاد مالی و اقتصادی و عمل قاطع و گره‌گشا در این باره، مســـتلزم اقدام همه جانبه بوسیله‌ی قوای سه گانه مخصوصاً دو قوه‌ی مجریه و قضائیه اســـت. قـــوه‌ی مجریه با نظارتی ســـازمان یافته و دقیق و بی‌اغماض، از بروز و رشـــد فسادمالی در دستگاهها پیشگیری کند، و قوه‌ی قضائیه با اســـتفاده از کارشناسان و قضات قاطع و پاکدامن، مجرم و خائن و عناصر آلوده را از ســـر راه تعالی کشور بردارد. بدیهی است که نقش قوه‌ی مقننه در وضع قوانین که موجب تســـهیل راه‌کارهای قانونی است و نیز در ایفاء وظیفه‌ی نظارت، بسیار مهم و کارساز است.

لازم اســـت نکاتی را به حضرات آقایان و دیگر دســـت اندرکاران کشـــور که میتوانند در مبارزه با فساد مالی ایفاء نقش کنند، تذکر دهم :

۱- با آغاز مبارزه‌ی جدّی با فساد اقتصادی و مالی، یقیناً زمزمه‌ها و بتدریج فریادهـــا و نعره‌های مخالفت با آن بلند خواهد شـــد. این مخالفتها عمدتاً از سوی کسانی خواهد بود که از این اقدام بزرگ متضرر میشوند و طبیعی است بددلانی که با سعادت ملت و کشور مخالفند یا ساده‌دلانی که از القائات آنان تاثیر پذیرفته‌اند با آنان همصدا شوند. این مخالفتها نباید در عزم راسخ شما تردید بیفکند. به مسئولان خیرخواه در قوای سه گانه بیاموزید که تسامح در مبارزه با فساد، بنوعی همدستی با فاسدان و مفسدان است. اعتماد عمومی به دستگاههای دولتی و قضائی در گرو آن است که این دستگاهها در برخورد با مجرم و متخلف قاطعیت و عدم تزلزل خود را نشان دهند.

۲- ممکن است کسانی بخطا تصوّر کنند که مبارزه با مفسدان و سوءاستفاده‌کنندگان از ثروتهای ملّی، موجب ناامنی اقتصادی و فرار سرمایه‌ها است. به این اشخاص تفهیم کنید که بعکس، این مبارزه موجب امنیت فضای اقتصادی و اطمینان کسانی است که می‌خواهند فعالیت سالم اقتصادی داشته باشند. تولید کنندگان این کشور، خود نخستین قربانیان فساد مالی و اقتصاد ناسالم‌اند.

۳- کار مبارزه با فساد را چه در دولت و چه در قوه‌ی قضائیه به افراد مطمئن و برخوردار از سلامت و امانت بسپارید. دستی که میخواهد با ناپاکی دربیفتد باید خود پاك باشد، و کسانی که میخواهند در راه اصلاح عمل کنند باید خود برخوردار از صلاح باشند.

۴- ضربه‌ی عدالت باید قاطع ولی در عین حال دقیق و ظریف باشد. متهم کردن بی‌گناهان، یا معامله‌ی یکسان میان خیانت و اشتباه، یا یکسان گرفتن گناهان کوچك با گناهان بزرگ جایز نیست. مدیران درستکار و صالح و خدمتگزار که بیگمان، اکثریت کارگزاران در قوای سه گانه کشور را تشکیل میدهند نباید مورد سوء ظن و در معرض اهانت قرار گیرند و یا احساس ناامنی کنند. چه نیکو است که تشویق صالحان و خدمتگزاران نیز در کنار مقابله با فساد و مفسد، وظیفه‌ئی مهم شناخته شود.

۵- بخشهای مختلف نظارتی در سه قوه از قبیل سازمان بازرسی کل کشور، دیوان محاسبات و وزارت اطلاعات باید با همکاری صمیمانه، نقاط دچار آسیب در گردش مالی و اقتصادی کشور را بدرستی شناسائی کنند و محاکم قضائی و نیز مسئولان آسیب زدائی در هر مورد را یاری رسانند.

۶- وزارت اطلاعات موظف است در چهارچوب وظائف قانونی خود، نقاط آسیب‌پذیر در فعالیتهای اقتصادی دولتیِ کلان مانند: معاملات و قراردادهای خارجی، و سرمایه‌گذاریهای بزرگ، طرح‌های ملّی، و نیز مراکز مهم تصمیم‌گیری اقتصادی و پولی کشور را پوشش اطلاعاتی دهد و به دولت

و دســـتگاه قضائی در تحقق ســـلامت اقتصادی یاری رساند و بطور منظم به رئیس جمهور گزارش دهد.

۷- در امر مبارزه با فســـاد نباید هیچ تبعیضی دیده شـــود. هیچکس و هیچ نهاد و دستگاهی نباید استثنا شود. هیچ شخص یا نهادی نمیتواند با عذر انتساب به اینجانب یا دیگر مسئولان کشور، خود را از حساب کشی معاف بشمارد. با فساد در هر جا و هرمسند باید برخورد یکسان صورت گیرد.

۸- با این امر مهم و حیاتی نباید بگونه‌ی شعاری و تبلیغاتی و تظاهرگونه رفتار شود. بجای تبلیغات باید آثار و برکات عمل، مشـــهود گردد. به دســـت اندرکاران این‌مهم تاکید کنید که بجای پرداختن به ریشـــه‌ها و ام‌الفسادها به سراغ ضعفا و خطاهای کوچك نروند و نقاط اصلی را رها نکنند. هرگونه اطلاع رســـانی به افکار عمومی که البته در جای خود لازم است، باید بدور از اظهارات نسنجیده و تبلیغات‌گونه بوده و حفظ آرامش و اطمینان افکار عمومی را در نظر داشته باشد.

از خداوند متعال اخلاص و جِدّ و توفیق را برای خود و شـــما و همه‌ی مســـئولان این امور، مسئلت میکنـــم و امیدوارم این اقدام مورد رضای حضرت بقیةاللّه‌الاعظم روحی فداه قرار گرفته گام بلندی بسوی رفاه و آسایش عمومی را تدارك کند.

والسلام علیکم - سیدعلی خامنه‌ای - ۱۳۸۰/۰۲/۱۰

عدالت یعنی...

البته عدالت، همه جا به معنای «برابری» نیست. اشتباه نشود. عدالت یعنی هر چیزی را در جای خود قرار دادن. این معنای عدل است. ..عدالت یعنی برطبق حق عمل کردن، و حقِ هر چیز و هرکسی را به او داد.(۱۳۷۱/۱۰/۱۷)

عدالت تندروی نیست، حقگرایی است

بعضی می‌خواهند با عنوان تندروی، عدالت را متهم و محکوم کنند. عدالت، تندروی نیست؛ حق‌گرایی است؛ توجه به حقوق آحاد مردم است؛ جلوگیری از ویژه‌خواری است؛ جلوگیری از تجاوز و تعدی به حقوق مظلومان است. (۱۳۸۴/۵/۱۲)

دنبال تولید ثروت رفتن بدون نگاه به عدالت، همان چیزی می‌شود که امروز در کشورهای سرمایه‌داری مشاهده می‌کنیم.(۱۳۸۴/۶/۸)

پایه مشروعیت

مشروعیت من و شما وابسته به مبارزه با فساد، تبعیض و نیز عدالت‌خواهی است. این، پایه مشروعیت ماست. الان درباره مشروعیت حرفهای زیادی زده می‌شود، بنده هم از این حرفها بلدم؛ اما حقیقت قضیه این است که اگر ما دنبال عدالت نباشیم، حقیقتاً من که این‌جا نشسته‌ام، وجودم نامشروع خواهد بود؛ یعنی هرچه اختیار دارم و هرچه تصرّف کنم، تصرّف نامشروع خواهد بود؛ دیگران هم همین‌طور. ما برای عدالت و رفع تبعیض آمده‌ایم.(۱۳۸۲/۶/۵)

ما اگر دنبال عدالت اجتماعی نباشیم، وجود ما پوچ و بیهوده است و جمهوری اسلامی معنی ندارد. (۱۳۸۳/۸/۶)

تشکیل حکومت هدف نیست!

تشکیل حکومت، هدف نیست. نکته اساسی این جاست. تشکیل حکومت برای تحقّق آرمانهاست. اگر حکومت تشکیل شد، ولی در جهت تحقّق آرمانها پیش نرفت، حکومت منحرف است. این یك قاعده کلی است؛ این معیار است. ممکن است تحقّق آرمانها سالهایی طول بکشد؛ موانع و مشکلاتی بر سر راه وجود داشته باشد؛ اما جهت حکومت - جهت و سمتگیری این قدرتی که تشکیل شده است - حتماً باید به سمت آن هدفها و آرمانها و آرزوهایی باشد که شعار آن داده شده است و داده می‌شود و در متن قرآن و احکام اسلامی وجود دارد.(۱۳۷۵/۹/۱۹)

در راه ماندگان

انســـانی که ایمان دینی ندارد، امید روشـــن ندارد. انسانی که ایمان دینی ندارد قدرت برخورد با مشکلات را، به صورت اساسی ندارد. در نیمه راه می‌ماند و از نیمه راه برمی‌گردد.(۱۳۷۱/۷/۱۵)

در اســـلام، عدالت مســـأله‌ی بسیار مهمی است. ارزشـــی که از نظر اسلام به‌هیچ‌وجه و در هیچ شرایطی مورد مناقشه قرار نمی‌گیرد، عدالت است.(۱۳۸۴/۲/۱۸)

ادامه حرکت انبیا

تکیه‌ی بر عدالت، اساسی‌ترین و محوری‌ترین اصلِ یك حرکت الهی است؛ ادامه‌ی کار همه‌ی انبیا و مصلحان بزرگ تاریخ است.(۱۳۸۴/۵/۱۲)

بدون عدالت یعنی غیراسلامی و منافقانه

دعـــوت به نظام اســـلامی، منهای اعتقادی راســـخ و عملـــی پیگیر در راه عدالـــت اجتماعی، دعوتـــی ناقـــص، بلکه غلط و دروغ اســـت و هـــر نظامـــی هرچند با آرایش اســـلامی، اگـــر تأمین قســـط و عدل و نجات ضعفـــا، و محرومین، در ســـرلوحه‌ی برنامه‌های آن نباشـــد، غیراســـلامی و منافقانه است.(۱۳۶۹/۳/۱۰)

اگر در دنیا دو نقطه وجود دارد که یکی نقطه عدل و یکی نقطه ظلم است و هردو هم غیراسلامی هستند، اسلام به آن نقطه عدل، ولو غیراسلامی است، توجّه موافق دارد.(۱۳۷۳/۱۰/۱۰)

عدالت، در هر کجا

استقرار عدل، تبعیت از عدل، ترویج عدل، تلاش و مجاهدت برای عدل، بزرگداشت عدالت هرجا که باشد – ولو در بلاد غیرمسلم – و تقبیح ظلم در هر نقطه‌ای از دنیا که باشد. این هم یکی از خصوصیات اسلامی است. (۱۳۷۳/۱۰/۱۰)

ارزش درجه یک

نباید ارزش عدالت به عنوان یك ارزش درجه‌ی دو کم‌کم در مقابل ارزشـــهای دیگر به فراموشی سپرده شود؛ در نظام ما این خطر وجود داشته است. ارزش‌های دیگر هم خیلی مهم است؛ مثلاً ارزش پیشـــرفت و توسعه، ارزش سازندگی، ارزش آزادی و مردم‌سالاری. مطرح کردن ارزش عدالت مطلقاً به معنای نفی اینها نیست؛ اما وقتی ما این ارزش‌ها را عمده می‌کنیم و مسأله‌ی عدالت و نفی تبعیض و توجه به نیازهای طبقات محروم در جامعه کمرنگ می‌شود، خطر بزرگی است؛ اما با عدالت‌محور بودن یك دولت، این خطر از بین می‌رود یا ضعیف می‌شود.(۱۳۸۰/۱۱/۲۹)

بدون تأمین عدالت اجتماعی، جامعه‌ی ما اسلامی نخواهد بود.(۱۳۶۸/۱۱/۹)

حکومت پشتیبان پابرهنگان

در نظام اسلامی باید همه‌ی افراد جامعه، در برابر قانون و در استفاده از امکانات خداداد میهن اسلامی، یکسان و در بهره‌مندی از مواهب حیات، متعادل باشند. هیچ صاحب قدرتی قادر به زورگویی نباشد و هیچ‌کس نتواند برخلاف قانون، میل و اراده‌ی خود را به دیگران تحمیل کند. طبقات محروم و پابرهنگان جامعه، مورد عنایت خاص حکومت باشند و رفع محرومیت و دفاع از آنان در برابر قدرتمندان، وظیفه‌ی بزرگ دولت و دستگاه قضایی محسوب شود. هیچ‌کس به خاطر تمکن مالی، قدرت آن را نیابد که در امور سیاسی کشور و در مدیریت جامعه دخالت و نفوذ کند و هیچ تدبیر و حرکتی در جامعه، به افزایش شکاف میان فقرا و اغنیا نینجامد. پابرهنگان، حکومت اسلامی را پشتیبان و حامی خود حس کنند و برنامه‌های آن را در جهت رفاه و رفع محرومیت خودبیابند.(۱۳۶۹/۳/۱۰)

دیوان‌سالاری با عدالت

اگر دیوان‌سالاری و تشکیلات ما عدالت را مختل می‌کند، مضر است. باید دیوان‌سالاری را به نحوی سازماندهی و تنظیم کرد که به عدالت کمك کند.(۱۳۸۳/۴/۷)

معنویت بدون عدالت!

بعضی‌ها اهل معنایند، اما هیچ نگاهی به عدالت ندارند؛ این نمی‌شود. اسلام، معنویتِ بدون نگاه به مسائل اجتماعی و سرنوشت انسانها ندارد؛ «من اصبح و لم یهتمّ بامور المسلمین فلیس بمسلم». آدم معنوی‌یی که با ظلم می‌سازد، با طاغوت می‌سازد، با نظام ظالمانه و سلطه می‌سازد، این چطور معنویتی است؟ این‌گونه معنویت را ما نمی‌توانیم بفهمیم.(۱۳۸۴/۶/۸)

این عدالت، عدالت نیست

اگر عدالت از عقلانیت و معنویت جدا شد، دیگر عدالتی که شما دنبالش هستید، نخواهد بود؛ اصلاً عدالت نخواهد بود. عقلانیت به‌خاطر این است که اگر عقل و خرد در تشخیص مصادیق عدالت به‌کار گرفته نشود، انسان به گمراهی و اشتباه دچار می‌شود؛ خیال می‌کند چیزهایی عدالت است، در حالی‌که نیست؛ و چیزهایی را هم که عدالت است، گاهی نمی‌بیند. (۱۳۸۴/۶/۸)

عقلانیت غیر محافظه‌کار

عقلانیت و محاسبه که می‌گوییم، فوراً به ذهن نیاید که عقلانیت و محاسبه به معنای محافظه‌کاری، عقل‌گرایی و تابع عقل بودن است. عاقل بودن و خرد را به کار گرفتن با محافظه‌کاری

فــرق دارد. محافظــه کار، طرفدار وضع موجود اســت؛ از هــر تحولی بیمناك اســت؛ هرگونه تغییر و تحولــی را برنمی‌تابد و از تحول و دگرگونی می‌ترســد؛ اما عقلانیت این‌طور نیســت؛ محاســبه‌ی عقلانی گاهی اوقات خودش منشــأ تحولات عظیمی می‌شــود. انقلاب عظیم اســلامی ما ناشــی از یك عقلانیت بود. (۱۳۸۴/۶/۸)

مقدمه دیکتاتوری

کســانی که با گردن کشی در مقابل قانون، حرمت آن را از بین میبرند یا دارای سوء نیت و عناد هستند و یا در بی مبالاتی و غفلت به سر میبرند، این افراد در واقع مقدمه و زمینه دیکتاتورها را فراهم میکنند.(۱۳۸۲/۱۱/۱۲)

خطر بزرگ جامعه

حالت خواب‌رفتگی و تن دادن به آنچه در جریان عمومیِ سیاسی و اقتصادی دنیا دارد می‌گذرد و تسلیم شدن به آن، خطر بزرگ جامعه‌ی ماست و اگر کسی درست بفهمد و بیندیشد، می‌فهمد که باید با یك تحرك و تحول، این وضع را دگرگون کرد؛ هم در زمینه‌ی مسائل اقتصادی، هم در زمینه‌ی مسائل سیاسی. بنابراین عقلانیت با محافظه‌کاری فرق دارد. محاسبه‌ی عقلانی را با محاسبه‌ی محافظه‌کارانه به هیچ‌وجه مخلوط نکنید؛ اینها دو چیز است. تا می گوییم محاسبه و عقلانیت، عده‌یی می گویند مواظب باشید، دست از پا خطا نکنید، عقل را رعایت کنید؛ نبادا یك حرفِ آن‌چنانی بزنید که در دنیا آن‌طوری بشود؛ نبادا یك کارِ آن‌چنانی بکنید که دنیا صف‌آرایی کند. اینها عقلانیتِ محافظه‌کارانه است؛ من به این اصلاً اعتقاد ندارم.(۱۳۸۴/۶/۸)

عدالت غیر اسلامی

بعضی این طور تصوّر می‌کردند - شاید حالا هم تصوّر کنند - که ما بایستی دوره‌ای را صرف رشد و توسعه کنیم و وقتی که به آن نقطه مطلوب رسیدیم، به تأمین عدالت اجتماعی می‌پردازیم. این فکرْ اسلامی نیست. «عدالت» هدف است و رشد و توسعهْ مقدمه عدالت است.(۱۳۷۴/۶/۸)

عدل مقدمه اخلاق

عدل، مقدمه‌ی تخلق به اخلاق‌اللّه و نورانی شدن انسانهاست.(۷۰/۴/۱۸)

عدالت در جامعه و نیز حکومت اســلامی در میان اجتماعات بشــری هم با این‌که هدف بزرگی محسوب می‌شــود، ولی خود آن یك مقدمه برای تعالی و رشد انسان است که در تزکیه‌ی آدمی نهفته است. (۷۰/۸/۱)

صلح بدتر از جنگ

صلح باید با عدالت همراه باشد. برای یک ملت، صلح تحمیلی و غیر عادلانه از جنگ هم بدتر است. (۱۳۸۰/۷/۲۳)

عدالت اجتماعی، آنچیزی اســت که حتی کسانی که اصرار داشتند شعار عدالت اجتماعی را به دلائل سیاسی وبا انگیزه های گوناگون کم رنگ کنند، بالاخره نتوانستند؛ مجبور شدند عدالت اجتماعی را مطرح کنند.(۱۳۷۸/۹/۱)

عدالت، ارزش کمیاب

الان هم در دنیا حکومتهایی هستند که شعار دین سرِ دستشان قرار دارد. آنچه در دنیا کمیاب است – که این همه دشمنی را به خودش جذب کرده – حکومت ارزشهای دینی است؛ پیدا شدن دین است؛ یعنی اصرار بر تحقق عدالت اجتماعی. این که ما می گوییم، شعار نیست؛ حقیقت و هویت ماست. ما اگر دنبال عدالت اجتماعی نباشــیم، وجود ما پوچ و بیهوده است و جمهوری اسلامی معنی ندارد. (۱۳۸۳/۸/۶)

ملاک وجود عدالت؟

ممکن بود در گوشه‌ای از آن جامعه، کسی به کسی ظلم بکند؛ اما این، ملاك فقدان عدالت اجتماعی نیست. ملاك وجود و عدم عدالت اجتماعی، استقرار حاکمانه عدالت اجتماعی است. در جامعه‌ای که قانون و حکمروایی عادلانه است، حکمران عادل است و نیّت، نیّت عدالت است، حرکت عمومی به سمت عدالت اجتماعی است. ممکن است دیر یا زود این راه طی شود و مدتی طول بکشد؛ اما بالاخره به عدالت اجتماعی خواهد رسید. (۷۴/۹/۲۹)

آرزوی استکبار

کسانی که خیال می کنند اسلام باید برود و در گوشه‌ای بنشیند و مردان اسلام و دین فقط زبان نصیحت را به کار گیرند، اینها دانسته یا ندانسته همان چیزی را می گویند که مراکز قدرت جهانی آن را می خواهند و آرزو می کنند. مراکز قدرت استکباری از این که رهبران اسلامی در گوشه‌ای از دنیا بنشینند و گاهی پیامی بدهند و یك کلمه حرفی بزنند – همچنان که رهبران مســیحی در هر قضیه‌ای پیامی می‌دهند، نصیحتی می کنند و جمله‌ای می گویند – هیچ ترسی ندارند؛ می‌دانند این خطری برای آنها نیست.(۸۱/۷/۳۰)

اگرعدالت نباشد، در حقیقت هیچ کاری انجام نشده است.(۷۱/۳/۳۰)

رفتار علوی یعنی...

هر کس که بیت‌المال مسلمین را مِلك خود به حساب می‌آوَرَد - یا به زبان بگوید، و یا اگر نمی‌گوید، در عمل این‌طور وانمود کند که ما این‌قدرها حق داریم - و با بیت‌المال مثل اموال شخصی خود رفتار کند - یا بخورد یا ببخشد یا در راه اغراض شخصی از آن استفاده کند - نمی‌تواند دنباله‌روِ علی به حساب آید. رفتار علوی در همه این ابعاد، وظیفه ماست؛ کارِ زیاد، بهره‌مندیِ کم. (۱۳۸۰/۱/۱)

تغلب یعنی غلبه و از راه زور بر مردم حاکم شدن، در منطق امیرالمومنین نیست.(۱۳۸۱/۶/۲۴)

کالای غیرقابل معامله

ما به عنوان شیعه باید این درس را به یاد داشته باشیم که عدالت قابل اغماض و قابل معامله نیست و هیچ یک از مسائل گوناگون -نه مصالح فردی و نه مصالح حکومت و کشور اسلامی- نمیتواند با عدالت معامله شود.(۱۳۸۲/۸/۲۳)

ارزش‌های پایدار

امیرالمؤمنین در این مدت نشان داد که اصول اسلامی و ارزشهای اسلامی‌یی که در دوران انزوای اسلام و در دوران کوچکی جامعه‌ی اسلامی به‌وجود آمده بود، در دوران رفاه و گسترش و اقتدار و پیشرفت و توسعه‌ی مادی جامعه‌ی اسلامی هم قابل پیاده شدن است.

[امیرالمؤمنین] نشان داد که اگر حاکم اسلامی و مدیران جامعه و مدیران مسلمان تصمیم داشته باشند؛ بنا داشته باشند و اعتقاد راسخ داشته باشند، می‌توانند همان اصول را در دوران گسترش منطقه‌ی حکومت اسلامی و پدید آمدن شرایط گوناگون و جدید زندگی، باز هم اجرا کنند و مردم را از آن بهره‌مند نمایند.(۱۳۸۳/۸/۱۵)

حکومت وقتی به نام خدا و برای اجرای احکام الهی است، باید تحت تأثیر هیچ ملاحظه ای که مخالف با حق باشد، قرار نگیرد. (۱۳۷۰/۱/۲۶)

تنها راهی که به مقصد میرسد

ما امام را فقط برای افتخار کردنِ به نام او و کار او نمی‌خواهیم؛ امام را فقط مایه‌ی زینت جمهوری اسلامی نمی‌دانیم. بالاتر و مهمتر از اینها این است که امام ما را به راهی هدایت کرد، هدفهایی را برای ما تعریف کرد، شاخص‌هایی را در میانه‌ی راه به ما معرفی کرد تا راه را گم نکنیم. فقط در صورت پیمودن این راه است که ما می‌توانیم به حیات طیبه برسیم و طعم آن را بچشیم؛ یعنی می‌توانیم کابوس فقر و عقب‌افتادگی را از جامعه و ملتِ خودمان دور کنیم؛ می‌توانیم آرزوی دیرین بشر یعنی عدالت را تحقق

ببخشیم؛ می‌توانیم به تحقیر شدن ملتهای مسلمان خاتمه دهیم؛ می‌توانیم طمع قدرتهای استکباری را قدرتمندانه – نه با تملق و اظهار ذلت – از خودمان قطع کنیم؛ می‌توانیم اخلاق و تقوا و ایمان را، هم در رفتار فردی خود، و هم در برنامه‌های کلان کشـــور حاکم کنیم؛ می‌توانیم آزادی را که نعمت بزرگ خداست، با همه‌ی برکاتی که در آن هست، به‌دست بیاوریم؛ اینها هدفهای امام است. حرکت امام و انقلاب امام و نظامی که او معمار آن بود، برای تحقق این هدفها به‌وجود آمده است. پس راه امام، راه ایمان و راه عدالت و راه پیشرفت مادی و راه عزت است. ما پیمان بسته‌ایم که این راه را ادامه دهیم و به توفیق الهی ادامه خواهیم داد.(۱۳۸۴/۳/۱۴)

خصوصیت غیرقابل تفکیک

[تأمین قسط و عدل و نجات ضعفا و محرومین] خصوصیت غیرقابل تفکیک اسلامی است. هیچ حائلی نباید بتواند مســـئولین انقلاب و مدیران بخشهای مختلف آن را از این هدف اساسی غافل کند. (۶۹/۳/۱۰)

برای نان نبود اما...

انقلاب ما انقلاب نان نیست، برای نان نیست!... انقلاب ما بر اساس یک ایمان بود؛ اما معنایش این نیست که انقلاب نباید به زندگی مردم، به اقتصاد، به نان و رفاه مردم بپردازد؛ این چه حرفی است؟(۱۳۷۸/۳/۱۴)

مرفهین یا مستضعفین؟

این فریب است که کسی ادعا کند برای مردم کار می‌کند؛ اما در عمل، کار او برای طبقات مرفّه باشد، نه برای طبقات مستضعف و محروم. نه این‌که نباید برای طبقات مرفّه کار کرد؛ آنها هم از حقوق عمومی کشور باید بهره‌مند شوند؛ اما به آن کسی که محرومیت دارد و دستش از حقوق خود خالی مانده است، باید بیشترِ توجّه و همّت و تلاش را اختصاص داد. (۱۳۸۰/۳/۱۴)

الگوی بی‌درد، خیر!

صدا و سیما و روزنامه‌ها نباید همواره برای جوان الگوی یك جوان اشرافیِ بی‌دردِ تن‌به‌راحت‌داده عیّاش را مطرح کنند.(۱۳۸۰/۲/۱۲)

آخرت بدون دنیا نمی‌شود، دنیا بدون عدالت

اصلاً آخرت بدون دنیا نمی‌شـــود و امکان ندارد که انســـان بخواهد به آن مواهب معنوی برسد و دنیای ویرانی هم داشته باشد. این کار، دلایل واضحی دارد که نمی‌خواهم آنها را تکرار کنم – مطالبی

است که هم شما می‌دانید، هم من – باید دنیا را آباد کنیم و این کارها همه آباد کردن دنیاست؛ اما دنیای آبادِ دور از عدالت و دور از معنویت به درد نمی‌خورد. گیرم که رشدمان – به تعبیر غلط که گفته می‌شود نرخ رشد – آمد بالا و فرض بفرمایید درآمد سرانه‌مان دو برابر و سه برابر شد؛ اما عدالت در جامعه نبود؛ یعنی عمده این درآمد به یك بخش محدودی رسید و بخش عظیمی از مردم، محروم و گرسنه ماندند. این، کاری نیست که ما باید انجام دهیم؛ این، آن تکلیفی نیست که ما برعهده داریم.(۱۳۸۲/۶/۵)

رودربایستی ندارند، حتی با روحانی

بـــه حد ضـــرورت اکتفا کنید و اندازه نگه دارید؛ اینها ما را از مـــردم دور می‌کند، روحانیون را از مردم دور می‌کند. روحانیون، به تقوا و ورع و بی‌اعتنایی به دنیا در چشـــمها شیرین شدند. بدون ورع و بدون دورانداختن دنیا، نمی‌شود در چشمها شیرین ماند. مردم رودربایستی ندارند؛ خدا هم با کسی رودربایستی ندارد.(۱۳۷۰/۵/۲۳)

با تجمل نمی‌شود

فضا را، فضای تجمّلاتی و تجمّل‌گرایی و عادت کردن به تجمّل قرار ندهیم؛ چون امروز اگر این روحیه تجمّل‌گرایی در جامعه ما رواج پیدا کند – که متأسفانه تا میزان زیادی هم رواج پیدا کرده است – بسیاری از مشکلات اقتصادی و اجتماعی و اخلاقی کشور اصلاً حل نخواهد شد.(۱۳۷۸/۱۰/۴)

بازسازی خطرناک!

دوران بازســـازی، دوران شکوفایی و پیشـــرفت ملت و دوران ساختن کشور است. اما در همین حال، این دوران، دوران خطرِ گرایش آدمهای ضعیف به ســـمت اشرافیگری و تجمّل و انباشت ثروت و سوءاستفاده اقتصادی است. لذا همه باید خیلی مراقب باشند؛ هم مسؤولان و هم آحاد مردم.(۱۳۷۶/۱/۱)

موثرتر از ده ابرقدرت

بعضیها سراغ رفتار تجمّل‌آمیز و اشرافیگرانه و خودروهای آن چنانی و خانه‌های آن چنانی نروند. اگر این امور رعایت شد و این پارسایی و این اهتمام به هدف اصلی محقّق گردید، آن وقت امریکا که هیچ؛ حتّی اگر ده ابرقدرت مثل امریکا، با انگیزه‌های خصمانه نسبت به جمهوری اسلامی در دنیا هم وجود داشته باشد، به فضل پروردگار هیچ غلطی نمی‌توانند بکنند.(۱۳۷۶/۱/۲۷)

موضوع دیگر، احساس تنعّم و زندگی مرفّه مسؤولان است. من از این بابت من واقعاً رنج می‌برم. این البته خطاب به شما نیست. بعضی از شما زندگیهای خیلی معمولی و خوبی دارید. روند کار نباید به سمت تنعّم روزافزون مسؤولان و تظاهر به این معنا باشد؛ این غلط است.(۱۳۸۲/۶/۵)

معنای زهد این است نه آن

اشتباه نکنیم! بی‌رغبتی به دنیا، به معنای پشت کردن به تلاش، سازندگی، مبارزه و ساختن جهان به شکل مطلوب نیست. آن زحمتها را باید کشید. کسی که بی‌رغبت به دنیاست، زاهد است؛ یعنی همه آن زحمتها را می‌کشد، مجاهده می‌کند، مبارزه می‌کند، خود را در میدانهای مبارزه حتّی به خطر هم می‌اندازد، تا پای جان هم پیش می‌رود، بازوی او، پای او، مغز او، جسم او، روح او و دارایی او هم - اگر دارد - در راه ساختن دنیای خوب مصرف می‌شود؛ منتها وقتی نوبت برداشتِ شخصی از خزانه دنیا می‌رسد، کم برمی‌دارد. این، معنای زهد است.(۱۳۷۱/۱۰/۱۷)

اسوه حیوانی؟

نمی‌شود ما در زندگی مادّی مثل حیوان بچریم و بغلتیم و بخواهیم مردم به ما به شکل یك اسوه نگاه کنند؛ مردمی که خیلیشان از اولیات زندگی محرومند. (۱۳۷۰/۵/۲۳)

فقط ریش کافی است؟!

من و شما همان طلبه یا معلم پیش از انقلابیم. یکی از شماها معلم بود، یکی دانشجو بود، یکی طلبه بود، یکی منبری بود، همه‌مان این‌طور بودیم؛ اما حالا مثل عروسی اشراف عروسی بگیریم، مثل خانه‌ی اشراف خانه درست کنیم، مثل حرکت اشراف در خیابانها حرکت کنیم! اشراف مگر چگونه بودند؟ چون آنها فقط ریششان تراشیده بود، ولی ما ریشمان را گذاشته‌ایم، همین کافی است؟! نه، ما هم مترفین می‌شویم. واللّه در جامعه‌ی اسلامی هم ممکن است مترف به وجود بیاید. از آیه‌ی شریفه‌ی «واذا اردنا ان نهلك قرية امرنا مترفيها ففسقوا فيها»(۱۷) بترسیم. تُرف، فسق هم دنبال خودش می‌آورد. (۱۳۷۰/۵/۲۳)

مسؤول بی‌دندان!

افراد مسؤول در این نظام، باید دندان لذایذ بی‌شماری را بکَنند.(۱۳۷۲/۳/۲۶)

هنگامه‌ی خطر

اگر خواص یك کشور - یعنی نیروهایی که با زبانشان، با قلمشان، با رفتارشان، با امضایشان، بر روی مسیر یك ملت اثر می‌گذارند - میل به سازش و راحت‌طلبی و زندگی مرفه و خوشگذرانی پیدا کنند و از حضور در میدانهای خطر خسته شوند، آن وقت خطر تهدید می‌کند.(۱۳۷۹/۳/۱۴)

عزیزان من! این نکته را در این‌جا بگویم: از جمله چیزهایی که روند حرکت به سمت عدالت را در جامعه کُند می‌کند، نمود اشرافیگری در مسؤولان بالای کشور است؛ از این اجتناب کنید.(۱۳۸۰/۶/۵)

کسی که برای خود مسؤولیتی قائل است، اگر دنیازده و رفاه‌زده شد، کارش زار خواهد شد و کار

مردم را هم زار خواهد کرد.(۱۳۸۰/۸/۱۲)

- ما مسؤولان باید روح اسلامی را در خود زنده نگهداریم؛ روح اشرافیگری را دور بیندازیم و رشته سودجویی و ثروت‌طلبی و دنبال منافع شخصی دویدن و تجمّل پرستی و امثال اینها را از دست و پای خود باز کنیم. اگر گرفتاریهای ما در بخشی حل نشده است، علّتش اینهاست؛ اینها را باید اصلاح کنیم. (۱۳۸۱/۳/۱)

یک گناه در مراکز قدرت

- در نظام اسلامی، مراکز قدرت و کسانی که دستگاههای مختلف و مدیریّتها و امضاءها را در اختیار دارند، باید به جمع ثروت شخصی برای خود، به عنوان یك گناه نگاه کنند. (۱۳۸۱/۷/۳)

هدف دشمن، غلبه سرگرمی بر آرمان

- امروز آنها منتظرند که فساد در داخل این کشور نفوذ پیدا کند؛ تردید در اذهان جوانان این کشور نفوذ پیدا کند؛ سرگرمیهای باز دارنده و فاسد، بر آرمانهای بزرگ غلبه پیدا کند؛ دنیا طلبی و اشتغال به مال و زینت دنیا رایج شود و لذّت پول و زندگی راحت و تجمّلاتی، خود را زیر دندان عناصر انقلابی نشان دهد.(۱۳۷۳/۱۰/۱۵)

فقط با تقوا و لاغیر

- جبهه‌ی حق، فقط در صورتی که باخدا و باتقوا و باطهارت باشد، خواهد توانست در مقابل جبهه‌ی باطل بایستد و پیش برود، و لاغیر.... این جبهه، فقط با تقوا پیش خواهد رفت. این نظام، جز با رعایت تقوا و طهارت و پاکی و محاسبه‌ی دقیق و صحیح و حسابرسیِ هرکدامِ ما از خودش - «حاسبوا انفسکم»(۱۳) - پیش نخواهد رفت. اشتباه است اگر کسی خیال کند همان کارهایی که دیگر حکومتها و دیگر کارگزاران دولتها در دنیا می‌کنند، ما هم همانها را بکنیم. ما اصولی داریم، ما روشهای مخصوص به خودمان را داریم؛ اینها متعلق به اسلام است. این اصول باید بر دنیا حاکم بشود؛ نه این که اصول غلط دنیای جاهلی و استکباری، خودش را بر ما تحمیل بکند.(۱۳۷۰/۵/۲۳)
- عدالت اجتماعی، در سایه اصلاح انسان، نفوس و بواطن و در سایه توجّه به خدا و ذکر، حاصل خواهد شد.(۱۳۷۴/۹/۲۹)

مخلصین در خطر عظیم

- عزیزان من! بدانید که هیچکدام از ما مصون و معصوم از بروز فساد نیستیم؛ حتی انسانهای صالح و انسانهای مؤمن که در آن روایت دارد: «والمخلصون فی خطر عظیم»(المراقبات، ج ۱، ص ۱۵۰). وقتی که مخلصین در خطرند، تکلیف ما معلوم است دیگر!(۱۳۷۸/۳/۱۰)

بی‌تقوا نمی‌تواند

نمی‌شود کسی در درون خود و در عمل شخصیِ خود تقوا نداشته باشد، دچار هوای نفس و اسیر شـــیطان باشد، اما ادّعا کند که می‌تواند در جامعه عدالت را اجرا کند. چنین چیزی ممکن نیست. ... انسانی که مراقب خود نیست و در عمل و کلام و زندگی شخصیِ خود دچار بی‌عدالتی و بی‌تقوایی است، نمی‌تواند در محیط جامعه منشأ عدالت اجتماعی باشد.(۱۳۷۹/۱۲/۲۶)

روش همراه ارزش

در اسلام همچنان که ارزشها بسیار اهمیت دارند، روشها هم اهمیت دارند و ارزشها باید در روشها هم خودشان را نشان دهند. امروز اگر می‌خواهیم حکومت ما به معنای حقیقی کلمه اسلامی باشد، بدون ملاحظه باید در همین راه حرکت کنیم. مسؤولان بخشهای مختلف، قوای سه‌گانه، مدیران میانی، همه و همه باید سعی‌شان این باشد که برای کارها و پیشبرد اهدافشان، از روش سالم و اخلاقی استفاده کنند. استفاده از این روش ممکن است در جایی ناکامیها و دردسرهایی را هم به لحاظ کسب قدرت به وجود آورد؛ اما درعین‌حال این متعیّن اســـت که از نظر اسلام و از نظر امیرالمؤمنین، تشبّث به روشهای غیر اخلاقی به‌هیچ‌وجه صحیح نیست. راه علی این است و ما باید این‌گونه حرکت کنیم. (۱۳۷۹/۱۲/۲۶)

اینها هم جزو اسلام است

عزیزان من! باید به اسلام عمل کنیم. عمل به اسلام فقط نماز و روزه نیست؛ نماز و روزه و حجّ و عبادت جزوی از اسلام است. رحم و عدالت، رسیدگی به خواستهای عمومی مردم، خدمت به انسانها و مبارزه با شر و انواع فساد هم جزو اسلام است.(۱۳۸۱/۱۲/۴)

در درجه اوّل، مسؤول باید احساس کند در مقابل خدای متعال برای خدمت به مردم و استقرار عدالت در میان آنها مسؤول است.(۱۳۸۲/۹/۲۵)

رفتار دینی یعنی عدالت و خدمت

عمل صالحی که در اســـلام از یك مســـؤول نظام سیاسی خواسته شده است، رفتار دینی است. رفتار دینی یعنی گسترش عدالت در جامعه و خدمت به آحاد مردم. در اسلام خدمت به انسانها، حتّی انسانهای غیرمؤمن هم موردنظر است.(۱۳۸۳/۱/۲)

خواهش نکنید، بگویید آقا! نکن!

طرف امر به معروف و نهی از منکر فقط طبقه عامه مردم نیســـتند؛ حتی اگر در سطوح بالا هم هستند، شما باید به او امر کنید؛ نه این‌که از او خواهش کنید؛ باید بگویید: آقا! نکن؛ این کار یا این حرف

درست نیست. امر و نهی باید با حالت استعلاء باشد. البته این استعلاء معنایش این نیست که آمران حتماً باید بالاتر از مأموران، و ناهیان بالاتر از منهیان باشند؛ نه، روح و مدل امر به معروف، مدل امر و نهی است؛ مدل خواهش و تقاضا و تضرّع نیست. نمی‌شود گفت که خواهش می‌کنم شما این اشتباه را نکنید؛ نه، باید گفت آقا! این اشتباه را نکن؛ چرا اشتباه می‌کنی؟ طرف، هر کسی هست - بنده که طلبه حقیری هستم - از بنده مهمتر هم باشد، او هم مخاطب امر به معروف و نهی از منکر قرار می‌گیرد.

ابزارهای دشمن چیست؟

هرکه می‌خواهد با امریکا مبارزه اساسی کند، باید به این مردم خدمت کند. هر که می‌خواهد با دشمنان این ملت مبارزه عملیِ کارآمد کند، با فساد مبارزه کند. ابزارهای دشمن در درون کشور و نظام ما عبارت است از فساد، تبعیض و فاصله طبقاتی. ما باید با اینها مبارزه کنیم. این وظیفه دولت و مجلس و قوّه قضاییّه و همه ارکان نظام است. به مردم خدمت کنند، با مفسد مماشات نکنند، فساد را در بدنه دستگاههای حکومت به‌هیچ‌وجه نپذیرند و تحمّل نکنند؛ این بزرگترین خدمت است.(۱۳۸۲/۳/۴)

سازندگی بدون دنیاطلبی

عزیزان من! انسان این تحوّلات اجتماعی را دیر می‌فهمد؛ باید مراقب بود. تقوا یعنی این. تقوا یعنی آن کسانی که حوزه حاکمیتشان شخص خودشان است، مواظب خودشان باشند. آن کسانی هم که حوزه حاکمیتشان از شخص خودشان وسیعتر است، هم مواظب خودشان باشند، هم مواظب دیگران باشند. آن کسانی که در رأسند، هم مواظب خودشان باشند، هم مواظب کلّ جامعه باشند که به سمت دنیاطلبی، به سمت دل بستن به زخارف دنیا و به سمت خودخواهی نروند. این معنایش آباد نکردن جامعه نیست؛ جامعه را آباد کنند و ثروتهای فراوان به وجود آورند؛ اما برای شخص خودشان نخواهند؛ این بد است. هر کس بتواند جامعه اسلامی را ثروتمند کند و کارهای بزرگی انجام دهد، ثواب بزرگی کرده است. این کسانی که بحمدالله توانستند در این چند سال کشور را بسازند، پرچم سازندگی را در این کشور بلند کنند، کارهای بزرگی را انجام دهند، اینها کارهای خیلی خوبی کرده‌اند؛ اینها دنیاطلبی نیست. دنیاطلبی آن است که کسی برای خود بخواهد؛ برای خود حرکت کند؛ از بیت‌المال یا غیر بیت‌المال، به فکر جمع کردن برای خود بیفتد؛ این بد است. باید مراقب باشیم. (۱۳۷۷/۲/۱۸)

مسؤول امور و صاحبِ منصب در نظام اسلامی، مسأله‌اش فقط مواجهه با مردم نیست؛ اگر با خدا متّصل نباشد، کارِ برای مردم و خدمت برای آنها - یعنی همان مسؤولیت اصلی‌ای که دارد - لنگ خواهد ماند. پشتوانه این مأموریت و مسؤولیت، همین ارتباط با مردم است. (۱۳۷۹/۹/۲۵)

شروط قدرت و ثروت

بعضی تصوّر می‌کنند قدرت یا ثروت ذاتاً شرّ است؛ در حالی که این‌طور نیست؛ قدرت و ثروت مثل بقیه مواهب زندگی، زینت زندگی است: «زینة الحیاة الدّنیا(۶)». ما از این قدرت چگونه استفاده می‌کنیم؟ اگر استفاده خوب کردیم، خیر است؛ اگر در خدمت مردم قرار دادیم، خیر است؛ اگر در خدمت ترویج اخلاق و معنویّت و صلاح و رستگاری انسانها قرار دادیم، خیر است؛ اما اگر در خدمت مطامع شخصی و هواهای نفسانی قرار دادیم و مثل حیوانهای درنده، علیه این و آن به کار گرفتیم، می‌شود شر؛ هرچه بیشتر باشد، شرّش هم بیشتر است؛ هرچه بالاتر باشد، شرّش هم شدیدتر است.(۱۳۸۲/۵/۱۵)

هدف طراز اول

در نظام اسلامی، رفع فقر و محرومیت، در شمار هدفهای طراز اول است و پایبندی به اصول انقلاب، بدون مجاهدت در راه نجات مستضعفان و محرومان، سخنی بی‌معنی و ادعایی پوچ است. (۱۳۶۹/۳/۱۰)

اساس سیاست کلّی اقتصادی کشور، عبارت است از رفاه عمومی و عدالت اجتماعی. البته ممکن است یك نفر با تلاش و استعدادِ بیشتر، بهره بیشتری برای خودش فراهم کند. این مانعی ندارد. اما در جامعه فقر نباید باشد. (۱۳۷۲/۵/۱۲)

راه علاج فقر

علاج فقر به شکل اصولی در هر جامعه‌ای، از راه استقرار عدالت اجتماعی و نظام عادلانه در محیط جامعه است، تا کسانی که اهل دست‌اندازی به حقوق دیگرانند، نتوانند ثروتی را که حقّ همگان است، به سود خود مصادره کنند. این یك وظیفه دولتی و حکومتی است؛ اما مردم هم به نوبه خود وظیفه سنگینی بر دوش دارند. اجرای برنامه‌های اجتماعی فقط در بلندمدّت و میان‌مدّت و بتدریج امکانپذیر است؛ اما نمی‌شود منتظر ماند تا برنامه‌های اجتماعی به ثمر برسد و شاهد محرومیت محرومان و فقر گرسنگان در جامعه بود. این وظیفه خودِ مردم و همه کسانی است که می‌توانند در این راه تلاش کنند.(۱۳۸۱/۹/۱۵)

مردم هستند که باید با نشاطِ خودشان و با توانایی‌هایی که پیدا می‌کنند، سرزمین‌شان را آباد کنند. ابتکار آحاد مردم است که همه جای زمین را آباد می‌کند.(۱۳۸۳/۸/۲۰)

ملاک دولتهای جمهوری اسلامی

در مجموعه برنامه‌های دولتها و قوه‌ی مجریه، این‌گونه مسائل که به متن زندگی مردم در بخشهای مختلف ارتباط پیدا می‌کند، باید در درجه‌ی اول قرار بگیرد. هر کاری در کشور صورت می‌گیرد، باید با هدف رفع فقر و محرومیت و ایجاد رونق در زندگی عموم مردم – نه بخشی از مردم و قشرهای خاص –

باشد. در چنین فضایی است که مردم می‌توانند به اهداف والای نظام اسلامی - یعنی معنویت و تکامل روحی و تعالی اخلاقی - دست پیدا کنند؛ فضایی که خیرات جامعه به نحو صحیح میان مردم تقسیم شـــود؛ هر کس استعداد خود را به صحنه بیاورد و بهره‌ی آن را ببرد و نظام و حکومت مراقب باشد که هم به کسی ظلم نشود و هم هیچ‌کس محروم نماند. معنای ریشه‌کنی فقر این است. درباره‌ی دولتهای جمهوری اسلامی اینها را باید ملاك قرار داد.(۱۳۸۴/۲/۱۷)

در نظام اسلامی، چیزی که به شدّت با آن مقابله می‌شود، رسوخ فساد است. در نظام اسلامی، با اعتقاد بد و نادرست، این‌طور مقابله نمی‌شود که با عمل غیر صحیح و عمل غیراخلاقی و خدای ناکرده رسوخ فساد مبارزه می‌شود. (۱۳۷۲/۵/۱۲)

در جامعه نه در اتاق خلوت

امام و پیشوا و رئیس جامعه اسلامی نمی‌تواند کسی باشد که اهل فسق و فجور و خیانت و فساد و دوری از خدا و اینهاست. باید کسی باشد که به کتاب خدا عمل کند. یعنی در جامعه عمل کند؛ نه این که خودش در اتاق خلوت فقط نماز بخواند؛ بلکه عمل به کتاب را در جامعه زنده کند، اخذ به قسط و عدل کند و حق را قانون جامعه قرار دهد.(۱۳۷۴/۳/۱۹)

مواظبت از گلوگاه

از جمله مسائلی که در این مبارزه وسیع حتماً باید مورد توجّه قرار گیرد، این است که تنها با کسی که فساد کرده و فسادی که تحقّق پیدا کرده است، برخورد نشود؛ مواظب باشند فساد به وجود نیاید. بنده به مسؤولان دستگاههای اجرایی و قضایی تأکید کرده‌ام، بگردند ببینند جاهایی که گلوگاه فساد است، کجاست؛ آن‌جا را تحت نظارت قرار دهند و نگذارند از اوّل فسادی به وجود بیاید.(۱۳۸۰/۱۱/۳)

بازیهای جناحی، جلوی حق را نگیرد

[مسئولان دستگاههای اجاریی و قضایی] مواظب باشند تمایلات و احساسات و بازیهای سیاسی و خطّی و جناحی و غیره - که دشمنان از این‌که این چیزها در بین مسؤولان ما رواج پیدا کند، خوشحال می‌شـــوند - به میان نیاید؛ جلوِ حق را نگیرد و مانعِ دیدن و نظر کردن و فهمیدن چشـــمها نشـــود. (۱۳۸۰/۱۱/۳)

سخن آسان، عمل مشکل

عدالت این‌گونه اســـت که در شعار و در گفتن خیلی شـــیرین و جالب است و همه می‌گویند و خوششان می‌آید؛ اما وقتی بنای عمل و انصاف دادن شد، آن وقت خیلی مشکل می‌شود. خیلی از کسانی

که می‌بینید گاهی به نفع عدالت شعار هم می‌دهند، وقتی که پای عمل برسد، لنگ می‌مانند و شاید از شعار دادن هم پشیمان شوند.(۱۳۸۱/۹/۷)

دست بیرونی

- یکی از دشـــوارترین میدانهای مجاهدت، میدان مجاهدت برای بسط عدالت است. هرکس که با نوعی تخلّف – چه تخلّفهای محسوس و چه تخلّفهای نامحسوس – دستی در بیرون از مرز قانونیِ مجاز برای خود دارد، با این مبارزه مخالفت و معارضه می‌کند.(۱۳۸۲/۶/۱۹)
- مبارزه‌ی با فســـاد، یك جنبه‌ی اخلاقیِ محض نیست؛ اداره‌ی کشور متوقف به مبارزه‌ی با فساد است.(۱۳۸۳/۳/۲۷)
- در هیچ نقطه‌یی از کشور فقر نباشد – عدالت برقرار باشد – فساد نباشد و افراد مفسد از دستگاه‌های تصمیم‌گیر طرد شوند و امکان دخالت پیدا نکنند، اینها چیزهایی است که ما باید مورد توجه قرار دهیم. (۱۳۸۴/۳/۳)

این دعواها مشکل مردم را حل نمی‌کند

- در کشـــور باید فساد ریشه‌کن شود؛ تبعیض نباشد؛ به طبقه‌ی مستضعف و محروم – بخصوص مستضعفینِ بی‌دست و پا – به‌طور ویژه توجه شود؛ اینها وظایف اسلامی ماست؛ وظایفی است که قانون اساســـی بر دوش همه‌ی مسئولان کشور گذاشته است؛ هیچ‌کس نمی‌تواند خود را از این کارها برکنار بدارد. دعواهای لفظی، شعارهای لفاظی‌گونه، اسم از مفاهیم مبهم و بی‌سروته آوردن، مشکل مردم را حل نمی‌کند؛ مردم احتیاج دارند به این‌که در میدان عمل و کار، با لجن‌هایی که نمی‌گذارد این دریاچه‌ی مصفا طراوت لازم را داشته باشد، مبارزه شود. (۱۳۸۴/۳/۲۵)

همه یکسانند

- آن‌جایی که قانون در میان است، همه یکسانند. این امر بسیار مهمّی در اسلام است. دیگران هم ادّعای این را می‌کنند، اما اسلام این را در عمل نشان داده است.(۱۳۷۹/۴/۷)

قدرت و حکومت، نســـبت به آحاد مردم یکسان باشد. در مقابل قانون، امتیازات و برخوردها یکسان باشد. البته انسان با یکی دوست و خویشاوند است؛ لذا ارتباطات با همه، به یك صورت نیست. آن کسانی که در جایی مسؤولیتی دارند – مسؤول یك اداره یا یك میز، فرقی نمی‌کند. مسؤولیت یك ناحیه کوچك، یا مسؤولیتهای بزرگ، همه مثل هم است – می‌دانند که بالاخره انسان با یکی آشنا و با یکی آشنا نیست. نمی‌خواهیم این را بگوییم. منظور ما برخورد و رفتار قانونی است. آن جایی که پای امتیازات به میان می‌آید و حرکت و نگاه و اشـــاره، از سوی این مسؤول، منشأ اثر می‌شود، این جا باید یکسان باشد.

همه باید احساس کنند که به طور یکسان از خیرات نظام اسلامی بهره‌مند می‌شوند. البته بعضیها تنبلند و دنبال کار نمی‌روند؛ بعضیها کوتاهی می‌کنند؛ بعضی به خودشان ظلم می‌کنند؛ حساب آنها جداست (۱۳۷۵/۹/۵).

تبعیض برای نخبگان

منهای این‌که ما بخواهیم غیرنخبه را مورد تغافل قرار دهیم، باید برای نخبگان، حسابی باز کرد. ممکن است به نظر بیاید این یك تبعیض است؛ اما تبعیض همه جا غیرعادلانه نیست؛ گاهی اوقات تبعیض، عین عدالت است. این حساب باز کردن برای نخبگان، عین عدل است؛ به خاطر این‌که ما باید نخبه و هوشمند را در حدّی که می‌تواند رشد کند، رشد بدهیم.(۱۳۸۱/۷/۳)

درجه اول برنامه‌ی دولتها

در مجموعه برنامه‌های دولتها و قوه‌ی مجریه، این‌گونه مسائل که به متن زندگی مردم در بخشهای مختلف ارتباط پیدا می‌کند، باید در درجه‌ی اول قرار بگیرد. هر کاری در کشور صورت می‌گیرد، باید با هدف رفع فقر و محرومیت و ایجاد رونق در زندگی عموم مردم - نه بخشی از مردم و قشرهای خاص - باشد. در چنین فضایی است که مردم می‌توانند به اهداف والای نظام اسلامی - یعنی معنویت و تکامل روحی و تعالی اخلاقی - دست پیدا کنند؛ فضایی که خیرات جامعه به نحو صحیح میان مردم تقسیم شود؛ هر کس استعداد خود را به صحنه بیاورد و بهره‌ی آن را ببرد و نظام و حکومت مراقب باشد که هم به کسی ظلم نشود و هم هیچ‌کس محروم نماند. معنای ریشه‌کنی فقر این است. (۱۳۸۴/۲/۱۷)

خدای متعال از جامعه فقیر خشنود نیست و از جامعه مستمند و ملت فقیری که نمی‌تواند زندگی خود را تأمین کند، خوشش نمی‌آید. خدای متعال، برای یك جامعه، غنا و ثروت و داشتن امکانات زندگی و استخراج ذخیره‌های زیرزمینی و امثال اینها را خواسته است. اسلام، این را خواسته است.(۱۳۷۶/۱/۱)

بزرگترین مسئولیت

من معتقدم تلاش برای عدالت اجتماعی و پُر کردن شکاف طبقاتی، بزرگترین مسؤولیت ماست. (۱۳۸۲/۷/۲۲)

پر کردن شکاف اقتصادی در بین مردم و رفع تبعیض در استفاده‌ی از منابع گوناگون ملی در میان طبقات مردم، مهمترین و سخت‌ترین مسؤولیت ماست.(۱۳۸۳/۳/۱۴)

جو حزب اللهی را غالب کنید

در محیط وزارتخانه، آن جو حزب اللهی را غالب کنید. با همان بار معنایی که کلمه «حزب اللهی»

دارد. باید آدم‌های متدین بر سرنوشت تشکیلات حاکم باشند. ... اما آن‌هایی که تعیین کننده‌اند، راه را مشخص می‌کنند؛ و به خصوص، در سطوح بالای مدیریت و نیز کارشناسی‌هایی که خط دهنده هستند، باید افرادی باشند با روحیه انقلابی و اسلامی عمیق.(۱۳۷۲/۶/۳)

نظام اسلامی عبارت است از...

امروز همه وظیفه داریم. امروز بزرگترین وظیفه ما حراست از نظام اسلامی است. نظام اسلامی عبارت اســت از این که اولا قسط اسلامی و احکام اسلامی در جامعه تحقق پیدا کند؛ ثانیا افراد صالح و شایسته‌ای متصدی و مباشر این کار باشــند-بدون وجود افراد شایسته و صالح، امکان ندارد احکام اسلامی و قسط اسلامی در جامعه پیاده شود- ثانیا اعتماد و باور و قبول مردم و رابطه مستحکم میان این مجموعه خدمتگذار و مردم باید وجود داشته باشد. هر کدام از این سه پایه اگر کم باشد، فلسفه حکومت اسلامی تحقق پیدا نخواهد کرد. اگر ما هدف خود را اجرای قسط اسلامی و تحقق احکام اسلامی قرار ندادیم و باور و ایمان خود را به اهداف دیگری متوجه کردیم، این نظام اسلامی حفظ نخواهد شد و اصلا نظام، اسلامی نیست.(قاموس عدالت ص۲۷۲)

رفاقت، هرگز!

رفاقتهای شــخصی و حزبی و ملاحظات سیاســی به هیچ رو، نباید مجوّز گزینش مدیران فاقد ملاکهای اصلی شمرده شود. (۱۳۸۲/۲/۵)

این عقیده شخصی است، نه اجتماعی

برای یك مســؤول عقیده و اخلاق مسأله‌ی شخصی نیست؛ مسأله‌ای اجتماعی و عمومی است؛ حاکم شدن بر سرنوشت مردم است. آن کسی که به مجلس می‌رود، یا به هر مسؤولیت دیگری در نظام جمهوری اسلامی می‌رسد، اگر فاسد، بیگانه‌پرست و در خدمت منافع طبقات برخوردار جامعه بود، دیگر نمی‌تواند نقشی را که ملت و طبقات محروم می‌خواهند، ایفا کند. اگر آن شخص انسان معامله‌گر، رشوه و توصیه‌پذیر و مرعوبی بود؛ در مقابل تشرِ تبلیغات و سیاستهای خارجی جا زد، دیگر نمی‌تواند مورد اعتماد مردم قرار گیرد و برود آن‌جا بنشیند و تکلیف ملك و ملت را معیّن کند.(۱۳۸۲/۹/۲۶)

نسبت کارآمدی و مشروعیت

مشروعیت همه‌ی ما بسته به انجام وظیفه و کارآیی در انجام وظیفه است. بنده روی این اصرار و تکیه دارم که بر روی کارآیی‌ها و کارآمدی مسؤولان طبق همان ضوابطی که قوانین ما متخذ از شرع و قانون اساسی است، بایست تکیه شود. هرجا کارآمدی نباشد، مشروعیت از بین خواهد رفت.... وقتی این عناوین زایل شدند، چه از شخص رهبری و چه از بقیه‌ی مسؤولان در بخشهای مختلف، آن مشروعیت

هم زایل خواهد شد.(۱۳۸۳/۶/۳۱)

اصلح کسی است که هم به ترقی و پیشرفت کشور و توسعه‌ی اقتصادی و غیراقتصادی بیندیشد؛ هم زیر توهمات مربوط به توسعه، آن‌چنان محو و مات نشود که از یاد قشرهای مظلوم و ضعیف غافل بماند.(۱۳۸۴/۲/۱۷)

اصلی‌ترین مسأله در تنظیم برنامه‌ها

در تنظیم برنامه‌های کشور، اصلی‌ترین مسأله عبارت از رفع فقر و محرومیت و نجات طبقات مستضعف و محروم و پابرهنگان، از تبعات دوران ستمشاهی و آثار سلطه‌ی بیگانگان است، همه‌ی برنامه‌های اقتصادی و تولیدی و سازندگی و رونق اقتصادی باید به این هدف، متوجه باشد و تنها در این صورت است که این برنامه‌ها درست و قابل قبول است. (۱۳۷۱/۳/۷)

اگر کسی وامدار دستگاهها و اشخاص و وامدار پول و قدرت شد، دیگر نمی‌تواند برای مردم دلسوزی کند. پس دلسوزی هم یك شرط بزرگ است.(۱۳۸۲/۱۱/۲۴)

به چشم وظیفه

در این‌جا[جمهوری اسلامی] این مسائل[حکومت کردن و منصب] باید به چشم یك مسؤولیت و وظیفه محض تلقّی شود. به عنوان یك کار تلقی شود؛ کاری که سخت است و هرچه بالاتر می‌رود سخت‌تر هم می‌شود. باید به عنوان یك مسؤولیت و یك تعهّد به آن نگریسته شود. نه این‌که وقتی امکانات پیدا کردیم، آن را برای تهیه لوازم رفاه شخصی، تشریفات، اسرافها و تجمّلات و غیره، بهترین فرصتها تلقّی کنیم.(۱۳۷۱/۱۰/۱۷)

الزامات توسعه

در تنظیم سیاستهای اقتصادی لازم است امر رشد و توسعه همراه با: عدالت اجتماعی، و بهره‌مندی عمومی در جریان افزایش بهره‌وری ملی، جلوگیری از تداول ثروت در دست افراد و گروههای خاص، برنامه‌ی جامع تأمین اجتماعی و حمایت از حقوق محرومین و مستضعفین جامعه، گسترش هر چه بیشتر صادرات غیر نفتی به منظور کاهش اتکاء اقتصاد به نفت، انتخاب سیاستهای محوری از قبیل کشاورزی و بی‌نیازی نسبی از دیگران در تأمین امنیت غذایی جامعه، ایجاد زمینه‌های اشتغال با توجه به استعدادها و ظرفیتهای طبیعی و جغرافیایی کشور، تأمین امنیت کامل برای سرمایه گذاری مشروع، جلوگیری از پیدایش فساد، ارتشاء، انحصار و ثروتهای حرام مورد توجه قرار گیرد.(۱۳۷۸/۱/۱۹)

خیلی از کسانی که می‌بینید گاهی به نفع عدالت شعار هم می‌دهند، وقتی که پای عمل برسد، لنگ می‌مانند و شاید از شعار دادن هم پشیمان شوند.(۱۳۸۱/۹/۷)

مردم محور توسعه

در عرصه اجتماعی، توسعه باید با مردم گره بخورد؛ مردم باید محور توسعه باشند. عدالت حتماً یکی از شاخصهای اصلی است. برنامه‌ریزی و سیاستگذاری‌ای که عدالت و توزیع عادلانه ثروت را در جامعه ندیده بگیرد، نمی‌تواند چشم‌انداز مورد نظر ما را تأمین کند و برنامه مطلوب ما نیست.(۱۳۸۲/۵/۱۵)

قانون اساسی، علاج اساسی

عمل به قانون اساسی، علاج اساسی دردهای این کشور است. و عمل هم متوقّف بر این است که عناصر عمل کننده...در مقام عمل، اخلاص و صفا و مسؤولیت و انجام وظیفه را ملاك خودشان قرار دهند. این اساس قضیه است.(۱۳۷۹/۳/۲۹)

مسئولیت بدون آرمان امام حرام است

اگر کسی در نظام جمهوری اسلامی در مسؤولیتی مشغول کار است، ولی آرمانهای نظام جمهوری اسلامی را آن‌گونه که امام بزرگوار ترسیم کرده است و در قانون اساسی تجسّم پیدا کرده، در دلش قبول ندارد، اشـــغال آن پست برای او حرام شرعی است. آن‌جایی که صحبت از مسائل اساسی نظام اسلامی است، آن‌جایی که وحدت دین و سیاست مطرح است، آن‌جایی که اصول قانون اساسی مورد نظر است، آن‌جایی که الزام به تبعیّت از دین و شـــریعت مطرح اســـت، اگر یك مسؤول عقیده‌ای غیر از این دارد، می‌تواند شـــهروند جمهوری اسلامی باشـــد – مانعی ندارد – اما نمی‌تواند مسؤول باشد؛ بخصوص در مسؤولیتهای بالا.(۱۳۸۰/۸/۸)

راه باز است

راه برای خدمت و باز کردن گره‌های اقتصادی و معیشتی مردم باز است؛ راه برای اجرای عدالت و پُرکردن شکاف طبقاتی – که در جامعه ما که اسلامی است و نباید باشد، ولی متأسّفانه وجود دارد – باز است. راههای عاقلانه و منطقی وجود دارد؛ مسؤولان باید همّت کنند.(۱۳۸۱/۳/۱۴)

نظام اسلامی ...باید تمام همت خود را به پُرکردن شکافهای عمیق اقتصادی و اجتماعی میان فقیر و غنی مصروف کند و سرمایه‌های مادّی و معنوی کشور را در راه خدمت به پابرهنگان که حق حیات به گردن کشور دارند، به کار اندازد.(۱۳۶۹/۸/۱۳)

مسابقه برای خدمت نه قدرت

انتخابات در کشور ما باید مسابقه‌ای برای خدمت باشد، نه مسابقه‌ای برای کسب قدرت....افزون‌طلبی برای مسؤولان ممنوع است. مشی اشرافیگرایانه برای مسؤولان کشور، نقطه ضعف به‌شمار می‌آید.(۱۳۸۰/۲/۱۱)

مسائل اساسی به جای مباحث سیاسی

دولت و دستگاه اجرایی کشور را به اجرای دقیق قوانین در خدمت مردم و منافع آنها و جلوگیری از سوءاستفاده و سوءتدبیر در بخشهای مختلف، و مجلس شورای اسلامی را به پرداختن به نیازهای مردم و ایجاد مقرّراتی که در خدمت گشایش امور مردم باشد، و همچنین کم کردن از حجم مباحث سیاسی و پرداختن به مسائل اساسی کشور و مردم دعوت می‌کنم. (۱۳۸۲/۳/۲۲)

وقتی این ملت به هدفهای خود دست پیدا خواهد کرد و مشکلات گوناگون را از سر راه خود برخواهد داشت که ایمان و جهاد در میان مسؤولان به عنوان یك ارزش شناخته شود. این جهاد، جهاد علمی، جهاد عدالتخواهی و جهاد مدیریتی و اقتصادی است. (۱۳۸۴/۱/۱)

کار، فلسفه مسئولیت

در اسلام و نظام جمهوری اسلامی، فلسفه مسؤولیت پیدا کردنِ مسؤولان در کشور این است که برای مردم کار کنند. مسؤولان برای مردمند و خدمتگزار و مدیون و امانتدار آنها هستند. مردم، محورند. کسی که در نظام جمهوری اسلامی مسؤولیتی به دست می‌آورد، باید همه همّ و غمّش برای مردم باشد؛ هم برای دنیای مردم، هم برای مادیّت مردم، هم برای معنویّت مردم، هم برای ایجاد عدالت در میان مردم، هم برای احیای شأن انسانی مردم، هم برای آزادی مردم. اینها جزو وظایف اصلی حکومت است. البته وقتی می‌گوییم «مردم»، منظور همه طبقات مردمند؛ لیکن بدیهی است کسانی از مردم باید بیشتر مورد توجّه قرار گیرند که بیشتر مورد محرومیت قرار گرفته‌اند.(۱۳۸۰/۳/۱۴)

کارتان در این جهت نباشد

هرجا هستید، باید توجّه داشته باشید کاری که انجام می‌دهید، در جهت میل صاحبان ثروت و قدرت نباشد.(۱۳۷۹/۹/۱۲)

ترجیح توده بر خواص

امیرالمؤمنین در نامه خود به مالك اشتر متعرّض همین معنا می‌شوند و می‌گویند: «آن‌جایی که امر دایر شد بین توده مردم - آنهایی که محتاج عدالت تو هستند - با خواص و مجموعه‌های کوچك و بهره‌مند و ممتاز جامعه، حتماً توده مردم را ترجیح بده.» امروز این معنا باید شعار ما باشد و معیار درستیِ کار ما محسوب شود و برنامه‌ریزیها و سیاستگذاریها و عملکردهای ما به دنبال این قضیه باشد.

نگرانی اینجاست

نگرانی آن‌جاست که به‌جای پرداختن به مسائل واقعی زندگی مردم، به مسائل سیاسی با نامهای

جعلی و گوناگون بپردازند و با اختلاف‌افکنی و متشـــنّج کردن فضای سیاسی کشور، دشمن را خشنود کنند.(۱۳۷۸/۱۲/۱۱)

[مبارزه با فقر، فســـاد و تبعیض] کارهای پیچیده‌ای است؛ کارهای ساده‌ای نیست؛ اما کارهایی است که دستگاههای بزرگ کشوری می‌توانند دنبال آن بروند و هدف خودشان قرار دهند. باید مطالبات انســـانهای دلسوز و مسؤول، اینها باشـــد. اگر اینها شد، آن وقت بسیاری از مشکلات، حل و بسیاری از گرفتاریها و گره‌ها باز خواهد شد.(۱۳۷۹/۵/۳)

کار اساسی، نه تشنّج سیاسی

مردم حق هم دارند. طبقات ضعیف و مســـتضعف مردم گرفتاریهای زیادی دارند. بعضیها باید این بحثهای سیاسیِ تشنّج‌آور را رها کنند و به کارهای اساسی و عملی بپردازند؛ مردم از مسؤولان این انتظار را دارند. مرتّب دعوای سیاسی می‌شود. انتخابات بود، تمام شد؛ این اختلافات، این دو دستگیها، این به هم پریدنها، این مچ‌گیریهای دروغین و واهی، این بهانه‌ســـازیِ این علیه آن و آن علیه این را رها کنند؛ بخصوص مسؤولان – چه نمایندگان مجلس، چه مسؤولان دولتی – این موارد را کنار بگذارند و به کارهای اساسی این کشور و این مردم بپردازند.(۱۳۷۸/۱۲/۱۱)

خواسته حقیقی مردم اینهاست

نیازها و مطالبات حقیقی مردم را می شناســـید؛ اشـــتغال ، مبارزه با فساد مالی ، زدودن محرومیت از مناطق محروم، مهار تورم و مقابله با گرانی، روان شدن چرخه ی خدمت رسانی ، گسترش و اعتلای فرهنگ و اخلاق، رونق یافتن علم و تحقیق ، مسوولیت پذیری و پاسخگویی مسوولان حکومتی ، در شمار برجسته ترین این نیازها است و اینها است که عدالت اجتماعی را ممکن و پیشرفت و توسعه را محقق میسازد. نیازهای موهوم و ساخته ی دست تبلیغاتچی های بیگانه و بدخواه، نباید بجای این خواسته های حقیقی بنشیند.(۱۳۸۳/۳/۷)

همیشه با استدلال

هر کاری می‌کنید، باید طوری باشد که برای آن استدلال و توجیه قانع‌کننده‌ای داشته باشید. اگر از شما پرسیدند چرا این سرمایه‌گذاری را کردید، چرا آن اقدام را کردید، چرا آن اقدام را نکردید، بگویید با این اســـتدلال.(بیانات رهبر معظم انقلاب اســـلامی در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت) (۱۳۸۰/۶/۵)

ما معتقدیم وعده‌ها نباید تبلیغ شود. «خواهیم کرد» نباید عمده و درشت شود. البته مردم باید بدانند که دستگاه در این صدد هست. آنچه را که اتّفاق می‌افتد و تحقّق پیدا می‌کند، باید به مردم بگویند. (۱۳۸۰/۱۲/۱۲)

پاسخگویی، از رهبری تا مأموران

مسؤولان بلند پایه‌ی کشور، قوای سه‌گانه، از خود رهبری تا آحاد مأموران و مدیران، همه باید پاسخگو باشند؛ پاسخگوی کار خود، پاسخگوی تصمیم خود، پاسخگوی سخنی که بر زبان آورده‌اند و تصمیمی که گرفته‌اند؛ این معنای پاسخگویی است؛ این یك حقیقت اسلامی است و همه باید به آن پایبند باشیم.(۱۳۸۳/۱/۲۶)

امروز مردم بین خودشان و مسؤولان کشور، فاصله‌ی حقیقی احساس نمی‌کنند. این، نعمت بزرگی است. امروز اگر هریك از آحاد این مردم، با رئیس‌جمهور این کشور ملاقاتی داشته باشد، احساس نمی‌کند که با او فرق دارد. آن حالت اشرافیگری و اوج کاذب طبقاتی که شاید بتوانم بگویم در همه‌ی حکومتها - تا آن‌جا که ما می‌دانیم - وجود دارد، در جمهوری اسلامی نیست.(۱۳۶۹/۳/۷)

کاری کنند که مردم طعم شیرین خدماتی را که در کشور انجام می‌گیرد، بچشند؛ در هیچ نقطه‌یی از کشور فقر نباشد - عدالت برقرار باشد - فساد نباشد و افراد مفسد از دستگاه‌های تصمیم‌گیر طرد شوند و امکان دخالت پیدا نکنند.(۱۳۸۴/۳/۳)

خدمت‌رسانی شما ماباز داشته باشد؛ یعنی واقعاً در همه‌ی بخش‌ها و در همه‌ی وزارتخانه‌ها تحول در خدمت‌رسانی به‌وجود بیاید. (۱۳۸۴/۶/۸)

هماهنگی یعنی...

با یکدیگر هماهنگی داشته باشند. البته معنایش این نیست که قوه‌ی مقننه از قوه‌ی مجریه سؤال نکند، یا قوه‌ی قضاییه به خطای اشخاصی از قوای دیگر نپردازد؛ معنایش این است که هر کدام در محدوده‌ی وظایفِ خود صادقانه با قوای دیگر همکاری کنند؛ جهتگیری‌های خودشان را طوری تنظیم کنند که مکمل یکدیگر باشند؛ به اولویتهای کشور توجه کنند...از طبقات ضعیف گره‌گشایی کنند و از اتلاف وقت و سرمایه پرهیز نمایند.(۱۳۸۳/۴/۱۵)

چشم‌انداز عادلانه

عدالت چیزی است که آسان بر زبان جاری می‌شود؛ اما آسان به دست نمی‌آید. برنامه‌ریزیهای بلندمدّت لازم دارد. باید این برنامه‌ریزیها را بکنیم و چشم‌انداز خود را چشم‌انداز عادلانه قرار دهیم؛ چیزی باشد که ما را به عدالت نزدیك کند. این وظیفه ماست و امروز درس امیرالمؤمنین برای ما بیش از همیشه همین نکته است.(۱۳۸۲/۸/۲۳)

مبارزه بدون تبعیض

لازم است در این خصوص [مبارزه با مفاسد] هیچ تبعیضی وجود نداشته باشد. دستگاههایی که با فساد مبارزه می‌کنند، نباید بگویند فساد در فلان جا بد است؛ اما در جای دیگر - اگر باشد - به آن بدی نیست. فساد، فساد است؛ در هرکس فساد وجود داشته باشد، باید با او مبارزه کنند. کسانی که با فساد مبارزه می‌کنند، باید قاطعانه و بدون مجامله مبارزه کنند و در حقّ فاسد و مفسد، مُرّ قانون را اعمال کنند.(۱۳۸۰/۱۱/۳)

مجلس شورای اسلامی را به پرداختن به نیازهای مردم و ایجاد مقرّراتی که در خدمت گشایش امور مردم باشـــد، و همچنین کم کردن از حجم مباحث سیاسی و پرداختن به مسائل اساسی کشور و مردم دعوت می‌کنم.(۱۳۸۲/۳/۲۲)

نماینده‌گی توده

نماینده‌ی مردم باید نماینده‌ی توده‌ی مردم باشد؛ بخصوص نماینده‌ی کسانی باشد که به حضور نماینده‌شـــان در سطوح تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی کشور بیشتر نیاز دارند؛ آنهایی که دستشان به جایی نمی‌رسد و محرومیت بیشتری را دارند. پس در درجه‌ی اول، نمایندگی از مردم محروم را برای خودتان تعریف کنید. درست اســـت که هر یك از شما نماینده‌ی همه‌ی ملت ایرانید؛ نماینده‌ی جمع خاصی، نماینده‌ی آن منطقه و نماینده‌ی فقط رأی‌دهندگان نیستند - مجلس، نماینده‌ی همه‌ی ملت ایران است - اما درعین‌حال برخی از اقشار ملت ایران به حضور نماینده‌ی خود در مناطق تصمیم‌گیری نیاز دارند؛ چون محرومند، چون مشکلات دارند، چون از فقر و کمبود امکانات و تبعیض‌ها رنج می‌برند و از فســـادهایی که دیگران به راه می‌اندازند، آنها صدمه می‌بینند. بنابراین خودتان را در درجه‌ی اول، نماینده‌ی اینها بدانید.(۱۳۸۳/۳/۲۷)

وقتی مظلومان خودشان هم باور می‌کنند که باید حاکمیت ظلم مستقر باشد، امید اصلاح از بین می‌رود.(۱۳۷۸/۴/۱۰)

عدالتخواهی همگانی

اصلاح واقعی عبارت است از این‌که با فقر و تبعیض مبارزه شود؛ عدالتخواهی، یك انگیزه همگانی برای مسؤولان باشد؛ خدمت به مردم، یك وظیفه و احساس دینی در اعماق وجود مسؤولان باشد؛ این می‌شود راه صحیحِ امام.(۱۳۸۲/۳/۱۴)

آن اصلاحاتی که هر کسی در کشور - بخصوص در کشوری مثل کشور ما که مردم مؤمنند و پایبند به اصول و مبانی اعتقادی و اخلاقی هستند - دنبال آن است، جلو بیفتد و خود را آماده تحمّل مشکلات آن کند، مردم دنبال او خواهند بود و به او کمك خواهند کرد. هر دولتی، هر مسؤول دولتی‌ای، هر انسان

روشن‌بینی، هر عالم دینی و هر فرزانه‌ای، اگر این‌گونه اصلاحات را - مبارزه با فقر و فساد - دنبال کند، مردم یاری خواهند کرد. (۱۳۷۹/۵/۳)

مشکل اما پربرکت

✔ این‌که ما گفتیم برای عدالت‌طلبی باید مبارزه کرد؛ برای مبارزه با فساد باید همه دست به دست هم بدهند و فساد اقتصادی - بخصوص در بین مسؤولان و کسانی‌که دستی در امور بیت‌المال دارند - باید جدّی گرفته شود، به‌خاطر همین است که این کار جزو مشکل‌ترینها و در عین حال اگر به نتیجه برسد، جزو پُربرکت‌ترینهاست. تا وقتی در جامعه عدالت باشد، تبعیض نباشد، نگاه متفاوت به اشخاص و قشرها نباشد و امتیازطلبیهای زیادی و نابحق و نابجا در جامعه وجود نداشته باشد، مردم بر خیلی از ناکامیها صبر می‌کنند.(۱۳۸۲/۶/۱۹)

نمیخواهیم فقط کار کنیم

✔ ما نمی‌خواهیم فقط کار کنیم؛ ما می‌خواهیم محرومیت را از بین ببریم و محروم را از محرومیت خارج کنیم؛ هدف این اســت. والّا اگر شما بگویید من کار می‌کنم، ممکن است در یك اداره هم یك نفر بگوید من باید هشت ساعت یا شش ساعت کار کنم، یا ده ساعت کار کرده‌ام و دیگر بس است. این منطق، منطق درستی نیست.(۱۳۷۰/۵/۲۳)

✔ اهتمام به مسأله عدالت اجتماعی در کشور، نباید یك لحظه کاستی بگیرد. البته این قضیه، قضیه شعاری نیست، با گفتن هم مسأله تمام نمی‌شود؛ همه دستگاهها باید تلاش کنند.(۱۳۷۶/۴/۲۵)

کار در چه جهتی؟

✔ ما احتیاج داریم به کار؛ باید عرق بریزیم و تلاش و کار کنیم. این کار باید جهتدار باشــد؛ جهت، عدالت؛ جهت، پُر کردن شکاف بین فقیر و غنی؛ جهت، بالا آوردن زندگی مردم محروم؛ مردمی که در دوران امتحان‌های دشوار و سخت هم در صفوف اول و در مقابل خطرهای دشمن ایستادند و بعد از این هم همین‌طور خواهد بود.(۱۳۸۴/۲/۱۱)

✔ زمانی نظام اسلامی دچار اختلال واقعی خواهد شد که فراموش کند نماد و سرمشق بزرگی مثل علی‌بن‌ابی‌طالب علیه‌السّــلام دارد. حکومت علوی باید همیشه در مقابل چشم ما باشد و در آن جهت حرکت کنیم و آن را بخواهیم و برای آن تلاش نماییم.(۱۳۸۱/۱/۹)

اسلام این را میخواهد

✔ امروز در دنیای ســرمایه‌داری و کشورهایی که زیر سلطه استکبار جهانی است، حرکت به‌سمت

رشد پولداران و سرمایه‌داران است؛ و آنچه به فکر آن نیستند، طبقات محروم است. اگر یك‌وقت کمکی هم به محرومین بشود، برای این است که بتوانند از آنها به نفع پولداران و سرمایه‌داران استفاده کنند. مبنای اقتصاد امروز دنیای سرمایه‌داری و استکبار، بر این است. در طول زمان هم، همیشه سلاطین و قدرتمندان و مستکبران، بر همین روال حرکت کرده‌اند. اما اسلام این را نمی‌گوید. اسلام می‌خواهد محرومیت از روی زمین و بخصوص در جوامع اسلامی، برداشته شود. آن‌جا که دین خدا حاکم است، باید محرومیت نباشد.(۱۳۷۱/۷/۱۵)

غلط اندر غلط

نظام سوسیالیستی، فرصت را از مردم می‌گیرد؛ ابتکار و میدان را می‌گیرد؛ کار و تولید و ثروت و ابزار تولید و منابع عمده سرمایه و تولید را در دولت متمرکز، و به آن متعلّق می‌کند. این، غلط اندر غلط است. در اسلام، چنین چیزی نداریم. نه آن را داریم، نه این را. هم آن غلط است، هم این. نظام اقتصاد اسلامی، درست است. این‌طور نیست که نظام اقتصادی اسلامی، عبارت باشد از هر چه که در هر دوره‌ای مصلحت باشد. نخیر! نظر شریف امام رضوان‌اللّه‌علیه هم این نبود.(۱۳۷۲/۵/۱۲)

رشد بادکنکی

گر امکان جذب سرمایه‌های خارجی در کشور فراهم می‌شود، به معنای حقیقی کلمه منافع ملت و هویّت ملی را در نظر بگیرد و مصالح کشور را قربانی نکند. این‌طور نباشد که یك جهت را مورد توجه قرار دهیم و جهات دیگر را فراموش کنیم. جذب سرمایه‌های خارجی باید به شکلی باشد که اقتصاد کشور از آن سود ببرد، نه زیان. ما بعضی از رشدها و شکوفاییهای بادکنکی را در برخی از کشورهای شرق آسیا دیدیم... ا این رشدهای بادکنکی را پیشرفت اقتصادی نمی‌دانیم. کشور به سرمایه‌های انسانی و طبیعی و هویّت ذاتی متّکی است و مستوجب رشد و شکوفایی واقعیِ اقتصادی است؛ اما نه آن گونه که بانك جهانی و صندوق بین‌المللی پول برای ما نسخه بنویسند و ما هم طبق همان نسخه، اقتصاد خودمان را تدوین کنیم؛ نه. ما برنامه و سیاست داریم و – همان‌طور که گفتم – ما می‌توانیم. اگر کسی بگوید ما جز با تسلیم در مقابل این برنامه‌ها، نمی‌توانیم حرکت اقتصادی کنیم، قضاوت خوش‌بینانه در مورد او این است که بگوییم کشور و ملت و سرمایه‌های داخلی را نشناخته است.

[در کمك به محرومین] مسأله‌ی فرهنگی، مسأله‌ی خیلی مهمی است. همه‌ی این کارها[ی اقتصادی] یك‌طرف، فرهنگ هم یك‌طرف.(۱۳۶۹/۷/۲۴)

آن مقدار که میتوانیم

بعضی می‌گویند: آقا! آن عدالتی که نگذاشت علی حکومت مبارك خود را ادامه دهد؛ شما چطور

می‌خواهید امروز اجرا کنید؟ من می گویم آن مقدار که ما می‌توانیم و طاقت داریم، باید اجرا شود. ما ادعا نداریم که باید مثل امیرالمؤمنین عدالت را اجرا کنیم. ما می‌گوییم آن مقدار که توان مؤمنِ امروز دنیا کفاف می‌دهد، باید اجرا کرد. اما این مقدار عدالتی را که می‌شود اجرا کرد و باید اجرا کرد، اگر به صورت یك فرهنگ درآید و مردم معنای عدالت را بفهمند، آن وقت قابل تحمّل خواهد بود.(۱۳۷۵/۹/۵)

تحول اخلاقی لازمه عدالت اجتماعی

ما بدون یك تحوّل اخلاقی عمیق و گسترده، نخواهیم توانست عدالت اجتماعی را آن‌طوری که مورد نظر اسلام است، انجام دهیم. عدالت، عدّه‌ای را زخمدار و ناراضی می‌کند. عدالت، کسانی را که درصدد سوءاستفاده از اموال عمومی‌اند، به اعتراض وامی‌دارد. آن کسانی هم که در این مواقع اعتراضی می‌کنند، کســـانی نیستند که دستشان به جایی نرسد. کسی که امکانات و ثروت دارد، می‌تواند مسأله درست کند. دشمنان خارجی هم به این طور آدمها کمك می‌کنند.(۱۳۷۶/۱/۱)

- مسؤولان اسلامی نباید در رفتار و عملِ خودشان مسرفانه و متجمّلانه زندگی کنند. بالاتر از آن، نباید طوری زندگی کنند که روش اسراف‌آمیز و تجمّل‌آمیز به یك فرهنگ تبدیل شود.(۱۳۷۹/۹/۲۵)

هنر دینی این است

- هنر دینی عدالت را در جامعه به صورت یك ارزش معرفی می‌کند؛ ولو شما هیچ اسمی از دین و هیچ آیه‌ای از قرآن و هیچ حدیثی در باب عدالت در خلال هنرتان نیاورید. مثلاً هیچ لزومی ندارد که در محاورات سینمایی یا در تئاتر، نام و یا شکلی که نماد دین است، وجود داشته باشد تا حتماً دینی باشد؛ نه. شما می‌توانید در باب عدالت، رساترین سخن را در هنرهای نمایشی بیاورید. در این صورت به هنر دینی توجّه کرده‌اید... هنر دینی عبارت است از هنری که بتواند مجسّم کننده و ارائه کننده آرمانهای دین اســـلام – که البته برترین آرمانهای ادیان الهی است – باشد. این آرمانها همان چیزهایی است که سعادت انسان، حقوق معنوی انسان، اعتلای انسان، تقوا و پرهیزگاری انسان و عدالت جامعه انسانی را تأمین می‌کند.(۱۳۸۰/۵/۱)

شرط پیوند حقیقی

- پیوند حقیقی با مردم، مســـتلزم حضور در میان آنان و دور نشـــدن از سطح متوسط زندگی آنان است . ساده زیستی و پرهیز از اسراف و پرهیز از هزینه کردن بیت المال در امور شخصی و غیر ضروری ، شرط لازم برای حفظ این پیوند است. ترویج فرهنگ اشرافیگری و تجمل و سفرهای پرهزینه و بیهوده ی خرجی از کیسه ی مردم ، دور از شأن نمایندگی و عامل گسیخته شدن پیوند نماینده بامردم است. (۱۳۸۳/۳/۷)

این زندگی باید تخریب شود

به فضای همدردی با فقیران دامن بزنید. خوشبختانه صدا و سیما در چند سال گذشته برنامه‌های بسیار خوبی در این زمینه داشته، که درخور تقدیر است. دغدغه‌ی عدالت را در ذهنها و دلهای مردم دامن بزنید؛ این کار بسیار خوب است. البته سعی شود به جماعت فقیر و تهیدست اهانت نشود و کرامت انسانیِ آنها از بین نرود... زندگی تجملاتی نباید به‌هیچ‌وجه ترویج شود؛ بلکه باید تخریب شود و نقطه‌ی منفی به‌حساب بیاید.(۱۳۸۳/۹/۱/۱)

نه چپ، نه راست

ما دنبال چه نوع توسعه‌یی هستیم؟...مدل توسعه در جمهوری اسلامی، به اقتضای شرایط فرهنگی، تاریخی، موارید و اعتقادات و ایمان این مردم، یك مدل کاملاً بومی و مختص به خود ملت ایران است؛ از هیچ‌جا نباید تقلید کرد؛ نه از بانك جهانی، نه از صندوق بین‌المللی پول، نه از فلان کشور چپ، نه از فلان کشور راست؛ هرجا اقتضایی دارد. فرق است بین استفاده کردن از تجربیات دیگران، با پیروی از مدلهای تحمیلی و القایی و غالباً هم منسوخ... از تجربه‌ها و دانشها باید استفاده کرد، اما الگو و شیوه و مدل را باید کاملاً بومی و خودی انتخاب کرد.(۱۳۸۳/۳/۲۷)

من هیچ اعتقادی به این معنا ندارم که جمهوری اسلامی از رسیدن به خواسته‌اش که تشکیل یك جامعه بر اساس عدالت اجتماعی و رفاه عمومی است، ناتوان است. من به هیچ وجه به این اعتقاد ندارم. به این‌که ما در این قضیه نیاز به تکیه به دیگران داریم هم اصلاً اعتقادی ندارم. البته مراوده با دیگران، استفاده از دیگران، همکاری با دیگران و داد و ستد با دیگران، همیشه خوب است؛ در همه سطوح خوب است. البته با حدود و ثغوری که قانون و سیاستهای کشور و تدبیر مدیران بالا مشخّص می‌کند. لکن تکیه نه! اتّکا و استناد و ناتوانی بدون آن؛ چنین چیزی را من اعتقاد ندارم.(۱۳۷۲/۶/۳)

تهاجم مفسدین

بدانید مبارزه با فساد، یك مبارزه جدّی و واقعی است. مفسدین تهاجم خواهند کرد و فشار خواهند آورد؛ لذا کار سختی است. برای مقابله با شیوع فساد اقتصادی و مالی، باید لباس مبارزه به تن کرد.(۱۳۸۰/۵/۱۱)

جهاد بدون اغراض سیاسی

مبارزه با فساد، یك جهاد همه‌جانبه است. من از مسؤولان کشور خواهش می‌کنم این جهاد عظیم را به اغراض سیاسی آلوده نکنند. اگر مسؤولان کشور آن خودآگاهیِ لازم را داشته باشند، آن‌گاه می‌فهمند که امروز مبارزه با فساد لازم است و یك جهاد است. نشناختن موقعیّت و خطر، همان ناخودآگاهی است

که این خود خطر بسیار بزرگی است.(۱۳۸۰/۱۰/۱۹)

شروع از خود

در باب فســـاد اقتصادی خوب است همه از اطرافیان و منسوبان خویشاوندی و شخصیتی خود شروع کنند. فساد را فقط در اشخاص دور دست نبینند، بلکه در نزدیکان خود و اشخاص ظاهراً مورد اعتماد خود هم آن را حس و با آن مبارزه کنند..(۱۳۸۱/۴/۲۰)

مبارزه بدون جنجال

مبارزه با فساد مالی و اقتصادی جدی‌ست و ادامه دارد. البته من به مسئولین قوه قضاییه و مجریه سفارش کردم که جنجال به راه نیندازند؛ جنجال موجب گم شدن اصل مسئله می‌شود. باید با آن مبارزه کرد.(۱۳۸۲/۱/۱)

عدالت پیام انقلاب

پیام دیگر انقلاب، «عدالت» است. در دنیا هرجا که ندای عدالتخواهی بلند شده است، این انقلابْ آن‌جا را با خود و از خود و متناسب با خود یافته است و با حقجویان و عدالتخواهان عالم، همراهی کرده اســـت. بســـیاری از عدالتخواهان، آزادیخواهان و مبارزان با ظلم و تبعیض در شرق و غرب و قارّه‌های پنجگانه عالم، می‌گویند «ما از انقلاب شما این درس را آموختیم».(۱۳۷۴/۳/۱۴)

عدالتخواهی جهانی

ما معتقدیم که ملتهای مســـلمان، در هر نقطه از دنیا که هستند، اگر تصمیم بر ایستادگی برای اسلام و نصرت آن داشته باشند، پیروز خواهند شد. اساس قضیه این است که مسلمانان در هر نقطه از عالم که هستند، باید تصمیم بگیرند از عدالت دفاع کنند، از عدالت بگویند، در مقابل ظلم بایستند و از اسلام – اسلامی که طرفدار مظلومین و ضعفاست – دفاع کنند. قدرتمندان عالم که بر همه جا مسلّطند، خودشان قدرتشان را افسانه‌ای جلوه داده‌اند. واقعیت قدرت آنها با آنچه که دارند خیلی متفاوت است. (۱۳۷۱/۱۱/۱۸)

آرمانهای جمهوری اسلامی

آرمانهای جمهوری اسلامی، تعالی انسان، پیشرفت انسان، رفاه انسان، اقتدار جامعه، پیشرفت در همه‌ی میدانهای معرفت انســـانی، حمایت از عدل در سراسر جهان و مقابله با زورگویان و تجاوزگران و زیاده‌طلبان است.(۱۳۸۳/۱۰/۲)

هدف جمهوری اسلامی، تأمین عدالت در جامعه است. مبادا کسانی در گوشه و کنار کشور پیدا شوند و تصوّر کنند که هدف ما عبارت است از افزایش حجم ثروت مادّی! یعنی عدّه‌ای از انواع و اقسام راههای تولیدِ ثروت برخوردار شوند؛ دیگران هم هر طور زندگی کردند، کردند! (۱۳۷۱/۱۰/۱۷)

یک گفتمان اساسی

گفتمان عدالت، یك گفتمان اساسی است و ... همه چیز ماست. منهای آن، جمهوری اسلامی هیچ حرفی برای گفتن نخواهد داشت؛ باید آن را داشته باشیم. این گفتمان را باید همه‌گیر کنید. (۱۳۸۳/۸/۱۰)

نه اشراف سنتی، نه اشراف جدید

ما نظام و کشوری می‌خواهیم که پیشرفته باشد... برخوردار از عدالت باشد؛ مبرای از فساد باشد؛ طبقه‌ی اشراف بر آن حاکمیت نداشته باشد – چه اشراف سنتی، چه طبقه‌ی جدیدی که ممکن است اسمشان اشراف نباشد، اما در واقع اشراف باشند و به قول آقایان از رانت‌های گوناگون اقتصادی استفاده کنند. (۱۳۸۴/۲/۱۹)

همه‌ی کسانی که نانشان در بی‌عدالتی است، با عدالت دشمن‌اند. همه‌ی کسانی که با قلدری و زورگویی – چه در صحنه‌ی ملی، چه در صحنه‌ی بین‌المللی – تغذیه می‌شوند، با عدالت مخالفند. (۱۳۸۴/۵/۱۲)

دمکراسی همه چیز نیست و در آن، عدل – که اساس حکومت صحیح است – وجود ندارد. (۱۳۷۹/۱۱/۲۷)

رفع فقر و محرومیت

نظام اسلامی معتقد به یك جامعه ثروتمند است، نه یك جامعه فقیر و عقب‌مانده. معتقد به رشد اقتصادی است؛ ولی رشد اقتصادی برای عدالت اجتماعی و برای رفاه عمومی، مسأله اوّل نیست. آنچه در درجه اوّل است، این است که فقیر در جامعه نباشد؛ محروم نباشد؛ تبعیض در استفاده از امکانات عمومی نباشد. (۱۳۷۲/۵/۱۲)

ثروتمندی بی‌فایده

چه فایده‌ای دارد که کشوری ثروتمند باشد؛ اما در آن گرسنگان زیادی وجود داشته باشند. تولید بالا داشته باشد؛ اما تبعیض و تفاوت در جامعه وجود داشته باشد. عدّه‌ای باشند که بتوانند با کمك آن ثروتی که این کشور دارد، بر جمع کثیری از مردم ظلم کنند، زور بگویند و آنها را استثمار نمایند! (۱۳۷۸/۱/۲۳)

آن پیشرفت اقتصادی که فاصله بین طبقات مردم را زیاد کند، مورد نظر اسلام نیست. (۱۳۷۸/۳/۱۲)

همدرد مظلومان دنیا

ملتی که نظام اســـلامی را انتخاب می‌کند از آنجا که مؤمن به اسلام و عاشق عدالت، و پایبند به منطق و عقل و دین، و آزاد از تحمیل و زورگویی است، بطور طبیعی همه‌ی قدرتهای سلطه‌گر سیاسی و اقتصادی و فرهنگی عالم را نفی می‌کند و از همه‌ی زورگویان و چپاولگران و متجاوزان بین‌المللی روی برمی‌تابد و اگر از آنان تعرضی ببیند با همه‌ی توان در مقابل آنان می‌ایستد و از استقلال و شرف و آزادگی خود دفاع می‌کند، و از آنجا که معتقد به برادری همه‌ی مســـلمانان و شرف همه‌ی انسانهاست در هر نقطه‌ی جهان که ملتی را مقهور دست ظلم و استکبار ببیند با آنان احساس همدردی می‌کند و اگر بر آزادی طلبی همت گمارند، دست کمك به آنان می‌دهد.(۱۳۷۷/۱۱/۲۱)

ما باید یك کشور نمونه بسازیم و نشان دهیم که اسلام می‌تواند با اجرای قوانین خود و با حاکمیت خود، انسانها را از لحاظ نیازهای مادی و معنوی اشباع کند؛ ما باید عدالت را در واقعِ جامعه‌ی خودمان تجسم ببخشیم و روی دست بگیریم؛ به دنیا نشان بدهیم؛ اینها وظیفه‌ی ماست، که این کارها هنوز نشده است.(۱۳۸۳/۴/۱۶)

خبررسانی نه جنجال!

گفتم کار را بی جنجال پیش ببرید. ما می خواهیم حقیقتاً با فســـاد مبارزه شـــود؛ جنجال لازم نیست. بله، خبررسانی به مردم خوب است. وقتی کار تمام شده باشد، آن مقداری که لازم باشد، خبر رسانی شو د . کار هم صورت می گیرد.(۱۳۸۲/۲/۲۲)

تکلیف ما

تکلیف ما این است که عدالت را در جامعه مستقر کنیم و این هم جز با مبارزه علیه فساد و افزون طلبی انسانهای مفتخوار و سوءاستفاده کن امکان پذیر نیست.(۱۳۸۲/۶/۵)

مبارزه با زیاده‌خواهان

گردآورندگان ثروتهای نامشروع، زیاده‌خواهان، زیاده‌خواران و مفسدان اقتصادی نباید عرصه را بر کسانی تنگ کنند که یا سرمایه‌گذاری می‌کنند، یا کار می‌کنند، یا زحمت می‌کشند، یا درس می‌خوانند، یا علم را گسترش می‌دهند و درآمدی بسیار کمتر از آنها دارند.(۱۳۸۳/۴/۱۵)

عدم فضاسازی کاذب

دنبالگیری فساد با روش صحیحِ قانونی در جای خود انجام گیرد؛ این‌طور فضاسازیهای کاذب هم نشود. اینها با هم منافاتی ندارند؛ لازم و ملزوم هم نیستند که اگر ما خواستیم با فساد مبارزه کنیم، پس

حتماً باید فضایی نامطمئن و ناامن و همراه با سوءظن به همه به وجود آید. بعکس، بنده معتقدم اگر ما با فساد و مفسدِ واقعی برخورد حقیقی و جدّی کنیم، این کار باید به مردم احساس آرامش بدهد. این نباید تعمیم داده شود و بگویند پس همه این‌طورند! در بیان هم نباید چنین چیزی گفته شود.(۱۳۸۰/۶/۱۵)

مواظب جنجال باشید!

- مواظب و مراقب باشید؛ مبادا با ایجاد یك جنجال در گوشه‌ای، این حرکت عظیم را تحت‌الشّعاع قرار دهند و به دست فراموشی بسپارند. اینها هوشیاری ملت عزیز ما را می‌طلبد.(۱۳۸۰/۱۱/۳)
- در سالهای گذشته، شعار مبارزه با فساد، مکرّر مطرح شد؛ در جلسات، به برخی مسؤولان تأکید شد؛ در محافل عمومی، برای مردم بیان شد؛ اما با همین‌گونه جنجالها و مغلطه‌کاریها نگذاشتند پیش برود. (۱۳۸۰/۱۱/۳)

اول کار بعد اطلاع‌رسانی

- در آن نامه‌ای که به رؤسای محترم سه قوّه نوشتم، عرض کردم مراقب باشید تخلّفات مدیریّتی را که غالباً به اشتباه بر می‌گردد، با جرائمی که کسی از روی عمد مرتکب می‌شود، مخلوط نکنید. مراقب باشید اوّل، کار انجام گیرد و بعد مردم از کاری که انجام گرفت، مطّلع شوند. جنجال تبلیغاتی نسبت به کاری که هنوز انجام نگرفته است، نه فقط مفید فایده نیست، بلکه ضررهایی هم ایجاد می‌کند. کار را بکنیم، بعد اطّلاع دهیم این کار شـــد – مثلاً این پرونده رســـیدگی و مختومه شد، یا این طور احقاق حق گردید – نه این‌که قبل از آن که کاری صورت گیرد، جنجال کنیم که می‌خواهیم این کار را بکنیم؛ بعد هم نتوانیم، یا اشکالی پیش آید، یا معلوم شود فلان گوشه‌اش را اشتباه کرده بودیم. بنده معتقد به خبررسانی و اطّلاع‌رسانی‌ام؛ مکرّر هم به رئیس محترم قوّه و دوستان دیگر در این زمینه عرض کرده‌ام. باید افکار عمومی را مطّلع کرد و اطّلاع رسانیِ صحیح و درست انجام داد؛ لیکن اطّلاع‌رسانیِ بهنگام، بجا و به شکل متین و صحیح)۱۳۸۱/۴/۵)

نیازهای مردم نه جنجالهای سیاسی

- در زمینه مسائل داخلی، نیازهای مردم این موضوعات است و مردم آن را از مسؤولان می‌خواهند. البته عدّه‌ای هم پیدا می‌شوند که شعارهای سیاسیِ جنجالیِ بی‌محتوا را جایگزین این مسائل می‌کنند. (۱۳۸۲/۷/۲۱)

رفع محرومیت، اهتمام اصلی دولت

- اهتمام اصلی دولت در همه سیاستهای اجرایی و بخشی، باید رفع محرومیت به نفع ایجاد عدالت

باشد. این باید اوّلین چیزی باشد که مورد نظر قرار می‌گیرد. با این کار، چقدر ما رفع محرومیت می‌کنیم و چقدر کشور را به عدالت نزدیک می‌کنیم.(۱۳۸۰/۶/۵)

بنده موافق نیستم

یک وقت این انتظار وجود دارد که مرتّب اعلامیه داده شود و بگویند فلان کس را گرفتیم، پدر فلان کس را درآوردیم، فلان کس این فساد را کرده؛ این درست نیست و برخلاف سیاست اعلام شده ماست؛ ما گفتیم اصلاً نگویید. در مواردی هم که اعلام و جنجال شـــد، بنده با آن وضعیت موافق نبودم. این تصمیم را بر اساس محاسبه گرفتیم و این محاسبه هم حکیمانه است و بر این اساس نیست که چیزی لاپوشـــی و پنهان نگه داشته شود؛ ابداً. بنده نمی‌خواهم ملاحظه کسی را بکنم؛ منتها فکر نمی‌کنم تا چیزی قطعی و اثبات نشده، بزرگ بودن و اهمیتش ثابت نشده، محاکمه نشده و روی آن قضاوتی نیست، باید سرِ زبانها بیفتد و مطرح شود. هر کس این کار را بکند، بنده موافق نیستم؛ چه مطبوعاتیها، چه رادیو و تلویزیون و چه دیگران؛ اما آمارِ کارشان را بیان کنند؛ آن هم در صورتی که اسم افراد آورده نشود. این را من به شما عرض کنم: یک نفر جرمی می‌کند، آدمِ خیلی بدی هم هست، باید هم مجازات شود؛ اما اگر ما اسم او را اعلام کردیم، با این اعلان، چند نفر مجازات می‌شوند؟ پسر و دختر او هم که در مدرسه یا دانشگاه درس می‌خوانند و در محلّه خود رفت و آمد دارند، مجازات می‌شوند. این کار چه لزومی دارد؟ بگذارید مجرم زندان برود و فی‌الجمله گفته شـــود این کار انجام گرفته؛ دیگر چه لزومی دارد ما بچه دبستانی، دبیرستانی و دانشگاهی‌اش را هم – که هیچ گناهی ندارند – مجازات کنیم؟(۱۳۸۲//۲۲)

[دستگاه های اجرایی کشو باید] مجوّزهایی را که بعضی از دستگاهها دارند و منجر به همین گرانیها و افزایش قیمتها می‌شود، باید لغو کنند.(۱۳۸۲/۳/۲۲)

مطلقا وارد نشوید!

آقایانِ وزرا و مسؤولان بالای کشور بخصوص، اگر بخواهند از این دغدغه‌های گوناگون، خودشان را خلاص کنند و این خدمت بزرگ و خالص و خوبی را که ارائه می‌دهند، بی هیچ دغدغه و اشکال، در نامه عمل خودشان ثبت کنند و برای این کشور، ان‌شاءاللّه مستدام بدارند، راهش این است که در فعّالیتها و تلاشهای اقتصادی شخصی و گروهی، مطلقاً وارد نشوند. (۱۳۷۵/۶/۸)

برنده‌ترین حربه دشمن

بدانید که دشـــمن شما، دشـــمن این انقلاب، دشمن این نظام، بُرنده‌ترین حربه‌ای که در اختیار خواهد داشت، فقر و گرفتاری اقتصادی مردم است. روی این مسأله باید فکر کرد. گرفتاریهای اقتصادی

مردم، همین بیکاری‌ای است که در کلمات شما تکرار می‌شود و درست هم هست؛ همین کمبودها و همین مشکلات فراوان است. البته فسادهای گوناگون، سوءاستفاده‌های گوناگون، تبعیضهای گوناگون، مشکلات اداری و مشکلات قضایی هم در کنارش هست. اولویّت اوّل برای شما این است که امید مردم را حفظ کنید. اولویّت اوّل این است که شکم مردم را سیر کنید. می‌شود نشست و حرفهای روشنفکری زد: اگر فلان‌طور نشود، فلان‌طور نخواهد شد؛ اگر چنین نشود، چنان نخواهد شد؛ اما باید دید واقعیت چیست.(۱۳۷۹/۳/۲۹)

چفت اولویت‌ها با امکانات

از جمله مصادیق امانت، رعایت اولویّتها در هزینه کردن است. گاهی هزینه‌ها، هزینه‌های درستی است؛ اما اولویّت‌دار نیست. شما نگاه کنید، اولویّتها را با امکانات تطبیق کنید. امکانات ما محدود است؛ لذا اولویّتها را با امکانات چِفت کنید. (۱۳۸۰/۶/۵)

ثروت بادآورده تولید نکنید!

[یکی از اصلهای مهم این] مردم بایستی در کارهای دولت، سهیم، شریك، همکار و مباشر کار باشند؛ لیکن نکته اساسی که در این‌جا وجود دارد، این است که نوع دخالت مردم، نباید منجر به این شود که بعضی از قشرهای مردم یا بعضی از افراد زرنگ در میان مردم، سودهای کلان و بادآورده ببرند؛ در حالی که عدّه دیگری از مردم، در اوّلیات زندگی در بمانند. یعنی همان مسأله اساسی عدالت اجتماعی و رسیدگی به همه قشرها در بخشهای مختلف، باید مورد توجّه قرار گیرد. الان در بخشهای مختلف کشور، دولت در وزارتخانه‌های مختلف، یا طبق قانون، یا طبق سیاستهایی که در این وزارتخانه خاص وجود دارد – که خوب هم هست و ایرادی ندارد – هر کدام به نحوی مسائلشان را با مردم، هماهنگ و متوازن می‌کنند؛ لیکن حتماً باید توجّه کنید که از قِبَل امکانات و موجودی دولت – که متعلق به همه مردم است – این طور نشود که ثروتهای بادآورده‌ای به وجود آید و در مقابل، همچنان که لازمه وجود ثروت بادآورده در کشور است، عدّه‌ای محروم بمانند.(۱۳۷۵/۶/۸)

سرگرمی به فعالیت‌های سیاسی و حزبی، منشأ مشکل

بعضی از مشکلات ما ناشی از ضعف بعضی از مدیریّتهاست که به کارهای جزئی و فعّالیتهای سیاسی و حزبی سرگرم و مشغول می‌شوند. این‌قدر که من در این خصوص تأکید می‌کنم، بعضی کسان می‌گویند فلانی با حزب و تحزّب مخالف است؛ در صورتی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، اوّلین حزب را ما درست کردیم.(۱۳۸۰/۸/۱۲)

تقسیم ثروت ملی میان مردم

هدف جمهوری اسلامی فقط این نیست که با ارقام و اعداد، تولید ناخالص ملی را در مجموع رقم بالایی نشان دهد؛ این کافی نیست. ما معتقدیم در کشور باید عدالت باشد و ثروت ملی میان همه مردم تقسیم شود. این آرزوی بزرگ ماست و برای آن تلاش و مبارزه می‌کنیم.(۱۳۸۲/۹/۲۵)

مراقبت از حق طبقات ایثارگر

در همه مراحل، مواظب و مراقب باشیم و نگذاریم که خدای نکرده، حقِّ طبقات ایثارگر کشور – مثل خانواده‌های شهدا، جانبازان، رزمندگان و کسانی که در راه خدا واقعاً جهاد کردند و زحمت کشیدند – به بعضی از حرفها و نِقهایی که گاهی گوشه و کنار زده می‌شود؛ آن هم از سمت کسانی که در جنگ، هیچ گونه دلسوزی‌ای نداشتند و برای این انقلاب و برای جنگ و در میدانهای خطر، هیچ گونه تلاشی نکردند، ضایع شود.(۱۳۷۵/۶/۸)

پاسداری از طبقات مستضعف

به مسؤولان هم سفارش می‌کنم که پاس طبقات کارگر و محروم و مستضعف و این مردم مؤمن را بدارند؛ آنها را در قوانین، در مراجعات اداری و در سایر مراجعات گوناگونی که با دستگاههای دولتی دارند، مورد توجه قرار بدهند.(۱۳۶۹/۲/۱۲)

بهره‌های کلان قانونی، منشأ فقر

تا وقتی کسانی در کشور وجود دارند که می‌توانند از موجودیهای کشور، سودها و بهره‌های بی‌حساب و کلان ببرند و ظاهرش این است که مثلاً در صورتهای قانونی هم معامله و اجاره و مقاطعه‌کاری و واسطه‌گری می‌کنند – یعنی علی‌الظّاهر شکل لباس قانونی دارد؛ اگر چه ممکن است باطنش هم بی‌قانونی باشد – بدون شك، فقر در کشور، ریشه‌کن نخواهد شد. چنین چیزی ممکن نیست. یعنی وجود امکانات بیش از حد در اختیار یك جمع معدود، نخواهد گذاشت که تولیدات و امکانات کشور، در دسترس بقیه مردم قرار گیرد. همین تورّمی هم که همیشه از آن می‌نالید و همه می‌نالند و حق هم هست؛ تا آخر ادامه پیدا خواهد کرد. بایستی در دستگاههای مختلف دولت، توجّه دقیقی شود که جلوِ استفاده‌های غیر منطقی و غیر صحیحِ منتهی و منجر به ثروتهای کلان، گرفته شود. اگر احیاناً قانونی هم وجود دارد که این قانون، از روی غفلت گذارده شده است، یا مقرّراتی در جایی وضع شده است که این نتیجه را می‌بخشد، چون این ضرر و عیب را دارد، باید حتّی آن قانون علاج شود(۱۳۷۵/۶/۸)

سیاست کشور در جهت سود طبقات محروم

سیاست اداره‌ی کشور، باید در جهت سود طبقات محروم و رفع محرومیت از آنها باشد؛ کمااین‌که همین‌طور هم هست.(۱۳۶۹/۲/۱۲)

دفاع از قشر محروم، محور تحرکات اقتصادی

مسؤولان نظام، از نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی، تا مسؤولان بخشهای مختلف اجرایی، بخصوص رده‌های سیاستگذاری و کارشناسی، و تا قضات و اجزای دستگاه قضایی، باید به جد و جهد و با همه‌ی اخلاص، درصدد اجرای عدالت در جامعه باشند. امروز در جامعه‌ی ما، برترین گام در راه استقرار عدل، رفع محرومیت از طبقات محروم و تهیدســـت و کم‌درآمد است که غالباً بیشترین بار نظام را در همه‌ی مراحل بردوش داشته‌اند و دارند و همواره با اخلاص و صمیمیت، از انقلاب و اسلام دفاع کرده‌اند. دفاع از قشـــرهای محروم – که صاحبان واقعی انقلابند – باید در رأس همه‌ی برنامه‌ریزیهای کشور و محور کلیه‌ی تحرکات اقتصادی در بخشهای مختلف آن باشد و صحت هر سیاست و برنامه‌ی اقتصادی، با چگونگی و اندازه‌ی پیشرفت در این هدف، در کوتاه‌مدت یا بلندمدت، سنجیده شود.(۱۳۷۰/۳/۱۳)

میزان سنجش پیشرفت

مهمترین مسأله‌ی دستگاه ما و نظام جمهوری اسلامی – که همه‌ی اینها در خدمت و در جهت آن است – همان چیزی است که همه‌ی ما به آن معتقدیم و بارها گفته‌ایم؛ یعنی کوشش برای رفع فقر و محرومیت در جامعه، و حمایت و کمك به طبقات مستضعف و محروم. واقعاً باید صحت برنامه‌ها را به این سنجید و دنبال این قضیه رفت و کارهای دیگر را در اولویتهای بعد قرار داد(۱۳۷۰/۶/۳)

رسیدگی دلسوزانه‌تر

به درد و تظلم همه باید رسید؛ اما به آن کس که در او، احتمال مظلومیت بیشتر است – قشرهای مظلوم و پایین جامعه – دلسوزانه‌تر باید رسید.(۱۳۶۹/۴/۴)

نه این‌که نباید برای طبقات مرفّه کار کرد؛ آنها هم از حقوق عمومی کشور باید بهره‌مند شوند؛ اما به آن کســـی که محرومیت دارد و دستش از حقوق خود خالی مانده است، باید بیشترِ توجّه و همّت و تلاش را اختصاص داد(۱۳۸۰/۳/۱۴)

قشر بی‌بلندگو و تریبون

ما برای اجرای عدالت آمده‌ایم. قشر محروم مردم، بلندگو و تریبون ندارند؛ اما قشر مرفه و زرمند و زورمند، هم از تریبونها بناحق استفاده می‌کنند؛ هم هرجا بخواهند، در بدنه‌ها اعمال نفوذ می‌کنند و

کارشان را پیش می‌برند؛ ولی آن قشر محروم زمین می‌مانند.(۱۳۸۰/۶/۵)

وقتی که مردم خود را در رفع گرفتاریِ مستضعفان و ضعفا و مستمندان سهیم بدانند، کارها اصلاح می‌شود.(۱۳۸۳/۴/۲۹)

بی‌تفاوتی به فقر نشانه تکذیب دین

«اللّهم اغن کلّ فقیر. اللّهم اشبع کلّ جائع. اللّهم اکس کلّ عریان».(مفاتیح‌الجنان: دعای یومیه ماه مبارك رمضان) این دعا فقط برای خواندن نیست؛ برای این است که همه خود را برای مبارزه با فقر و مجاهدت در راه ستردن غبار محرومیت از چهره محرومان و مستضعفان موظّف بدانند. این مبارزه، یك وظیفه همگانی است. در آیات قرآن می‌خوانیم: «أرایت الّذی یکذّب بالدّین. فذلك الّذی یدعّ الیتیم. و لایحضّ علی طعام المسکین(ماعون: ۱-۳)». یکی از نشانه‌های تکذیبِ دین این است که انسان در مقابل فقر فقیران و محرومان بی‌تفاوت باشد و احساس مسؤولیت‌نکند.(۱۳۸۱/۹/۱۵)

نمی‌شود منتظر ماند تا برنامه‌های اجتماعی به ثمر برسد و شاهد محرومیت محرومان و فقر گرسنگان در جامعه بود. این وظیفه خودِ مردم و همه کسانی است که می‌توانند در این راه تلاش کنند. همه باید خود را موظّف به مواسات بدانند.(۱۳۸۱/۹/۱۵)

انتظارات مردم اینهاست

انتظارات مردم، رفع مشکلات اقتصادی، رفع مشکلات مربوط به جوانان - مسأله تحصیل و مسکن و ازدواج و بیکاری - رفع مسائل مربوط به گرانی و برطرف شدن مسائل مربوط به عمران شهری و روستایی است.(۱۳۸۲/۹/۲۵)

اولویت‌ها، نه اقدام مفید

این‌طور نباشد که ما هر اقدامی که می‌خواهیم بکنیم که مستلزم هزینه‌ای است، به این اکتفا کنیم که این اقدام، اقدام مفیدی است. این کافی نیست. صرف مفید بودن این کار، کافی نیست برای این که ما این هزینه را بکنیم. در شرایط کنونیِ ما، باید اولویّت داشته باشد. بدون اولویّت، هزینه کردن جایز نیست.(۱۳۷۸/۱۰/۴)

از جمله مصادیق امانت، رعایت اولویّتها در هزینه کردن است. گاهی هزینه‌ها، هزینه‌های درستی است؛ اما اولویّت‌دار نیست. شما نگاه کنید، اولویّتها را با امکانات تطبیق کنید. امکانات ما محدود است؛ لذا اولویّتها را با امکانات جِفت کنید.(۱۳۸۰/۶/۵)

مخارج سنگین دولت

اندازه نگهدارید؛ دولت مخارجش زیاد و سنگین است. مخارج سنگین دولت منجر به این می‌شود که مثلاً در فلان بخش سوبسید را بردارند. این، سیاست درست و متین و منطقی هم است؛ شکی در آن نیست، باید هم انجام بگیرد، چاره‌یی هم نیست، روی مردم هم فشار می‌آید؛ اما این مخارج را منصفانه قرار بدهیم و خودمان به دست خودمان بر مخارج چیزی اضافه نکنیم.(۱۳۷۰/۵/۲۳)

ریشه گرفتاری ها دو چیز است...

ما در داخل کشورمان کم گرفتاری نداریم. ریشه گرفتاریها از دو چیز است: اوّل، از غفلتها و کوتاهیها و تنبلیها و احیاناً بدعمل کردنهای خود ماست؛ در رابطه با اموال عمومی، در رابطه با تجمّل‌گرایی، در رابطه با پاسخگویی به مردم در دستگاههای مختلف. ریشه دوم، دشمنانی هستند که از همین مایه‌ها و زمینه‌ها سوءاستفاده می‌کنند؛ بر این مردم تنگ می‌گیرند؛ تهدید می‌کنند؛ ایجاد اختلاف می‌کنند؛ دو دستگی می‌اندازند؛ محاصره اقتصادی می‌کنند.(۱۳۷۸/۱۲/۱۱)

در این تبلیغات، خرج و اســراف هم نشود. بنده گمان می‌کنم اگر کسی برای خدا از اسراف در تبلیغات و کارهای ناباب اجتناب کرد، خدای متعال به او کمك خواهد کرد و او را در مقصودی که دارد، موفّق خواهد گرداند.(۱۳۸۲/۱۱/۲۴)

گزندگی تبعیض بیش از فقر

شکاف اقتصادی و تبعیض در مسائل اقتصادی و برخورداریهای ناروا در مقابل محرومیتهای سخت و سنگین. این، مردم را آزار می‌دهد. بیش از فقر، تبعیض برای مردم گزنده است. (۱۳۸۱/۳/۷)

یك نوع حالت مرکزگریزی و دور از مرکزگرایی در طبیعت جمهوری اسلامی هست.(۱۳۷۰/۱۰/۱۲)

اینها محیط اقتصادی را نا امن میکنند!

ناامنی اقتصادی، بخش دیگری از ناامنی اســت. آن کســانی که محیطهای اقتصادی را ناامن می‌کنند؛ اگر کسانی سرمایه‌های کوچکی دارند، اینها با کارهای غیرقانونی، با زرنگی‌ها، این سرمایه‌های کوچك و امکانات مردم را نابود می‌کنند و به ســود خودشان مصادره می‌کنند. آنهایی که بالاتر از این، امکانات دولتی و عمومی را با زرنگیها، با تسلّط بر قوانین و مقررات و گریزگاههای قانونی، به نفع خودشان مصادره می‌کنند و هر جا که بتوانند، از سوءاستفاده‌های شخصی نمی‌گذرند؛ اینها محیطهای اقتصادی را ناامن می‌کنند. شما ببینید اگر در یك کشور وضع اقتصادی بیمار است، یکی از چند علت، وجود همین گریزگاههای از قانون است که کسانی می‌توانند با استفاده از اینها سوءاستفاده کنند و جیبهای خودشان

را پر کنند و امکانات مردم و دولت را به نفع و سمت خودشان بکشانند.(۱۳۷۹/۱/۶)

مصرف باید به اندازه باشد، نه به حدّ اسراف و زیاده روی. این اندازه در هر زمانی متفاوت است... اندازه عبارت است از این‌که انسان خودش را هر چه می‌تواند به این قشرها نزدیك کند. مسؤولین عزیز کشور، اعم از دولتی و قضایی و سایرین، بخصوص باید این اصل را بیش از دیگران رعایت کنند.(۱۳۷۱/۱/۱)

اسراف لازمه اشرافیگری

صرفه‌جویی به معنای گدابازی نیســت که بعضی بگویند چرا نمی‌گذارید مردم از نعمتهای خدا استفاده کنند. نه؛ استفاده کنند، ولی اسراف و زیاده‌روی نکنند. اسراف در جامعه، لازمه اشرافیگری و تقسیم نابرابر ثروت و مایه تضییع اموال عمومی و نعمت الهی است. صرفه‌جوییِ صحیح - همان که در اسلام به آن قناعت می‌گویند - به معنای نخوردن نیست. به معنای زیاده‌روی نکردن، مال خدا را حرام نکردن و نعمت الهی را ضایع نکردن است. اگر جامعه‌ای بخواهد قناعت و صرفه‌جویی را - که یك دستور اسلامی است - عمل کند، باید متوجّه باشد که در شکل کلّی به عدالت اجتماعی و مسأله عدالت پرداخته شود.(۱۳۷۶/۱/۱)

بلای بزرگ مصرف گرایی

مصرف‌گرایی برای جامعه بلای بزرگی اســت. اسراف، روزبه‌روز شکافهای طبقاتی و شکاف بین فقیر و غنی را بیشتر و عمیقتر می‌کند. یکی از چیزهایی که لازم است مردم برای خود وظیفه بدانند، اجتناب از اسراف است. دستگاههای مسؤولِ بخشهای مختلف دولتی، بخصوص دستگاههای تبلیغاتی و فرهنگی - به‌ویژه صدا و ســیما - باید وظیفه خود بدانند مردم را نه فقط به اســراف و مصرف‌گرایی و تجمّل‌گرایی ســوق ندهند؛ بلکه در جهت عکس، مردم را به ســمت قناعت، اکتفا و به اندازه‌ی لازم مصرف کردن و اجتناب از زیاده‌روی و اسراف دعوت کنند و سوق دهند. مصرف‌گرایی، جامعه را از پای درمی‌آورد. جامعه‌ای که مصرف آن از تولیدش بیشتر باشد، در میدانهای مختلف شکست خواهد خورد. ما باید عادت کنیم مصرف خود را تعدیل و کم کنیم و از زیادیها بزنیم.(۱۳۸۱/۹/۱۵)

بر اساس شرع نباشد، غلط است!

قوّه قضاییّه ما براساس شرع است. اگر براساس شرع نباشد، غلط است؛ چون نظام، نظام اسلامی است. هر بخشی از این قوّه که شرعی نباشد، موافق با مقرّرات اسلامیِ قضا نباشد، آن بخش نه مایه افتخار است، نه موجب ثواب است و نه کارگشاست. قضای اسلامی است که کارگشاست. قضای اسلامی است که در آن، از همه مفاسد می‌شود جلوگیری کرد.(۱۳۷۸/۴/۷)

مبارزه به جای دیدن و ارائه‌دادن

شـــأن دستگاه قضایی، دیوان عدالت اداری و یا هر تشکیلات دیگری که در این کارهاست، صرفاً دیدن و ارائه دادن تخلّف نیست؛ بلکه مبارزه با تخلّف است. اگر مثلاً در بخشی از جامعه، بی‌عدالتی رایج بود و یا در نقطه‌ای، العیاذباللّه، قتل فراوان و یا به حقوق قشری از اقشار جامعه (مثلاً زنان و کودکان؛ در خانواده یا بیرون از خانواده) تجاوز می‌شد و یا مسائلی از این قبیل رخ می‌داد، چاره آن است که بیندیشیم و دریابیم که بخشـــهای مسؤول در قوّه قضاییّه، چه نارساییهایی دارند که نتوانسته‌اند مانع از رشد این تخلفات شوند؟... شأن قوّه قضاییّه این است که گفتیم: شأن تصحیح، شأن اصلاح و شأن مبارزه با ظلم و ناحق(۱۳۷۴/۴/۷)

بازی سیاسی و خطی به میان نیاید

[مسئولان دستگاه های اجرایی و قضایی] مواظب باشند تمایلات و احساسات و بازیهای سیاسی و خطّی و جناحی و غیره - که دشمنان از این‌که این چیزها در بین مسؤولان ما رواج پیدا کند، خوشحال می‌شـــوند -[در مبارزه با فســـاد] به میان نیاید؛ جلوِ حق را نگیرد و مانعِ دیدن و نظر کردن و فهمیدن چشمها نشود؛ بلکه باید بی‌نظرانه و برای خدا عمل شود. اگر این‌طور شد، به مملکت سود خواهد رسید. (۱۳۸۰/۱۱/۳)

مبارزه بدون تبعیض

لازم است در این خصوص[مبارزه با فساد] هیچ تبعیضی وجود نداشته باشد. دستگاههایی که با فساد مبارزه می‌کنند، نباید بگویند فساد در فلان جا بداست؛ اما در جای دیگر -اگر باشد- به آن بدی نیست. فساد، فساد است؛ در هرکس فساد وجود داشته باشد، باید با او مبارزه کنند. کسانی که با فساد مبارزه می‌کنند، باید قاطعانه و بدون مجامله مبارزه کنند و در حقّ فاسد و مفسد، مُرّ قانون را اعمال کنند. (۱۳۸۰/۱۱/۳)

این قانون اسلامی نیست!

قانون باید بتواند از حقوق ضعفا دفاع کند، والاّ قانونی که پولداران را پولدارتر کند، قانون مملکت اسلامی نیست. قانون باید بتواند گره‌ها را باز کند و به دردِ دل قشرهای محروم برسد.(۱۳۷۸/۱۱/۱۳)
الحمد لله قانون فراوان است!

در حال حاضر، ما قوانین متناقض و خلاف شرع و مبهم داریم. آنچه که خلاف شرع است، اعتبار ندارد. ملاك قانون، شرع است. اگر واقعاً در قوانین نقصی داریم، از این بُعد نقص را برطرف کنیم... باید ابهام قوانین مبهم و تناقض قوانین متناقض برطرف بشود. باید ضد اسلامها، اسلامی بشود. یعنی اگر ما

می‌خواهیم برگردیم و المام به قوانین و اصلاح آنها را انجام بدهیم، از این بُعد نگاه بکنیم، نه این که حالا ما قانون کم داریم، بیاییم قانون بگذاریم. نه، الحمدللّه قانون فراوان است.(۱۳۶۸/۶/۲۰)

این انتظار، یک بعد از ابعاد است

بایستی بر تمام آحاد کشور، چنین روحیه‌یی نسبت به دستگاه قضایی حکمفرما باشد. اگر به کسی ظلم شد، بداند که با مراجعه به دستگاه عدل اسلامی، قطعاً آن ظلم برطرف خواهد شد. این یك بعد از ابعاد کار دستگاه قضایی است که مورد انتظار اسلام و همه‌ی مردم است. (۱۳۶۸/۴/۷)

آنجا پناهگاهی هست

در جامعه‌ی ایرانی، به ذهن همه‌ی آحاد این مردم، خیلی آسان و آشناست که حق یك نفر را بخورند، چند سال هم دوندگی کند، به جایی هم نرسد. کدامِ شما و کدامیك از آحاد این ملت، چنین صورت مسأله‌یی را نشنیده، یا مکرر نشنیده است؟ این، باید نباشد. در جامعه‌ی اسلامی، باید هر مظلومی احساس بکند که پناهگاهی در آن جا هست.(۱۳۶۹/۴/۴)

هدف از وجود قوه قضاییه این است

هدف از وجود قوّه قضاییّه این است که مردم در جامعه احساس آرامش کنند؛ بدانند که اگر کسی به حقوق آنها تجاوز کرد، جایی هست که به آن رسیدگی می‌کند؛ بدانند که اگر قویترین اشخاص – حتّی دولت – حقّ کسی را ندیده گرفت، یا خدای ناکرده پایمال کرد، یك دستگاه قضایی وجود دارد که شجاعانه و بی‌نظر و بی‌غرض، میدانداری می‌کند و حق را به حقدار می‌رساند. اگر توانستید این احساس را در جامعه ایجاد کنید، شما موفّقید... برای ارزیابی قوّه قضاییّه، باید این معیار را به کار بگیرید؛ ببینید چه‌قدر این حالت اعتماد در مردم به‌وجود آمده است؛ هر مقدار به‌وجود آمده است، همان مقدار شما موفّقید.(۱۳۷۸/۴/۷)

این قضاوت تعمیم پیدا میکند

از تخلّف قضایی حتّی در گوشه‌ای از کشور هم نباید اغماض و صرفه‌نظر کرد؛ چون بدنه متّصل به مردم، همین بخشهای منتشر در سرتاسر کشور هستند؛ مردم با اینها تماس دارند و نزدیکند. قضاوت درباره آنها، تعمیم پیدا می‌کند به قضاوت در کلّ قوّه قضاییّه.(۱۳۸۲/۴/۷)

مورد اعتماد بودن به معنای این نیست که انسان برای وجاهت مردمی، از قدرت آن دستی که ضامن اجرای قوانین است، بکاهد. اساس قوّه قضاییّه برای حفظ قانون است. (۱۳۸۲/۴/۷)

ملاحضه موزیگری‌گری‌ها را نکنید، این اساسی‌ترین کار است

توصیه ما به قوّه بسیار مهم و مؤثّر قضایی این است که هدف را درست انتخاب کند؛ راه را بر طبق موازین انتخاب کند؛ قدم در آن راه بگذارد و با قوّت و اعتماد به نفس و اتّکال به خدا پیش برود و ملاحظه این را نکند که یك عدّه جوسازی و بدی و موذیگری و بی‌انصافی می‌کنند. خدای متعال اینها را اصلاح خواهد کرد؛ این اساسی‌ترین کاری است که قوّه قضاییّه در ادامه این راه برای رسیدن به قلّه قضای اسلامی باید در نظر بگیرد و پیش برود.(۱۳۸۲/۴/۷)

تبیین حقیقت و اطّلاع‌رسانی به افکار عمومی هم مهمّ است؛ این را هم نباید فراموش کرد. نباید مردم را در ابهام باقی گذاشت... حقیقت را هم برای مردم تبیین نماییم. بدون تبیین حقیقت، افکار عمومی در ظلمت و فضای غبارآلود باقی خواهد ماند و دشمن سوءاستفاده خواهد کرد.(۱۳۸۲/۴/۷)

اقامه عدل از قله میجوشد

[فرهنگ اقامه عدل در قوه¬ی قضاییه] از بالا و قله می‌جوشد و به دامنه سرازیر می‌شود. یعنی اگر ما در بالا، گوشه‌یی از امر قسط و قسط خواهی و عدالت خواهی و دلسوختگی برای عدالت را کم ببینیم، لامحاله در دامنه نقایص زیادی به وجود خواهد آمد. (۱۳۶۸/۶/۲۰)

قوه قضاییه خودش را پاک کند

در حدّ امکان سعی شود که عناصر کارآمد جذب شوند و اگر کسانی هم به سبب نداشتن علم و خصوصیّات لازم، این بار سنگین را نمی‌کشند، قوّه قضاییه خودش را از وجود آنان پاك کند.(۱۳۷۴/۴/۷)

از محاسبه باکی نباشد

نکته‌ی دیگر، التزام به قانون است. قوه‌ی قضائیه بایستی از نظارت قانون استقبال کند. قانون، یکی از ابزار نظارت است. خودِ قانون یك عامل نهاده شده‌ی در داخل قوه‌ی قضائیه است که برای نظارت بر قوه‌ی قضائیه، عامل بسیار مهم و مؤثری است. معیار، قانون باشد و قوانین نقض نشود؛ تخصیص نخورد؛ تقیید نخورد؛ از گستره‌ی قانون به دلایل گوناگون چیزی حذف نشود. به هر حال، قوه‌ی قضائیه باید هر گونه نظارتی را استقبال کند. خوشبختانه شما از مسئول عالم، دانا، هوشمند و مجموعه‌ی بسیار خوبی از قضات شریف، پاك‌دامن، عناصر مؤمن در قوه‌ی قضائیه برخوردار هستید. هر چه که نظارت بشود، هر چه که اظهار نظر بشود، حتّی انتقاد منصفانه، باید مورد استقبال قرار بگیرد. این، خیلی خوب است. آن را که حساب پاك است – چه در زمینه‌های مالی، چه در زمینه‌های غیرمالی – از محاسبه باکی نیست. بگذارید عناصر مقرر برای این کار؛ مثل سازمان بازرسی و سازمانهای گوناگون نظارتی و همچنین عناصر بیرون از

دستگاه قضایی؛ مثل صاحب‌نظران حوزه و دانشگاه، حقوق‌دانان کشور، اعلام نظر کنند، پیشنهاد کنند، انتقاد کنند؛ اینها قوه‌ی قضائیه را تقویت می‌کند و قوه‌ی قضائیه را ورز می‌دهد.(۱۳۸۴/۴/۷)

این کمک است نه به خطر انداختن!

وقتی ما می‌گوییم که باید با طبقه‌ی بهره‌مندان از پولهای حرام مقابله شود، فوراً یك عدّه نگران می‌شوند که امنیت سرمایه‌گذاری در جمهوری اسلامی به خطر افتاد! نه؛ امنیت سرمایه‌گذاری و امنیت تلاش اقتصادی به خطر نمی‌افتد، این کمك به سرمایه‌گذاریهاست. (۱۳۷۶/۴/۲۵)

بگذار احساس ناامنی کند

کســـی که متخلّف است و می‌ترســـد، بگذار بترسد و احساس ناامنی کند. در نظام اسلامی، آدم گناهکار باید احساس ناامنی کند. هر نظامی که در آن بی‌گناهان بترسند که مبادا مورد تعرّض قرار گیرند و گناهکارانِ عمده احساس آسایش و آرامش کنند، آن نظام، نظامِ منحرفی است. نباید بگذاریم نظام ما این‌گونه شود. در نظام اسلامی، متخلّف و گناهکار و متخطّی – هر که هست – باید احساس نگرانی کند و بداند که پنجه عدالت، دیر یا زود گریبان او را خواهد چسبید. سرپنجه عدالت باید قوی باشد. دستگاه قضایی باید قوی باشد. نیروی انتظامی در چارچوبی که قانون برای او معیّن کرده است، باید قوی باشد. قوّت و اقتدار و سرپنجه پولادین با مردم ضعیف بد است.(۱۳۷۶/۴/۲۵)

اینها همه چیز را خراب میکنند

یکی از بزرگترین خطرات حکومتهایی که معتقد به مبنایی هســـتند، این است که صاحبان پول بتوانند در ارکان حکومت اعمال نفوذ کنند. اینها همه چیز را خراب می‌کنند. هر بخشی از نظام اگر تحت تأثیر زرمندان و ثروتمندان قرار گرفت، ضایع خواهد شد. در این زمینه، از همه بدتر قوّه قضاییّه است. (۱۳۸۱/۴/۵)

در قلوب اینها مرض است

این غلط است که اگر مجرم به یك مجموعه سیاسی وابسته باشد، باید در مقابل او کوتاه آمد؛ آن هم با این دلیل غیر محکمه پسند که اگر مجرمیّت او مورد تأکید قوّه قضاییّه قرار گیرد، جنجال خواهد شد! قرآن کریم می‌فرماید «و ان یکن لهم الحقّ یأتوا الیه مذعنین»؛(نور:۴۹) اگر قضاوتی که می‌شود، برخلاف مصلحت آنها باشد، جنجال می‌کنند؛ اما اگر برطبق میل و نظر آنها باشد، آن وقت آن را می‌پذیرند. بعد می‌فرماید: «افی قلوبهم مرض».(نور:۵۰) این قضاوت قرآن است.(۱۳۷۹/۴/۷)

عدالت تحت تأثیر هیچ چیز

باید عدالت اجرا شود و تحت تأثیر هیچ چیز؛ ثروت، قدرت، دیوان‌سالاری و بوروکراسی نباید قرار بگیرد. اگر دیوان‌ســـالاری و تشکیلات ما عدالت را مختل می‌کند، مضر است. باید دیوان‌سالاری را به نحوی سازماندهی و تنظیم کرد که به عدالت کمك کند؛ زیرا عدالت ملاك و اصل است؛ اجرای عدالت و احقاق حق و ابطال باطل.(۱۳۸۳/۴/۷)

اهم امور این چیزهاست

در دنبال‌گیری مشکلاتی که در جامعه وجود دارد، واقعاً اهم و مهمی درست کنیم. یعنی هیأت رئیسه و سیاستگذاران دستگاه قضایی – هر مجموعه‌یی که هستند – بنشینند موارد را «الاهم فی‌الاهم» کنند و مهمترین آنها را دنبال نمایند؛ چون واقعاً امروز در جامعه موارد بدی وجود دارد که همه را باید دستگاه قضایی دنبال کند. ببینیم واقعاً کدامها را بایستی در درجه‌ی اول قرار داد. الان مثلاً در جامعه فساد و ارتشاء و جرایم ضد انقلابی و براندازی و خدعه و تزویر و جعل و امثال اینها وجود دارد. در میان این موارد، کدام از همه مهمتر است؟ من خیال می‌کنم اگر بخواهیم دنبال اهم بگردیم، همین مسأله‌ی فسادهای مالی و اخلاقی و ارتشاء و تزویر و امثال اینها، چیزهایی است که بخصوص از مردم سلب امنیت می‌کند و واقعاً در رتبه‌های بالا قرار می‌گیرند.(۱۳۶۸/۶/۲۰)

عدالت اجتماعی با اخلاق اسلامی

مواظب باشید که این حرکت به سمت اخلاق اسلامی، ادامه پیدا کند. اگر این‌گونه شود، جامعه ما از عدالت اجتماعی برخوردار خواهد شد.(۱۳۷۲/۴/۲۳)

عدالت اجتماعی، به مقدار زیادی وابسته به اخلاق است. البته بخش عمده آن مربوط به مقرّرات و قوانین جامعه است. اما مقرّرات و قوانین، بدون این‌که افراد از اخلاق الهی و اسلامی برخوردار باشند، چندان کارساز نیست.(۱۳۷۲/۴/۲۳)

تقوای اقتصادی یعنی...

تقـــوای اقتصادی؛ یعنی اگر هر کس برای گذران زندگی و ضمناً آباد کردن محیط خود مجبور است تلاش اقتصادی داشته باشد، راه درست را انتخاب کند. غصب کردن، حرام‌خوری، دست‌اندازی به مال دیگران – بخصوص به اموال عمومی – از دستاورد عمومی مردم به نفع جیب خود استفاده کردن و احیاناً زرنگیهایی که علی‌الظّاهر در چارچوب قانون هم می‌گنجد، اما خود انسان می‌داند که باطن آن چقدر فاسد و تباه است، اینها خلاف تقوای اقتصادی است.(۱۳۸۱/۵/۵)

کمک به حیات اجتماعی طیب

در جامعه ما باید عادتِ کمك به ضعفا که یك عادت اسلامی است، روزبه‌روز بیشتر شود. صدقاتی که مردم می‌دهند، اطعامهایی که می‌کنند و کارهای بزرگی از قبیل وقف و حبس و امثال آنها که انجام می‌شود، از سنّتهای حسنه اسلامی است. این سنّتها به حیات اجتماعیِ طیّب کمك می‌کند. لذا نباید بگذارید در جامعه تعطیل شود. وقتی که مردم خود را در رفع گرفتاریِ مستضعفان و ضعفا و مستمندان سهیم بدانند، کارها اصلاح می‌شود.(۱۳۷۳/۴/۲۹)

همه باید خود را موظّف به مواسات بدانند. مواسات یعنی هیچ خانواده‌ای از خانواده‌های مسلمان و هم‌میهن و محروم را با دردها و محرومیتها و مشکلات خود تنها نگذاشتن؛ به سراغ آنها رفتن و دست کمك‌رسانی به سوی آنها دراز کردن.(۱۳۸۱/۹/۱۵)

این وضع زندگیهای تجمل‌آمیز، این روزبه‌روز افزودن بر ظواهر تجملاتی، در زندگیهای شخصی غلط است.(۱۳۷۰/۱/۲۶)

این انحراف است، بروبرگرد ندارد

امروز در جمهوری اسلامی، اگر ما احساس بکنیم که زندگی به سمت اشرافیگری می‌رود، بلاشك این انحراف است؛ بروبرگرد ندارد. ما باید به سمت زهد حرکت بکنیم. نمی‌گوییم هم زهدهای آن‌چنانی، که متعلق به اولیاءاللّه است؛ نه، مسؤولان درجه‌ی یك، مسؤولان درجه‌ی دو، تا آن مسؤولان درجات بعد هم باید در حد خود زهد داشته باشند؛ بعد هم به عامه‌ی مردم می‌رسد. عامه‌ی مردم هم نباید اسراف و تجمل‌گرایی بکنند. این‌طور نیست که زهد فقط مخصوص مسؤولان باشد.(۱۳۷۰/۱/۲۶)

وظیفه‌ی همگانی

امروز در جامعه ما فقر وجود دارد. وظیفه ما به عنوان نظام اسلامی، ریشه‌کن کردن فقر در جامعه اســت. نباید در جامعه محرومیت باشد. این تکلیف ماست به عنوان دولت، به عنوان نظام اسلامی، به عنوان آحاد مردم. «کلّکم راع و کلّکم مسؤول عن رعیته(صحیح بخاری: ج ۱ ص ۳۰۴ حدیث نبوی)»؛ این وظیفه همه است. هر کدام به نحوی تجمّل و اسراف و زیاده‌روی را کم کنیم. (۱۳۸۱/۹/۱۵)

حرکت به سمت قناعت

دستگاههای مسؤولِ بخشهای مختلف دولتی، بخصوص دستگاههای تبلیغاتی و فرهنگی - به‌ویژه صدا و ســیما - باید وظیفه خود بدانند مردم را نه فقط به اسراف و مصرف‌گرایی و تجمّل‌گرایی سوق ندهند؛ بلکه در جهت عکس، مردم را به سمت قناعت، اکتفا و به اندازه‌ی لازم مصرف کردن و اجتناب از

زیاده‌روی و اسراف دعوت کنند و سوق دهند. مصرف‌گرایی، جامعه را از پای درمی‌آورد.(۱۳۸۱/۹/۱۵)

شأن زن مسلمان

شـــأنِ زن مســـلمان بالاتر از این حرفهاست که اسیر زر و زیور و جواهر آلات و از این قبیل شود. نمی‌خواهیم بگوییم اینها حرام اســـت؛ می‌خواهیم بگوییم شـــأن زن مسلمان بالاتر از این است که در دورانی که بســـیاری از مردم جامعه ما محتاج کمکند، کسانی بروند پول بدهند طلا بخرند، زینت‌آلات بخرند، وسایل زندگی رنگارنگ بخرند و در انواع و اقسام روشها و منشهای زندگی، اسراف کنند. اسراف، الگوی زن مسلمان نیست.(۱۳۷۱/۹/۲۵)

ریشه گرفتاری ملتها

امروز گرفتاریهای عمده‌ی ملتها در دنیا، گرفتاری ناشی از مدیران و دستهای گرداننده‌ی جامعه اســـت. آنها فاسدند که فساد در ملتها، ریشه‌ی همه‌ی ارزشها و اصالتها را می‌کند و از بین می‌برد. آنها فاسدند که ملتها، ذلیل و برده و نوکرصفت بار می‌آیند. آنها فاسدند که قدرتهای شیطانی، بر ملتهایشان تســـلط پیدا می‌کنند. آنها فاســـد و بی‌بندوبارند که در متن جوامعشان، ایمان بکلی رخت برمی‌بندد. (۱۳۶۹/۴/۲۰)

تحزب از نوع امریکایی

می‌خواهند احساسات عمومی و مردمی را تحقیر کنند و آن را عوامگرایی معنا کنند. آنها دلشان می‌خواهد احزاب در کشور ما همان نقشی را ایفا کنند که در امریکا و در برخی از کشورهای اروپایی ایفا می‌کنند؛ یعنی چند نفر آدم در رأس حزب بنشینند و با بده بستان‌های سیاسی و اقتصادی و با پول و یا بند و بست درباره‌ی فلان پروژه‌ی پول‌ساز نفتی و غیرنفتی، یك نفر یا چند نفر را انتخاب کنند، بعد به پیروان و طرفداران خود بگویند به این شخص رأی دهید؛ مردم هم چشم‌بسته و گوش‌بسته به او رأی دهند. در ایران هم بعضی دلشان می‌خواهد این‌طوری بشود؛ اما این‌جا این‌گونه نیست.(۱۳۸۴/۳/۲۵)

معارضان را بی‌رحمانه میکوبند

مردم در دنیا به‌شدّت تشنه عدالتند. امروز در کشورهایی که دم از دمکراسی می‌زنند، بی‌عدالتی از همه جا بیشتر است. در همین کشورِ امریکا، با این که سالهای متمادی می‌گذرد که رسماً برابری حقوقی سیاه و سفید را روی کاغذ اعلان کرده‌اند، هنوز که هنوز است، میان سیاهان و سفیدان تبعیض حاکم است. در بعضی از کشورهای اروپایی، تبعیض هست. مسأله نژادی هنوز در آن جاها مطرح است. هنوز که هنوز است، قدرتمندان این کشورها – از جمله در امریکا – اگر در داخل ملاحظه کنند که کسی، چیزی و

جماعتی، با اقتدار مطلقِ سرمایه‌داری آنها معارضه‌ای دارد، بی‌رحمانه می‌کوبندش!(۱۳۷۶/۱/۱)

یك علّت دیگر[این مشـــکلاتی که بر روی طبقات ضعیف فشـــاری آورد]، بعضی از مسامحه‌هایی اســـت که متأسّفانه بدون توجّه از طرف خود ما - بعضی مسؤولین اجرایی - در اجرائیّات کشور انجام می‌گیرد!(۱۳۷۸/۱/۱)

فساد یعنی...

فساد، یعنی فساد اخلاقی، فساد کاری، عدم احساس وجدان در تقدیم خدمات عمومی، عدم احساس مسؤولیت در مواجهه با افکار عمومی و با ذهنهای مردم. اینها شاخه‌ها و شعبه‌های فساد است.(۱۳۷۹/۵/۳)

استبداد بزرگترین خطر

یکی از بزرگترین وظایف انسان این است که در هر جا قرار دارد، حدّ قانونی خود را بشناسد و از آن تجاوز نکند. تجاوز از حد، عبارت است از همان مفهوم زشت و ننگین استبداد و استکبار. بزرگترین خطر برای انسان این است که دچار استبداد و استکبار شود. همه هم می‌توانند به این آفت مبتلا شوند.(۱۳۸۰/۹/۲۵)

انقطاع عامل انحطاط

برای یك مسؤول در دستگاه حکومتی انقطاع از واقعیّات و دوری از مردم، عامل انحطاط است.... البته انقطاع از مردم - که در تعبیر امیرالمؤمنین علیه‌السّلام احتجاب از مردم است؛ یعنی حجاب داشتن و با مردم هیچ مواجه نشدن چیز بسیار خطرناکی است.... به خاطر احتجاب از مردم، آگاهی انسان از همه چیز کم می‌شود.(۱۳۷۹/۱۲/۹)

بعضی از مشـــکلات ما ناشـــی از ضعف بعضی از مدیریّتهاست که به کارهای جزئی و فعّالیتهای سیاسی و حزبی سرگرم و مشغول می‌شوند. این‌قدر که من در این خصوص تأکید می‌کنم، بعضی کسان می‌گویند فلانی با حزب و تحزّب مخالف است؛ در صورتی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، اوّلین حزب را ما درست کردیم.(۱۳۸۰/۸/۱۲)

این ساعتها متعلق به مردم است

من یك وقت به بعضی از مسؤولان دولتی پیغام دادم و گفتم ساعاتی را که شما در جلسه حزبیِ خود صرف می‌کنید - البته نمی‌گویم پول و امکانات می‌گیرید - متعلّق به دولت و مردم است. شما حق ندارید آن را صرف مسائل حزبی و جناحی و گروهی و امثال اینها بکنید. یك مقدار ضعفهای ما ناشی از اینهاست؛ والّا ما مدیران خوبی داریم. (۱۳۸۰/۸/۱۲)

حرف دهان‌پرکن سیاسی بی‌محتوا

مبادا مسؤولان مثل بخشی از دوره‌های گذشته، سر خود را به مسائل سیاسی گرم کنند؛ با شعارهای پوچ سیاسی، خود و مردم را مشغول کنند و از واقعیات زندگیِ مردم دور بمانند. هم مردم مراقب باشند، هم نخبگان مراقب باشند، هم جریان‌ها و جناح‌های سیاسی و گروه‌ها مراقب باشند که با حرفهای دهان پُرکن سیاسیِ بی‌محتوا وقت این ملت را تلف نکنند.(۱۳۸۴/۲/۱۱)

کیسه پرکن‌های دولتی!

عناصری سوءاستفاده‌چی همیشه در گوشه و کنار وجود داشته‌اند. کسانی هم در بیرون از دستگاه‌های دولتی، از امکانات آنها برای پُرکردن کیسه‌های خود سوءاستفاده می‌کنند. باید به‌طور جدی با آنها مبارزه شود. البته مبارزه با آنها کار دشواری‌ست؛ چون پول دارند و به تبلیغات می‌پردازند و شایعه‌پراکنی می‌کنند. دشمنان داخل و خارج کشور هم سعی می‌کنند از حرکت‌های اصلاحی در کشور جلوگیری کنند. اراده و همت و عزم جازم مسئولان می‌تواند همه این موانع را از سر راه بردارد و ان‌شاءاللّه این‌طور خواهد شد. البته این کارها بلند مدت است. (۱۳۸۲/۱/۱)

سمینار بی‌فایده محض!

خیلی از بودجه‌هایی که در کشور هست، بودجه‌های اولویّت‌دار نیست. بسیاری از این سمینارها، گردهماییها و اجتماعها، بی‌فایده محض است. بنده به نظرم سال گذشته یا دو سال پیش بود که در همین‌جا گفتم این جلسه، سمینار واقعی است؛ هیچ خرجی هم ندارد. عدّه‌ای از دانشمندان و علما، دور هم جمع شده‌اید و لُبّ مطلب را در زمینه مسأله‌ی مهمّی از مسائل کشور - که مسأله آموزش عالی است - بیان می‌کنید. اگر آن مقداری که برای سمینارها - چه از لحاظ پول و چه از لحاظ وقت - هزینه می‌شود، فایده نداشته باشد - که خیلی از اوقات هم ندارد - باید کنار گذاشته شوند. خیلی از این مراکزی که بودجه‌های نسبتاً قابل توجّهی هم می‌گیرند، هیچ اولویّتی ندارند. همان بودجه‌ها بدون شك باید به بخشهای تحقیقات، انستیتو پاستور و بعضی جاهای دیگر سرازیر شود. این موضوع را دستگاههای دولتی باید دنبال کنند؛ بنده هم تأکید می‌کنم و ان‌شاءاللّه آن را مکتوب خواهم کرد.(۱۳۸۱/۸/۲۲)

ابزارهای دشمن در درون کشور و نظام ما عبارت است از فساد، تبعیض و فاصله طبقاتی. ما باید با اینها مبارزه کنیم.(۱۳۸۲/۳/۱۴)

اینگونه حسین(ع) به مذبح می‌رود

وقتی‌که معیارهای خدایی عوض شود، هر کس که دنیا طلب‌تراست، هر کس که شهوترانتراست،

هر کس که برای به دست آوردن منافع شخصی زرنگ‌تر است، هر کس که با صدق و راستی بیگانه‌تر است، بر سرِ کار می‌آید. آن وقت نتیجه این می‌شود که امثال عمربن‌سعد و شمر و عبیداللّه‌بن‌زیاد به ریاست می‌رسند و کسی مثل حسین‌بن‌علی علیه‌السّلام، به مذبح می‌رود، و در کربلا به شهادت می‌رسد! این، یك حساب دو دو تا چهارتاست. (۱۳۷۱/۴/۲۲)

هرجا مشکلی برای ما باقی مانده، به خاطر این است که خودباوری و اتّکای به خدا و باور ایمان و محبت مردم در آن‌جا ضعیف شده است. مسؤولان – چه در مجلس و چه در دولت – نباید بگذارند این باورها در بخشهای فرهنگی و اقتصادی ضعیف شود.(۱۳۷۹/۱۰/۱۹)

بی‌اخلاقی و کوته‌بینی، دو خطر سیاست

دو خطر هم سیاست را تهدید می‌کند: یکی این است که سیاست از اخلاق فاصله بگیرد و از معنویّت و فضیلت خالی شود؛ یعنی شیطنتها بر سیاست غلبه پیدا کند؛ هواهای نفسانی اشخاص، سیاست را قبضه کند؛ منافع طبقات زورگو و زرسالاران جوامع، سیاست را به دست گیرد و به این سمت و آن سمت بکشاند. اگر این آفت به سیاست خورد، آن‌گاه همه صحنه اجتماعی انسانها دچار عیب و آفت می‌شود. آفت دیگرِ سیاست این است که انسانهای کوته‌بین، کودك‌منش و ضعیف، سیاست را در دست گیرند و زمام سیاست از دستهای پُرقدرت خارج شود و به دست انسانهای بی‌کفایت بیفتد.(۱۳۸۰/۱۲/۱۲)

برویم سراغ سرمایه داری غرب!؟

اسممان حکومت علوی و حکومت اسلامی باشد، بعد برویم سراغ سرمایه‌داری غرب، سراغ حکومتی که سرمایه‌داران و کمپانی‌داران و زشت‌روترین ظالمان و ستمگران عالم آن را اداره می‌کنند؟! این درست است؟ این همان نفاق خواهد شد. پرچمی را با یك نامی بلند کنیم، آن وقت در زیر این پرچم سراغ چیزهای دیگر برویم!؟(۱۳۸۱/۶/۳۰)

فقر تحمیلی

فقر در جوامع بشری، یك امر تحمیلی است. فقر را قدرتهای ستمگر و زورگو و زیاده‌طلب عالم، بر افراد و بر ملتها تحمیل می‌کنند. اگر این قدرتها از میان بروند، چرا دعای «اللّهم اغن کلّ فقیر» مستجاب نشود؟! ممکن است چنین حاجتی برآورده شود(۱۳۷۳/۱۱/۲۸)

معنی تبعیض

تبعیض، یعنی به جای ملاحظه قابلیتها، به جای ملاحظه استحقاق، به جای ملاحظه خدا و قانون، ملاحظه رابطه‌ها بشود! نتیجه، این بشود که اگر به اهل یك روستا چند میلیون داده شود، زندگی یك

روستا متحوّل می‌گردد و آن روستا محروم نمی‌ماند؛ اما اشخاصی هم پیدا می‌شوند که میلیونها را صرف خواسته‌های حقیر و کوچك، صرف یك میهمانی، صرف یك کار تجمّلی، صرف یك کار غیرضروری - و احیاناً مضر - بکنند!(۱۳۷۹/۵/۳)

حدی برای تغییر دکوراسیون‌ها

اگر مبلغی از مخارج دولت، عبارت از تغییر دکوراسیون اتاق مدیر کل و معاون وزیر و وزیر و فلان مسؤول قضایی و فلان مسؤول در بخشهای گوناگون دیگر باشد، این جرم و خطاست. اگر یکی از مخارج دولت این باشد که فلان تعداد ماشین جدید بیاوریم و بین دستگاهها تقسیم بکنیم، ما حق نداریم این را جزو مخارج دولت حساب کنیم و به حساب آن از سوبسید مردم بزنیم. نه، این خلاف است. برای این کارها حد بگذارید. دستگاهها باید بخشنامه کنند و در مورد این تغییر دکوراسیونها و تغییر خانه‌ها و خرجهای اضافی حدی معین بکنند. من نمی‌گویم مثل بعضی از تندروها باشیم که می‌گویند در مسجد بنشینیم و وزارت کنیم؛ نه، در مسجد نمی‌شود. وزارت کردن، یك ساختمان و چهار تا اتاق و تعدادی مسؤول و یك‌مقدار هم بالاخره امکانات برای زندگی آن آقایی که می‌خواهد خدمت بکند، می‌خواهد؛ اما باید در حدی باشد...

چه اشکال امنیتی‌ای؟!

گاهی از جاهایی گزارشهای نومیدکننده‌یی می‌رسد و در برخی موارد انسان واقعاً عرق شرم بر پیشانیش می‌نشیند؛ رعایت کنید. سؤال می‌کنیم که چرا ماشین لوکس و نو و مدل بالا؟ می‌گویند که اشکال امنیتی داریم! چه اشکال امنیتی؟! آقایان مسؤول در شورای امنیت کشور یا جاهای دیگر، بنشینند معین کنند و مسأله را در جایی ببُرند؛ من هم اگر باید دخالت کنم، بگویید در جایی دخالت کنم. این چه وضعی است که همین‌طور بی‌حساب و کتاب جلوی هر وزارتخانه و اداره‌یی، دهها ماشین به رنگهای گوناگون متعلق به مسؤولانِ آن‌جا به چشم می‌خورد؟! چه کسی چنین چیزی را گفته است؟(۱۳۷۰/۵/۲۳)

ماده‌پرستی به اسم سازندگی

امروز عدّه‌ای به اسم سازندگی خودشان را غرق در پول و دنیا و مادّه‌پرستی می‌کنند. این سازندگی است؟! آنچه که جامعه ما را فاسد می‌کند، غرق‌شدن در شهوات است؛ از دست‌دادن روح تقوا و فداکاری است؛ یعنی همان روحیه‌ای که در بسیجیهاست.(۱۳۷۱/۴/۲۲)

مسؤولان سررشته دار امورند. از طرفی باید اجازه بدهند که کسانی از مجاری صحیح، تلاش اقتصادیِ سالم و قانونی بکنند - چون تولید ثروت در اسلام مذموم نیست - اما باید جلوِ استفاده از روشهای غیرقانونی، استفاده از راههای تقلّب و خدعه و مکر و سوءاستفاده از ثروتهای عمومی را بگیرند. اینها ممنوع است.(۱۳۷۹/۲/۱۴)

برخورداری بیش از حق، ممنوع

فاصله‌ها باید کم شـــود. پاره‌ای از این حقوقها، پاداشـــها و دریافتهایی که بعضی افراد دارند – که از بیت‌المال هم هســـت – اصلاً قابل توجیه و قابل فهم و قبول نیست. کسانی که از اموال دولتی و از بیت‌المال اســـتفاده می‌کنند، بایستی به‌قدر حقّ و ارزش کارشان برخوردار شوند. نمی‌شود که عدّه‌ای برخورداریهای زیاد داشته باشند. (۱۳۷۹/۲/۱۴)

بهانه برای تجمل‌بازی

بهانه برای تجمّل‌سازی، واقعاً مناسب نیست. به نظر من زرق و برق در زندگی شما وقتی به بیرون منعکس شـــود، آن اشکال دوم را دارد: فرهنگ می‌سازد و یك عدّه نوکیسه و تازه به دوران رسیده را به خرجها و تجمّل‌بازیِ زیادی تشویق می‌کند.(۱۳۸۰/۶/۵)

به‌به، شما چه‌قدر میهمان‌نوازید!

من در همین‌جا بگویم: یکی از چیزهایی که واقعاً اولویّت ندارد، برگزاری بعضی از سمینارهاســـت. امسال به نظرم ایران رکورد سمینار را شکست! هر روز در رادیو و تلویزیون خبر برگزاری سمیناری درباره فلان مسأله‌ای که چندان اهمیت ندارد، منعکس می‌شود. یك وقت هست که عدّه‌ای در این‌جا جمع می‌شوند تا تبادل‌نظر علمی کنند. در این سمینارها این‌طور نیست؛ باید پول هواپیما و هتلشان را بدهند؛ بعد که آنها به این‌جا می‌آیند، می‌گویند به‌به، شما ایرانیها چقدر میهمان‌نوازید؛ ما می‌خواهیم دو روز دیگر هم بمانیم! چنین چیزهایی در دنیا معمول نیست. به طور جدّی جلوِ اینها را بگیرید؛ مگر این‌که سمینار لازمی باشد که برای برگزاری آن، واقعاً یك نیاز حقیقی وجود داشته باشد.(۱۳۸۰/۶/۵)

فساد یعنی چه؟

امروز یکی از مهمترین مسائل ما، مبارزه با فساد است. این را باید همه مسؤولان کشور بفهمند. فساد یعنی چه؟ فساد یعنی این‌که کسانی با زرنگی، با قانوندانی، با زبان چرب و نرم و با چهره حق‌به‌جانب، به جان بیت‌المال این ملت بیفتند و کیسه‌های خود را پُر کنند. (۱۳۸۰/۱۰/۱۹)

باید اسراف نشود. هزینه کردن اعتبارات و پولهای کشور در جاهای غیرلازم و تشریفاتی و زیادی، حرام اســـت. امروز پرداختن به کارهایی که به جنبه‌های عملی زندگی مـــردم ارتباطی ندارد، یك کار مسرفانه است.(۱۳۸۱/۲/۱۱)

بدترین و بزرگترین فسادها

بدترین فســـادها در جامعه، رواج فقر و افزایش شکاف بین فقیر و غنی است. بدترین فسادها در

جامعه این است که کسانی دچار فساد مالی و اقتصادی شوند و از بیت‌المالِ مردم برای منافع شخصی و پُرکردن جیب خود تغذیه کنند. بزرگترین فسادها این است که در اجرا و اعمال قانون در جامعه تبعیض باشد و به شایستگیها و صلاحیتها و قابلیتهای افراد توجّه نشود. همان فقر و فساد و تبعیضی که بارها عرض کرده‌ایم، مردم تأیید کردند که مبارزه با اینها، همان اصلاحات واقعی است.(۱۳۸۱/۴/۲۶)

اسراف یعنی تکمیل ضربه دشمن

اسراف همان کاری را با کشور می‌کند که دشمن می‌خواهد! او از آن طرف به وسیله نفت، به‌وسیله تحریم اقتصادی و انواع و اقسام ضربه‌ها بر ملت ایران ضربه وارد می‌کند؛ از این طرف هم خودِ ما با اسراف و صرفه‌جویی نکردن، ضربه او را تکمیل می‌کنیم!(۱۳۷۱/۱/۱)

کسب اخلاقی قدرت

در اسلام، قدرت با اخلاق پیوسته است و قدرت عاری از اخلاق، یك قدرت ظالمانه و غاصبانه است. روشهایی که برای کسب قدرت و حفظ آن به کار گرفته می‌شود، باید روشهای اخلاقی باشد. در اسلام، کسب قدرت به هر قیمتی، وجود ندارد. این‌طور نیست که کسی یا جمعی حق داشته باشند به هر روش و وسیله‌ای متشبّث شـــوند، برای این که قدرت را به دست آورند - همان‌گونه که امروز در بسیاری از مناطق دنیا رایج است - نه۴ قدرتی که از این راه به دست آید و یا حفظ شود، قدرتِ نامشروع و ظالمانه است.(۱۳۷۹/۱۲/۲۶)

دور باطل قدرت و ثروت

زیان بزرگ فســـاد اقتصادی در دستگاههای دولتی این است که پول را در خدمت قدرت و قدرت را در خدمت پول به کار می‌گیرد و دور باطلی به وجود می‌آید. از قدرت و داشتن مسؤولیت و مدیریّت در بخشهای مختلف برای جمع‌آوری ثروت و پول سوءاستفاده شود؛ بعد همان پول مجدّداً در خدمتِ خریدن آراءِ رأی‌دهندگان قرار گیرد؛ حالا یا خریدن آشکار - که در خیلی جاها در دنیا معمول است پول بدهند - یا خریدن پنهان با شیوه‌های گوناگون؛ یعنی با خرج کردنهای گوناگون، جلب محبوبیّت کنند. وقتی با تبلیغات فریبنده پُرخرج، آراءِ مردم را به سمت خود جلب کنند، این مردم‌سالاری و دخالت مردم در امور نیست؛ رأی مردم در این‌جا بازیچه شده است.(۱۳۸۱/۷/۳۰)

در نظام اسلامی که مظهر کامل آن، حکومت حضرت بقیةاللّه ارواحنافداه است، فریب و حیله‌گری برای جلب آراء مردم، خودش جرم اســـت؛ استفاده از قدرت برای به‌دست آوردن پول، یکی از بزرگترین جرائم است. آن‌جا یاران حضرت مهدی موظّفند در سطوح پایین زندگی کنند.(۱۳۸۱/۷/۳۰)

صندوق‌های پول یا رأی؟

انتخابات در کشـــور ما معنای واقعی خود را دارد. در خیلی از کشورهای به اصطلاح دمکراتیک، انتخابات این‌طوری نیست؛ انتخابات تابع صندوق‌های پول قدرتمندان و ثروتمندان و خواست آنهاست. این که نامزدی از دل مردم حرکت کند – بدون این‌که به بخشهای قدرت متصل باشد – بتواند با مردم حرف بزند، آراء مردم را جلب کند، حزبی دنبال او نباشـــد، جریان‌های سیاسی دنبال او نباشند، مردم خودشان فکر کنند و انتخاب کنند، در کمتر جایی از دنیا دیده می‌شود؛ این متعلق به شما مردم است؛ این یك نو شدن است؛ یك روز نو و یك افق جدید است.(۱۳۸۴/۵/۲۸)

فساد خنثی میکند

از هر طرف می‌رویم، می‌بینیم اگر با فساد مبارزه نشود، همه‌ی کارها لنگ خواهد ماند. این همه کار خوب دارد در کشور انجام می‌گیرد – کارهایی که انجام گرفته، کم نیست – اما وجود فساد، بعضی از آنها را خنثی می‌کند.(۱۳۸۳/۳/۱۷)

رونق اقتصادی همراه عدالت اجتماعی

مـــا در جامعه فقط رونق اقتصادی را نمی‌خواهیم. ما رونق اقتصادیِ همراه با عدالت اجتماعی را می‌خواهیم. البته نمی‌گوییم عدالت اجتماعی باشد، اما رونق اقتصادی نباشد؛ چون در آن‌جایی که هیچ رونق اقتصادی نیست، عدالت اجتماعی عامل چندان مهمی نیست و در عین حال جامعه به رفاه و به برخورداریِ لازم نخواهد رسید. اگر عدل اجتماعی همراه با پیشرفت اقتصادی باشد، جامعه شکوفا خواهد شد. نمی‌شود که ما عدالت اجتماعی را رعایت نکنیم.(۱۳۷۹/۲/۱۴)

وقتی می‌گوییم فاســـد شـــدن دستگاه از درون، یعنی این. یعنی افرادی در جامعه پیدا شوند که بتدریج بیماری اخلاقی مســـری خود – دنیازدگی و شـــهوت‌زدگی – را که متأسفانه مهلك هم هست، همین‌طور به جامعه منتقل کنند.(۱۳۷۱/۱۱/۶)

این به نفع زرنگها و گردن کلفتهاست

اگر جهتگیریِ عدالت اجتماعی در کشـــور ضعیف شود، هر کاری در کشور انجام گیرد، به زیان طبقات ضعیف و عامّه مردم و به سود یك عدّه معدود زرنگها و گردن کلفتها و دست‌وپادارها و قانوندانهای قانون‌شکن که راههای قانون را بلدند و قانون‌شکنی را هم می‌دانند، تمام خواهد شد.(۱۳۷۶/۴/۲۵)

عدالت اجتماعی، اساس است

عدّه‌ای فقط به خود فکر می‌کنند. اینها کسانی هستند که نه به قشر مظلوم و مستضعف، نه به فقرا و

نه به آینده کشور فکر نمی‌کنند و فقط به جیب خودشان، به زندگی شخصی خودشان و به گردآوری هرچه بیشترِ ثروت می‌اندیشند. دستگاههای مسؤول نباید اجازه دهند که اینها مرتّب فاصله‌ها و شکافها را بیشتر کنند. عدالت اجتماعی، اساس است. اگر رونق اقتصادی در کشور باشد، اما عدل اجتماعی نباشد، این رونق اقتصادی به درد فقرا و مستضعفان نخواهد خورد و محرومیت را برطرف نخواهد کرد.(۱۳۷۹/۲/۱۴)

تحقیر از این بالاتر؟!

امروز در بعضی از گفته‌ها و اظهارات، راجع به شأن و شخصیّت و شرف و کرامت انسان در جامعه حرف زده می‌شـــود. این بلاشك از اصول اسلامی اســـت؛ اما کدام نقض کرامت انسانی بالاتر از این که انسانی، رئیس عائله‌ای، پدر خانواده‌ای، در جامعه‌ای که در آن همه‌چیز هم هست، نتواند اوّلیات زندگی فرزندان خودش را تأمین کند؟! کدام تحقیر از این بالاتر است؟! کدام نقض شخصیّت و شرف و کرامت انسانی از این بالاتر است؟! صبح تا شب کار کند، آخرش به من یا به شما یا به آن مسؤول دیگر نامه بنویسد که من دو ماه است به خانه‌ام گوشت نبرده‌ام!(۱۳۷۹/۳/۲۹)

فاصله انداختن بین فقیر و غنی، بین اشراف و غیراشراف، و امتیاز دادن به یك قشر خاص، با نظام جمهوری اسلامی سازگار نیست. هر بخشی از نظام جمهوری اسلامی در هر نقطه‌یی از نقاط اگر به یکی از این آفت‌ها مبتلا شود، از صراط مستقیم جمهوری اسلامی و نظام اسلامی خارج شده و باید اصلاح شود.(۱۳۸۴/۲/۱۷)

اصلا از راه صحیح امکان ندارد

اگر کســـی از راه صحیح می‌تواند ثروت جمع کند، هیچ‌کس به او اعتراضی ندارد؛ منتها این‌که کسانی باسرعت به ثروتهای کذایی می‌رسند، اصلاً از راه صحیح و جز با تقلّب و روشهای ممنوع و حرام امکان ندارد. منابع کشـــور محدود است. لازمه انباشته شدن ثروت حرام در یك‌جا، گود افتادن و خالی شدن کیسه عدّه‌ای دیگر در کنار آن است؛ همین‌که امیرالمؤمنین فرمود:«ما رأیت نعمة موفورة الّا و فی جانبها حقّ مضیّع(۱)». اصلاً تمام تلاش ما این است که این موضوع نباشد. تکیه ما روی مبارزه با مفاسد اقتصادی و قاچاق برای همین است. روی این خیلی کار تبلیغاتی نشده و نمی‌خواستیم هم بشود. بنده در یکی دو سال اخیر تلاش مفصّلی را برای وادار کردن دستگاهها - چه قضایی، چه اجرایی - به مبارزه با قاچاق شروع کرده‌ام. قاچاق، پدیده عجیبی است و همین مفاسد از آن در می‌آید.(۱۳۸۲/۲/۲۲)

اژدهای هفت سر فساد مالی

واقعاً اژدهای هفت سرِ فساد مالی چیزی نیست که به این آسانیها بشود آن را ریشه‌کن کرد. آنچه من دریافته‌ام، این است: «گفت اژدرهاست او کی خفته است/از پی بی‌آلتی افسرده است» تصوّر نکنید

کسانی که از مصادره زمینهای ملی و از قانون‌شکنی به سرمایه‌های بی‌حساب دست یافته‌اند و جریانهای مالی را با ویژه‌خواریهای خود به سمت جیبهایشان سرازیر کرده‌اند، الان که شما سرِ کار آمده‌اید، آرام بنشینند و دست از پا خطا نکنند؛ نخیر، اینها توطئه خواهند کرد؛ از نقاط ضعف استفاده خواهند کرد؛ نقاط ضعفی خواهند آفرید تا از آنها استفاده کنند. باید مراقب اینها باشید.(۱۳۸۲/۹/۱۷)

نتیجه نگاه غیر عدالت‌محور

- وقتی دنبال تولید ثروت رفتن از نگاه عدالت محور جدا باشد، به این جاها می‌رسد که در جامعه‌یی، کسانی که زرنگ‌تر و باهوش‌ترند، یکشبه به ثروتهای کلان و انبوه می‌رسند؛ کسانی هم که خودشان خانواده‌ی ثروتند؛ اکثریتی هم هستند که در زندگی‌های معمولی همراه با حسرت، و تعدادی هم در زندگی‌های بسیار سخت و دشوار به‌سر می‌برند.(۱۳۸۴/۶/۸)
- گر مدیری خدای نخواسته فاسد شد، دیگر نمی‌تواند به مردم خدمت کند و برای آنها مفید باشد. پس اوّل باید کارآمدی نظام را نشان داد.(۱۳۸۱/۱/۱)

بالاخره مردم می‌مفهمند

- شما مأمور جمهوری اسلامی – از استاندار تا فرماندار، تا مدیران کلِ بخشهای مختلف، تا رؤسای ادارات، تا کارمندان – چه در بخش اجرایی، چه در بخش قضایی و چه در نیروهای مسلح، وضعتان این‌طوری است؛ اگر خدای نکرده تخطی کنید، از وظیفه سر باز بزنید و عملی از شما سر بزند که شایسته‌ی یك مأمور نیست، بدانید مردم می‌فهمند. نباید اشتباه کنیم و خیال کنیم اگر صورت‌سازی کردیم، مردم نمی‌فهمند؛ نه، مردم بالاخره می‌فهمند؛ ولو برای گذران کار به رو نیاورند، یا به این دلیل که ببینند فایده‌یی ندارد، حرفی نزنند؛ اما حس می‌کنند. این حس آنها، گله و شکوه‌ی از شخص شما نیست؛ بلکه از نظام است؛ بلکه از اسلام است؛ و از بسیاری از خدمتگزارانی است که در این نظام دارند با صفا و خلوص کار می‌کنند و باید از آنها ممنون بود؛ اما کاری که خدای نکرده منِ نوعی در هر رده‌یی از رده‌های کار اجرایی یا قضایی یا دیگر رده‌ها انجام دهم که خطا باشد، همه‌ی این زحمات را دچار اشکال می‌کند.(۱۳۸۳/۴/۱۹)

تکامل انسان در گرو نظام عادلانه

- وقتی نظام اجتماعی، غلط و ظالمانه است و براساس صحیحی استوار نیست؛ وقتی انسانها از حکومت سالم، قانون درست و رجال مؤمن و دلسوز برخوردار نباشند، در چنین شرایطی انسان نمی‌تواند به تکامل برسد.(۱۳۷۱/۱/۱۵)

چگونه جامعه پوک میشود؟

طبیعی اســت که وقتی عدالت نباشد، وقتی عبودیّت خدا نباشد، جامعه پوك می‌شود؛ آن وقت ذهنها هم خراب می‌شــود... اگر مراقبت نباشد، آن وقت جامعه همین‌طور بتدریج از ارزشها تهیدست می‌شود و به نقطه‌ای می‌رسد که فقط یك پوسته ظاهری باقی می‌ماند. ناگهان یك امتحان بزرگ پیش می‌آید – امتحان قیام ابی‌عبداللّه – آن وقت این جامعه در این امتحان مردود می‌شود!(۷۷/۲/۱۸)

اگر عدالت نباشد، هیچ چیز نیست حتی آزادی امریکایی

اگر عدالت نباشد، هیچ چیز در جامعه نیست. در یك جامعه آزاد – حتّی آزاد به همان سبك امریکایی – اگر عدالت نباشد – که در آن‌جاها نیست و همان آزادی هم به نفع یك طبقه و علیه یك طبقه خواهد بود – چند نفر سفیدپوست یك نفر سیاه‌پوستِ معلول را از روی ویلچر برمی‌دارند و به اتومبیل خودشان می‌بندند، به بیابانها می‌برند و روی زمین می‌کِشند! بالاخره آزادی است دیگر!(۱۳۷۷/۴/۷)

علت روسیاهی بشریت

بشریت بعد از امیرالمؤمنین علیه‌السلام، تا امروز، به سبب نگرفتن گریبان ستمکاران، بدبخت و روسیاه شد. اگر دستهای با ایمان، گریبان ظالمان و ستمکاران را می‌گرفتند، ظلم در دنیا این‌قدر پیش نمی‌رفت؛ بلکه از بن برمی‌افتاد.(۱۳۷۲/۱۲/۱۳)

ما می‌دانیم اگر با این پدیده [فساد] مبارزه نشود، فساد نهادینه و ریشه‌دار می‌شود و در آن صورت قلع و قمعش مشکل می‌گردد.(۸۱/۱/۹)

توفان نارضایتی مردم اینها را درمی‌نوردد

جاهایی اســت که اگر اقدامی را در زمینه صنعت، در زمینه مســائل اقتصادی، در زمینه مسائل پولی، در زمینه مسائل فرهنگی و در زمینه مسائل گوناگون انجام دهیم، به نفع مردم است؛ اما گروههای خاصّی در جامعه هستند – گروههای پولی، مالی، اقتصادی، ثروتمندان، گروههای فرهنگی و گروههای سیاســی – که اینها متضرّر خواهند شد. این، آن نقطه حسّاس است. آن صراط مستقیم، این‌جا معلوم می‌شود. این، جای همان فرمایش امیرالمؤمنین علیه‌الصّلاة‌والسّلام است که «فانّ سخط العامة، یجحف برضی الخاصة»(نهج‌البلاغه: نامه ۵۳). یعنی اگر یك وقت مردم خشمگین بودند، خشنودی گروههای خواص به‌کل نابود خواهد شد و بر باد خواهد رفت. سخط و خشم عمومی، خشنودی گروههای خاص را پایمال خواهد کرد. گیرم که چند صباحی، ما در فلان سیاستی که اعمال کردیم و فلان کاری که اجرا نمودیــم، چهار نفر از گروههای خاص یا گروههای پولی و مالی را هم از خودمان راضی کردیم؛ اما اگر

خدای ناکرده با این کار، مردم را ناراضی کرده باشیم، این نارضایی مردم مثل توفانی می‌آید و همه اینها را در می‌نوردد.(۱۳۷۶/۶/۲)

- اگر مسؤولانی در کشور برای عدالت اجتماعی، برای نفی فقر در جامعه و برای کم کردن شکاف میان طبقات فقیر و غنی کار نکنند، از چشم مردم خواهند افتاد و مردم آنها را به عنوان مسؤولانی که مورد علاقه و قبول آنها باشند، طبعاً نمی‌پذیرند. (۱۳۷۹/۲/۱)
- [امیرالمؤمنین (ع)] می‌فرماید: «فانّ سخط العامة یجحف برضی الخاصة»؛(تحف‌العقول، ۱۲۸) اگر دل صاحبان ثروت و قدرت را به دست آوردید و مردم را ناراضی کردید، نارضایتی مردم این گروههای خشنودشده خواص - یعنی صاحبان ثروت و قدرت - را مثل سیلابی خواهد برد.(۱۳۷۹/۹/۱۲)

امنیت برای همه نه فقط مرفهین

- عدالت که نباشد، امنیت هم در خدمت طبقه مرفّه و برخوردار و سوءاستفاده‌چی است. اگر عدالت نباشد، همه خیرات به یك طرف می‌رود. من پارسال به شما عزیزان عرض کردم که هشت سال دوران سازندگی را گذراندیم که از بهترین و پرکارترین دورانهای ما بوده است. خیلی تلاش شده است، خیلی زحمت کشیده شده است؛ اما خاصیت دوران بازسازی این است که پول در جامعه زیاد است. زرنگترها، بی‌ملاحظه‌ترها، بی‌قانون‌ترها، بی‌خداترها، کسانی که دلشان به خون امثال شهدای هفتم تیر نمی‌تپد، در چنین شرایطی سوءاستفاده می‌کنند. کسانی که بارها بر دوش آنهاست، سرشان بی‌کلاه می‌ماند؛ یعنی اکثریت کشور، یعنی طبقه مستضعفین، یعنی پابرهنه‌ها، یعنی کسانی که بار تورّم بر روی دوش آنهاست و گرانیها بر آنها فشار می‌آورد؛ یعنی طبقه کارمند، طبقه کارگر، کسبه ضعیف، قضات پاکدامن، قاضی‌ای که در سنین نزدیك به بازنشستگی باید چند کیلو پرونده را زیر بغل بگذارد، به خانه ببرد و فصل تابستان در یك اتاق گرم بنشیند، ساعتها بررسی کند. برای این که درآمدی در مقابل آن داشته باشد! فشارها روی اینهاست؛ اینها عقب می‌مانند. این خلاف عدالت است. ما برای این نیامده‌ایم..(۱۳۷۷/۴/۷)
- فســـاد در دستگاههای اقتصادی و حکومتی موجب می‌شود منابع ثروت متعلّق به مردم از بین برود.(۱۳۸۲/۷/۲۱)

چگونه کعب الاحبار می‌آید؟!

- طبیعی اســـت که وقتی عدالت نباشد، وقتی عبودیّت خدا نباشد، جامعه پوك می‌شود؛ آن وقت ذهنها هم خراب می‌شود. یعنی در آن جامعه‌ای که مسأله ثروت‌اندوزی و گرایش به مال دنیا و دل بستن به حُطام دنیا به این‌جاها می‌رسد، در آن جامعه کسی هم که برای مردم معارف می‌گوید «کعب الاحبار» است.(۱۳۷۷/۲/۱۸)

معیشت نباشد، دین نیست

مسأله معیشت قطعاً در اولویّت اوّل است. معیشت که نبود، دین هم نیست؛ اخلاق هم نیست؛ حفظ عصمت و عفت هم نیست؛ امید هم نیست.(۱۳۷۷/۳/۲۹)

فقر به فساد میکشاند

با فقر شـــخصی افراد و با کمبود مناشی درآمد و هم با فقر عمومی. انسانی که امکان زندگی در حدّ نیاز و ضروری را ندارد، مصداق حدیثی اســـت که از قول پیامبر نقل شـــده است که «کاد الفقر ان یکون کفرا»!(امالی صدوق: ۲۴۳) فقر، انسان را به فساد، به خیانت و به بسیاری از راهها می‌کشاند. البته انسانهای مؤمن، همیشه مقاومت می‌کنند؛ این مجوّزی نیست برای این‌که افرادی بخواهند به این بهانه از مسیر صحیح، منحرف شوند. اما فقر، این خطر را دارد.(۱۳۷۹/۵/۳)

مشکل یک جرثومه فساد

این‌که من هشـــدار دادم و از مســـؤولان درخواست کردم که با فساد مالی مبارزه کنند، به خاطر همین اســـت. کسی که دچار فساد مالی می‌شود، مشکل او فقط این نیست که مال مردم را می‌خورد و بالا می‌کشـــد؛ مشکل این است که یك جرثومه فساد، هر چیزی که در مقابل او بایستد، می‌خواهد با آن مبارزه کند و از همه نیروی خود برای برداشتن این مانع بهره بگیرد. حال این مانع اگر شرع باشد، با شرع می‌جنگد؛ اگر قانون اساسی باشد، با قانون اساسی می‌جنگد؛ اگر قوانین عادّی باشد، با قوانین عادّی می‌جنگد.(۱۳۸۰/۹/۲۵)

نقش فساد در نابودی دست‌آوردها

این‌که دیشب خطاب به رؤسای محترم سه قوّه آن تذکّرات را دادم، به خاطر این است که من نقش فساد را در نابود کردن همه دستاوردها، نقش بسیار خطرناکی می‌بینم. در هر جایی که نابسامانی وجود دارد، یکی از محتملهای بسیار بالا وجود فساد است. البته ممکن است در جایی بی‌تدبیری و سوء مدیریّت باشد؛ اما یکی از محتملاتی که به‌هیچ‌وجه قابل اغماض نیست، وجود فساد است.(۱۳۸۰/۲/۱۱)

اگر در جامعه‌ای پول و ثروت باشد، اما بد خرج شود، بدتر از این است که ثروت نباشد؛ چون هم محرومیتها به جای خود باقی خواهد ماند، هم عدّه‌ای با آن ثروتهای ناصحیح به‌دست‌آمده ناحق و توأم با فساد، فساد را به وجود می‌آورند. تهیدست بودن قشرهایی از جامعه، خودش فسادآور است – فساد و اعتیاد و هرزگیهای گوناگون بر اثر فقر پیش می‌آیند – ثروتمند شدن عدّه‌ای از راه فساد هم خودش باز مرداب فساد دیگری زیر پای مردم است؛ لذا با فساد باید مبارزه شود.(۱۳۸۰/۲/۲۸)

مقدمه دیگر فسادها

وقتی پول و لقمه حرام در بین مردم و نخبگان و زبدگان رایج شد، گناه رایج می‌شود؛ «امرنا مترفیها ففسقوا فیها(اسراء: ۱۶)». وارد شدن در میدان فساد مالی، مقدّمه ورود به میدان فساد اخلاقی و فساد جنسی و فساد شهوانی و انواع و اقسام فسادهاست.(۸۰/۱۰/۱۹)

ضربه فساد اقتصادی جبران نمیشود

این‌که ما اصرار می‌کنیم باید با فساد و سوء استفاده مالی و اقتصادی با جدّیت برخورد شود، به خاطر همین است؛ چون اگر دستهای سودجو بتوانند فساد اقتصادی را در میان مسؤولان رایج کنند، ضربه‌ای به کشور می‌خورد که با هیچ چیز جبران نمی‌شود.(۱۳۸۰/۱۱/۳)

همانند ترک در کف استخر

شما که مدیر هستید، شما که مسؤول هستید، شما که یك مجموعه به دستتان سپرده شده است، با بروز فساد در زیرمجموعه‌ی خود به‌طور جدی مقابله کنید و حساسیت نشان دهید؛ بدون این، کار پیش نخواهد رفت و اوضاع بسامان نخواهد شد. من برای دوستان و مسؤولان بالای کشور مثال زدم و گفتم چند حلقه چاه عمیق با لوله‌های قطورِ چند اینچی زده‌اید و دارید مرتب به استخری آب می‌ریزید، اما پُر نمی‌شود؛ بعد وقتی دقت می‌کنید، می‌بینید چند شکاف عمیق در بدنه و کف استخر وجود دارد که هر چه شما از این‌جا آب می‌ریزید، از آن‌جا بیرون می‌رود. فساد، این‌طوری است. این همه کار و تلاش دارد انجام می‌گیرد – امروز در سطح مسؤولان، اندازه و حجم کار و تلاش دلسوزانه‌یی که دارد انجام می‌گیرد، خیلی بالاست – در عین حال هنوز می‌بینیم بعضی از بخشها دچار مشکلات جدی است. باید ببینیم این زخم در کجاست؛ این ترك در بدنه یا کف استخر در کجاست. با فساد باید مبارزه کرد.(۱۳۸۳/۴/۱۹)

مفسدان پایگاه دشمن خارجی

وقتی مدیران و مردمی فاسد شدند، به پایگاه دشمن خارجی تبدیل می‌شوند. دشمن خارجی از آدمهای فاسد، برای اهداف سیاسی خود در کشور، خوب استفاده می‌کند.(۱۳۸۰/۱۰/۱۹)

قضیه عکس است

کسانی که می‌خواهند با پول خود در کشور فعّالیت اقتصادی کنند – کارخانه تأسیس کنند، مزرعه راه بیندازند و تولید کنند – وقتی دیدند از راههای نامشروع می‌شود این همه ثروت به دست آورد، آنها هم تشویق می‌شوند که بروند کار نامشروع کنند. عدّه‌ای می‌گویند مبارزه با مفاسد اقتصادی موجب می‌شود که سرمایه‌دار، سرمایه‌گذاری نکند؛ اما من می‌گویم قضیه عکس است؛ اگر با فساد اقتصادی مبارزه نشود،

هر سرمایه‌داری وسوسه و تشویق می‌شود که به جای وارد شدن به کار پُردردسر تولید و مقدّمات آن و راههای طولانی دیگر، برود مشـــغول بند و بست و کارهای فساد انگیز شود. یك فاسد، دیگران را هم به فساد می‌کشاند و تشویق می‌کند.(۱۳۸۰/۱۰/۱۹)

فساد بیشتر، سرمایه‌گذاری کمتر

بعضی می‌گویند مبارزه با فاسد و مفسد موجب می‌شود در کشور سرمایه‌گذاریهای مالی صورت نگیرد. این حرف، غلط و از لحاظ علمی رد شده است. کسانی که متخصّص این کارها هستند و دانش این کارها را دارند، می‌دانند و می‌گویند اگر در یك کشور فساد وجود داشته باشد، نسبت سرمایه‌گذاری در آن کشور پایین می‌آید. اینها ثابت شده است. هر چه فساد بیشتر باشد، نسبت سرمایه‌گذاری کمتر می‌شود؛ اما هر چه فساد کمتر باشد، نسبت سرمایه‌گذاری رشد پیدا می‌کند.(۱۳۸۰/۱۱/۳)

نقش و جایگاه جوانان و دانشجویان

دفع ظلم و زورگویی خصوصیت جوان

[یکی از خصوصیات مهم جوان این اســت] که در مقابل مظاهری که ازنظر فطرت انســانی زشــت اســت - مثل ظلم، زورگویی، تبعیض، بی‌عدالتی، تقلّب، دورویی و نفاق - حسّاسیت منفی دارد و آن را دفع می‌کند. یك وقت در اوّل انقلاب، همین گروه منافقین، با استفاده از فرصت انقلاب توانســت در میان جوانان و دانشجویان نفوذی پیدا کند؛ اما وقتی معلوم شد که اعضای این گروه، منافقند، غالباً روی برگرداندند.(۱۳۷۸/۹/۱)

دانشجو باید حمایت کند

وقتی مسأله عدالت اجتماعی در کشور مطرح میشود، دانشجو باید از این مسأله حمایت کند. (۱۳۷۸/۹/۱)

جوان عدالتخواه و آزادیخواه

از جوانان این انتظار وجود دارد که عدالتخواهی را از یاد نبرند. آزادی را با همان مفهوم بسیار والای اسلامی - چه آزادی فردی، چه آزادی اجتماعی و سیاسی، چه آزادی معنوی و روحی - جزو خواســتهای همیشگی خود بدانند و از یاد نبرند. مبارزه با فقر و ایجاد رفاه عمومی را جزو مطالبات خود بدانند.(۱۳۸۰/۸/۱۲)

مشغله عمده اینهاست، تسلیم نشوید

تســلیم اختلافاتی که بین بعضی از مسؤولان وجود دارد و متأسفانه بعضی از مطبوعات هم به آن دامن می‌زنند، نشــوید... آیا باید روزنامه‌ها و افراد سیاســی‌کار این را به مشغله عمده ذهنی جوانان تبدیل کنند؟! شما تسلیم نشوید و این چیزها را مشغله عمده خود ندانید. مشغله عمده‌ای که باید جوان را به خود متوجّه کند، همینهایی اســت که گفتم: عدالت‌طلبی، حفظ نظام اسلامی، دشمن‌شناســی، اهمیت دادن به استقلال کشــور، اهمیت دادن به پیوند و ارتباط بین مسؤولان و مردم. البته چیزهایی هم هســت که مخصوص جوانان عزیز ماست؛ بخصوص جوانانی که مشغول تحصیل علم هستند؛ و آن پرداختن به خود است.(۱۳۸۰/۸/۱۲)

طبیعت عدالت‌طلب جوان

امروز نظام اسلامی در مقابل زیاده‌طلبی و فزون‌خواهی و سلطه‌طلبیِ مستکبرترین مستکبران

عالم ایســـتاده است. جوان، طبیعتش عدالت‌طلبی و میل به اجرا و تحقّق آرمانهاست. هر جوانی به طور طبیعی موضعش در کنار موضع نظام اســـلامی است - چه جوانان داخل کشور خودمان، چه جوانان کشورهای دیگر - کمااین‌که می‌بینیم همین‌طور هم هست.(۱۳۸۱/۹/۱)

مسأله نهضت عدالتخواهی که من خطاب به دانشجویان آن را گفتم. البته من می‌دانم علاقه به این حرکتها و نهضتهای اجتماعی در بین دانشـــجویان و کلاً جوانان زیاد است و سؤالهایی هم در این زمینه دارند.(۱۳۸۲/۲/۲۲)

بسیج افکار عمومی در نفی فقر، و فساد و تبعیض

وقتی انسان می‌بیند دشمن چه می‌خواهد بکند، می‌فهمد که باید در داخل چه‌کار کند. البته در دو ســـه ســـال قبل از این، در قالب نفی فقر و فساد و تبعیض، بسیاری از این حرفها مطرح بود. در سیاســـتهای کلان نظام هم که رهبری باید به دولت اعلام کند و مجلس بر اســـاس آن سیاستها مقرّرات و قوانین را بگذراند - هم در سیاســـتهای برنامه ســـوم و هم در سیاستهای برنامه دوم که مربوط به هفت هشـــت ســـال قبل از این بود - همه این مطالبِ کلّی لحاظ شد؛ لیکن بسیج کردن و متوجّه کردن افکار عمومی، بخصوص جوانان به اهمیت بعضی از این ســـرفصلها، ایجاب می‌کند که هر کدام از اینها به تنهایی مورد توجّه قرار گیرد و دنبال شـــود. البته خیلی از این شعارها وقتی مطرح شـــد، از سوی بعضی از بخشـــهای جامعه مورد بی‌توجّهی قرار گرفت؛ لیکن وجدانهای پاك، بخصوص جوانان در محیطهای جوانی، احســـاس کردند که این شـــعارها مورد علاقه آنهاست. در محیط دانشـــجویی، شـــوق به علم، عدالت و آزادی وجود دارد؛ اینها شوقهای اصلی در محیطهای علمی است.(۱۳۸۲/۲/۲۲)

آرمانهای دانشجویی

من می‌خواهم غالب یا بیش از غالب بدنه دانشـــجویی کشـــور، مجموعه‌ای متعهّد و دارای احساس مسؤولیت نسبت به آرمانهای دانشجویی باشند. یکی از این آرمانها مسأله علم است؛ دومی عدالتخواهی است و آرمان سوم، آزاداندیشی و آزادیخواهی است.(۱۳۸۲/۸/۱۵)

چگونگی جمع آرمانخواهی و مصلحت‌اندیشی

یکی از دانشجویان عزیز مطرح کردند که «شما می‌گویید دانشجویان مصلحت‌اندیش نباشند. حالا ما آرمانگرا، پس چرا گاهی اوقات بعضی از دستگاههای اجرایی مصلحت‌اندیشی می‌کنند؛ این دو چگونه قابل جمع هســـتند؟» من این نکته را بگویم که مصلحت‌اندیشـــی بد، منفی و ضدّارزش نیست. مصلحت‌اندیشی یعنی دنبال مسأله‌ای که مصلحت است، رفتن. این‌که موضوع بدی نیست.

این را بدانید که دستگاه اجرایی کشور در تعامل بسیار دشوار خود در دنیا، بر سر دوراهیهایی قرار می‌گیرد که مجبور می‌شود مصالحی را در نظر بگیرد؛ چون اداره کشور و کار اجرایی، کار خیلی سختی است. مثال آن، این است که وقتی کسی از پای تلویزیون کوهنوردی را می‌بیند که با زحمت و قدم به قدم جلو می‌رود، با خودش می‌گوید: یك ذرّه زودتر و تندتر قدم بردار تنبل! او پای تلویزیون نشسته، در آن ارتفاع چندهزار متری و در آن وضعیت قرار ندارد که ببیند این کار چقدر عملی است. همین مثال بر کسی که مسابقه کشتی یا فوتبال را از تلویزیون می‌بیند، صدق می‌کند. حتماً دیده‌اید که گاهی اوقات بعضی از تماشاگران فوتبال، دائم به بازیکنها و تیمهای مورد علاقه خود دستور می‌دهند: تنبل بزن! شوت کن! به هرحال، کار اداره کشور کار سختی است و البته مصلحت، هیچ اشکالی هم ندارد؛ ما به آنها ایراد نمی‌گیریم. البته حواسمان هم جمع است که آنها همیشه غرق در مصلحت نشوند و بنده با توجه به مسؤولیتم به این موضوع توجّه می‌کنم.(۱۳۸۲/۸/۱۵)

برآیند آرمانگرایی با مصلحتها

اگر شما جوانان نگاه به قلّه‌های آرمانی را کنار بگذارید، برآیندِ غلطی به‌وجود خواهد آمد. برآیندِ آرمانگرایی شما و چالش مسؤولان با مصلحتها، برآیند معتدل و مطلوبی خواهد شد؛ اما اگر شما هم دنبال مصلحت‌گرایی رفتید و گرایش مصلحت‌اندیشانه - یعنی صددرصد با واقعیتها کنار آمدن - وارد محیط فکری و روحی دانشجو و جوان شد، آن‌وقت همه چیز به‌هم می‌ریزد و بعضی آرمانها از ریشه قطع و گم خواهد شد. دانشجویان نباید آرمان‌گرایی را رها کنند. توقّع من از شما عزیزان این است که پایه‌های معرفتی خودتان را در همه زمینه‌ها عمیق و مستحکم کنید.(۱۳۸۲/۸/۱۵)

بدون آرمان نمی‌شود

مسأله‌ی [مهم]، شکل دادن به یك آرمان سیاسی است که بتواند به فعالیت‌ها و تلاش‌های جوان جهت بدهد؛ چون بدون آرمان، نه می‌شود درست زندگی کرد و نه تلاش انسان، منضبط خواهد بود. باید آرمان و خط روشن و افق واضحی در مقابل وجود داشته باشد که به انسان جهت بدهد. این آرمان چیست؟ من از این‌جا شروع کنم که جوان در ایران اسلامیِ کنونی ما - شاید در جاهای دیگر هم همین‌طور باشد؛ من نمی‌توانم از لحاظ علمی اظهارنظری بکنم؛ اما آن چیزی که به تجربه و شناخت از نزدیك به آن رسیده‌ام، در مورد جوان ایرانیِ کنونی ماست - آرزوهایش خلاصه نمی‌شود در پیدا کردن خانه و همسر و شغل؛ این، همه‌ی آرزوهای یك جوان نیست. البته اینها نیازهای یك جوان است و دوست دارد تأمین شود؛ اما فراتر از

این، آرزوهـــای بزرگتری هم به‌طور طبیعی در جوان ما وجود دارد؛ بخشـــی مربوط به طبیعت جوانی اســـت - که آرمانگرایی در آن وجود دارد - بخشـــی مربوط به آرزوهایی اســـت که نظام جمهوری اســـلامی برای ملت و آینده‌ی ما ترســـیم کرده؛ برخی شاید بر اثر پیشرفت‌هایی است که تاکنون با تجربه به دســـت آمده؛ برخی هم بر اثر ناکامی‌هایی اســـت که وجود دارد. جوان ما وقتی تبعیض را در جامعه می‌بیند، آرزوی عدالت اجتماعی در دل او شـــعله می‌کشـــد. جوان ما وقتی فســـاد را در بخشی از دســـتگاه‌های مجموعه‌ی نظام مشاهده می‌کند، میل به مبارزه‌ی با فســـاد و آرمانِ ریشه‌کنی فساد در درون او شکل می‌گیرد و او را به حرکت وادار می‌کند. به این دلایل، کمال‌جویی و آرمان‌خواهی در جوانان ایران اسلامی ما وجود دارد. جوان چه می‌خواهد؟ جوان ما مایل اســـت در کشوری که خانه‌ی اوست، فقر و عقب‌افتادگی و بدبختی نباشد؛ امنیت و عزت و افتخار وجود داشـــته باشد؛ صفا و محبت و روشـــن‌بینی بر فضای زندگی حاکم باشد؛ میدان کار و تلاش و پیشـــرفت در برابر او باز باشد؛ احساس پوچی نکند؛ هدف روحی و معنوی و والایی که در دل هر انســـانی هست، بتواند آن را اشباع کند. این یك ترسیم کلی از آرمان‌هایی اســـت که قاعدتاً یك جوان ایرانی دارد. این چیزهایی که عرض کردم، مجموعاً در اصطلاح قرآنی حیات طیبه است؛ «فلنحیینّه حیاة طیّبه». حیات طیبه یعنی زندگی در رویه‌ی مادی و نیازهای جســـمانی و همچنین در لایه‌ی نیازهای معنوی - چه علمی، چه عملی، چه روحی - پاســـخگو باشد.(۱۳۸۴/۲/۱۹)

نهضت عدالتخواهی و برانگیختن همت

بنده نهضت عدالت‌خواهی را مطرح کردم؛ فضایی در کشور به‌وجود آمد و جوان‌های ما به این مســـأله علاقه‌مند شدند. این معنایش این نیست که ما از اول انقلاب نهضت عدالت‌خواهی نداشتیم - چرا، انقلاب بر پایه‌ی عدالت است - اما این تجدید مطلعی شد و روح تازه‌یی در جوان‌ها به‌وجود آورد و همت آنها را برانگیخت.(۱۳۸۴/۲/۱۹)

فراموش کردن آرمان یکی از آفات

این شعار [عدالتخواهی] در کشور مطرح می‌شود؛ چه کسی باید از این شعار حمایت کند؟ چه کسی باید بیشتر از همه درباره آن بیندیشد؟ چه کسی باید برای آن کار کند و درباره راههای تأمین آن، تحقیق و بحث کند و میزگرد بگذارد، غیردانشجویان؟ باید توجّه داشت که این حرکت دانشجویی و بیداری دانشجویی، مطلقاً به سمت عکس جهتها نرود. پس، یکی از آفات این جنبش، پشت کردن به آرمانها، فراموش کردن آرمانها و از یاد بردن آرمانهاست.(۱۳۷۸/۹/۱)

کار تئوریک برای عدالتخواهی

یکی از کارهای بسیار مهمّی که مورد اشاره بعضی از دوستان هم بود، این است که شما می‌توانید در سه زمینه علم، عدالتخواهی و آزاداندیشی کار تئوریک کنید. این کار تئوریک را می‌توانید در زمینه جنبش تولید علم یا در زمینه عدالتخواهی انجام دهید. مثلاً در زمینه عدالتخواهی، می‌توانید قانون اساسی را مطالعه کنید و ببینید اگر ما بخواهیم عدالت اجتماعی را با همان مفهوم متعارفی که همه می‌فهمیم، تحقّق ببخشیم، باید از کدام دستگاهها چه توقّعهایی داشته باشیم.(۱۳۸۲/۸/۱۵)

ساز و کار عدالت‌طلبانه

بسیجی عدالت‌طلب است. عدالت‌طلبی فقط این نیست که انسان شعار عدالت‌طلبی بدهد؛ نه، باید این را واقعاً بخواهد. عدالت‌طلبی به این نیست که انسان رودرروی کسی بایستد و بگوید تو عدالت‌طلب نیستی؛ نه، این، ساز و کار دارد. باید جامعه به نقطه‌ای برسد که سیاست‌های عدالت‌طلبانه در آن طراحی شود و دستگاه اجرایی طوری باشد که سیاست‌های عدالت‌طلبانه فرصت عملیاتی شدن و اجرایی شدن پیدا کند؛ والّا خیلی سیاست‌های عدالت‌طلبانه هم مطرح می‌شود؛ اما سازوکار، آدمها، مهره‌ها، قلم‌به‌دست‌ها و امضاءکننده‌ها یا علاقه ندارند، یا اعتقاد ندارند، یا همت ندارند، یا حال و حوصله ندارند، یا از همان قبیلِ «برو بابا دلت خوشه» است؛ لذا کارها متوقف و لنگ می‌ماند؛ بنابراین آن‌جاها را باید اصلاح کرد.برای رسیدن به هر آرزوی بزرگ و هر هدف والایی، سازوکاری وجود دارد؛ این سازوکار را باید جوانِ هوشمندِ فرزانه‌ی دانشجو پیدا کند.(۱۳۸۴/۳/۵)

نقد آری، نفی خیر

از جوان چه انتظاری وجود دارد؟ ما از جوان می‌خواهیم راه را گم نکند. نقد، اشکالی ندارد؛ اما نفی، بزرگترین ظلم به این ملت است. بعضی کسان به زبان نقد، نظام اسلامی را نفی می‌کنند. بعضی کسان انتقادی که بر فلان مدیر و مسؤول وارد است، انتقاد به نظام می‌دانند. این غیرمنصفانه است. نظام اسلامی یعنی ترکیب قانون اساسی. روشهای اجرایی و عملیاتی این نظام، در خود قانون اساسی هست و به‌طور واضح در وصیت‌نامه و سیره و بیانات امام بزرگوار وجود دارد. مهمترین وظیفه این است که از کمربند تأمینیِ بسیار مستحکم ملت ایران که هویّت جمعی ما را به وجود می‌آورد - یعنی نظام اسلامی - با همه وجود پاسداری کنیم. جوان، با هوشیاری و حوصله و همت جوانی‌اش باید در محیط کار

و تحصیل و مسـؤولیتهای آینده، همه همّتش این باشـد که از نظام حراسـت کند. تکمیل و برطـرف کردن عیوب نظام یك حرف اسـت؛ مقابله و نفی و همراهی بـا براندازان نظام حرف دیگری است.(۱۳۸۰/۸/۱۲)

جوان، کلید حل مشکلات

جوان، حق را آسان می‌پذیرد. این بسیار مهم است. جوان، راحت و صادقانه اعتراض می‌کند و بی‌دغدغه و بدون هیچ‌گونه گرفتاری درونی، اقدام می‌کند. این هم بسیار مهم است. پذیرش آسان، اعتراض صادقانه و اقدام بی‌دغدغه را شـما کنار هـم بگذارید، ببینید چه حقیقت زیبایی به وجود می‌آید و چه کلیدی برای حلِ مشکلات است. (۱۳۸۰/۸/۱۲)

خانگی برخورد کنید نه بیگانه‌وار

در برخـورد با آنچه شده[مفاسـد]، باید خانگی برخورد کنیـد؛ نه بیگانه‌وار و معترض. بالاخره کارهای زیادی انجام گرفته، احیاناً کوتاهی‌هایی هم شـده؛ اما باید مشکل را حل کرد. نباید نتیجه‌ی قهری نحوه‌ی بیان این باشـد که بعد از چندی انسـان احساس کند که به کل مجموعه بشـدت معترض است؛ نه، شما برای موفقیت کل مجموعه دارید تلاش می‌کنید؛ اصلاً همه‌ی تلاشـتان این است که نظام را پیش ببرید. هرچه می‌توانید، جزئیات را تکمیل کنید. در بخشهایی که خلأ وجود دارد، هرچه می‌توانید، کمك کنید تا خلأ برطرف شود. هرچه می‌توانید، شعار اصلی عدالت و آنچه را مربوط به عدالت است، تقویت و همگانی و در ذهن‌ها تعمیق کنید و روی پشتوانه و فلسفه‌ی فکری آن کار کنید - اینها لازم است - اما کاری نکنید که مخالفان شما این تردید را دامن بزنند که آیا نظام اسلامی می‌تواند؟ آیا نظامی اسلامی توانسته؟ البته که می‌تواند؛ البته که توانسته! مدعی دستگاه‌های مختلف از لحاظ کارآمدی، خودِ بنده هستم. من دائماً نسـبت به کارآمدی، از اینها سـؤال و مطالبه می‌کنم؛ اما بنده اعتقادم این است که نظام اسلامی از همه‌ی دولتهایی که در دوران استعمار و دوران نزدیك به استعمار در کشور ما وجود داشته، قوی‌تر عمل کرده است.(۱۳۸۳/۸/۱۰)

عدالت اجتماعی، پایه قضاوت و مطالبات دانشجو

دانشجوی جوان اگر چه خود برخاسته از قشرهای مستضعف جامعه هم نباشد، به عدالت اجتماعی و پر کردن شکافهای طبقاتی به چشم یك آرزوی بزرگ و بی‌بدیل می‌نگرد. این احساس و انگیزه در دانشـجو پر ارج و مبارك است. و می‌تواند پایه‌ی قضاوتها و برنامه‌های عملی او برای حال و آینده باشد. اگر عدالت - عدالت واقعی و ملموس و نه فقط سخن گفتن از عدالت - آرزو

و آرمان و هدف برنامه‌ریزی‌هاست، پس باید هر پدیده‌ی ضد عدالت در واقعیات کشور مورد سؤال قرار گیرد .مسابقه‌ی رفاه میان مسئولان، بی‌اعتنائی به گسترش شکاف طبقاتی در ذهن و عمل برنامه‌ریزان، ثروت‌های سر برآورده در دستانی که تا چندی پیش تهی بودند، هزینه کردن اموال عمومی در اقدامهای بدون اولویت، و به طریق اولی در کارهای صرفاً تشریفاتی، میدان دادن به عناصری که زرنگی و پرروئی آنان همه‌ی گلوگاههای اقتصادی را به روی آنان می‌گشاید، و خلاصه پدیده‌ی بسیار خطرناك انبوه شدنِ ثروت در دست کسانی که آمادگی دارند آنرا هزینه‌ی کسب قدرت سیاسی کنند. و البته با تکیه بر آن قدرت سیاسی اضعاف آنچه را که هزینه کرده‌اند گرد می‌آورند. اینها و امثال آن نقطه‌های استفهام برانگیزی‌ست که هر جوان معتقد به عدل اسلامی ذهن و دل خود را به آن متوجه می‌یابد و از کسانی که مظنون به چنین تخلفاتی شناخته می‌شوند پاسخ می‌طلبد. و همچنین در کنار آن از دولت و مجلس و دستگاه قضائی عملکرد قاطعانه برای ریشه‌کن کردن این فسادها را مطالبه می‌کند. امروز این مهمترین و مطرح‌ترین مسئله‌ی کشور ماست و نسل جوان دانشجوی متعهد و مؤمن نمی‌تواند نسبت به آن بی‌تفاوت بماند.(۱۳۸۱/۸/۶)

مطالبه جوان پشتوانه عمق‌یابی حرکتهای مسئولان

مسأله عدالتخواهی را که من با شما و جوانان مطرح می‌کنم، به معنای این نیست که با غیرجوانان مطرح نکرده‌ام. قبل از این نامه‌ای که یکی از دوستان مطرح کردند که دو سه سال پیش به یك تشکّل دانشجویی نوشتم، مسأله عدالتخواهی را دهها بار با مسؤولانی که وظیفه اجرایی دارند، مطرح کرده‌ام و این‌طور هم نبوده که هیچ عمل نشود و پیش نرود؛ چرا، کارهایی هم شده و پیش هم رفته است؛ اما همه این حرکتها برای ماندگاری و عمق‌یابی، پشتوانه می‌خواهد، که آن پشتوانه مطالبه و خواست، شما هستید. منظور از خواست و مطالبه هم این نیست که انسان مشتش را گره کند و مسأله‌ای را بخواهد؛ نه، بلکه بدانید که این مطالبه و خواسته لازم است و باور کنید که این نیازی قطعی و حیاتی برای کشور و جامعه است. نفس این‌که شما این موضوع را باور کنید، مهمترین مطالبه است و اثر خود را در حرف، کار، تعامل، جبهه‌گیری سیاسی و حرکت دینی و مردمی شما می‌گذارد.(۸۲/۸/۱۵)

گفتمان عدالت، همه چیز ماست

گفتمان عدالت، یك گفتمان اساسی است و - همان‌طور هم که چند روز پیش در جلسه‌یی مطرح کردم - همه چیز ماست. منهای آن، جمهوری اسلامی هیچ حرفی برای گفتن نخواهد

داشـــت؛ باید آن را داشته باشـــیم. این گفتمان را باید همه‌گیر کنید؛ به‌گونه‌یی که هر جریانی، هر شخصی، هر حزبی و هر جناحی سر کار بیاید، خودش را ناگزیر ببیند که تسلیم این گفتمان شود؛ یعنی برای عدالت تلاش کند و مجبور شود پرچم عدالت را بر دست بگیرد؛ این را شما باید نگه دارید و حفظ کنید؛ این مهم است.(۸۳/۸/۱۰)

◤ جوانان اجتماعات خانوادگی تشکیل دهند و کمکهای افراد خانواده را جمع کنند و در درجه اوّل بـــه مصرف فقرا و نادارهای همان خانواده و فامیل برســـانند و اگر نیازی نبود، به فقرای دیگر رسیدگی کنند.(۱۳۸۱/۹/۱۵)

سیاحت ضمن کار برای مردم

الان در فصل تابستان، بسیاری از جوانان خوب ما اوقات فراغتشان را یا در بسیج سازندگی و یا در بسیج نیروی مقاومت می‌گذرانند و یا به بالا بردن علم و سواد دیگران کمك می‌کنند. عدّه‌ای به تن خودشـــان زحمت می‌دهند و برای دیگران کار می‌کنند. عدّه‌ای با برنامه‌های خوب و منظّم، به کتابخوانی و ارتقای سطح فکر خودشان می‌پردازند. فراغت جوانان مؤمن، این‌گونه می‌گذرد. من گزارشهای متعدّدی داشته‌ام از جوانانی که در تابستان، تعطیلات دانشگاهی یا دبیرستانی خود را در نقاط دوردست گذرانده‌اند و برای روستاییان مسجد، درمانگاه، راه، حسینیه، جادّه و پل ساخته‌اند. عکســـهای این فعّالیتها را برای من آورده‌اند و من آنها را دیده‌ام. پیغمبر طبق روایتی فرمود: «انّما سیاحة امّتی الجهاد فی‌سبیل‌اللّه». جوانان ما سیاحتشان را هم از این راه تأمین می‌کنند؛ سیاحتشان در ضمنِ کار برای مردم اســـت. این ارزش دارد. جوانیِ خود را قدر بدانید و در این راهها بکوشید و بدانید دشمن می‌خواهد شما ترقّی نکنید.(۱۳۸۲/۵/۸)

پرسش پاسخ: اگر اصلاح نشد چه کنیم؟

◤ [ســـوال] امام(ره) فرمودند که دانشجویان مقابل انحرافات،شجاعانه بایستند. اگر ایستادگی دانشجو باعث اصلاح مسئولان نشد، تکلیف چیست؟

* [پاسخ] چرا، عامل اصلاح خواهد شد. ایستادگی دانشجو معنایش این نیست که مبارزه مسلحانه کند. انسان به مســـئولان، باید بگوید، تذکر بدهد، بخواهد؛ این خواســـتن باید در روش، برخورد و انتخاب او اثر بگذارد. بلاشـــك اثر میکند؛ ممکن نیست اثر نکند؛ بنده این را به صورت یك امر قطعی عرض میکنم. رویش دقت کنید، خواهید دید که امکان ندارد که یك مجموعه چیزی را بخواهد و در نظامی مثل نظام ما-که نظام مردمســـالاری و انتخاب است- تحقق پیدا نکند؛ بالاخره تحقق پیدا خواهد کرد.(۱۳۸۲/۲/۲۲)

پرسش پاسخ: آیا این کارها تندروی است؟

[سوال] سوال بنده پیرامون پیام جناب عالی به جنبش دانشجویی آبان هشتادویك میباشد. برخی از مسئولان فرهنگی و حتی روحانیون و افراد موجه و دلسوز، ما را نصیحت میکنند که مطالبه کردن از مسائل ضد عدالت و اعتراض به آنها، به نظام و انقلاب ضربه میزند یا اینکه این کارها تندروی است. در پاسخ به این افراد چه باید گفت؟

* [پاسخ] باید گفت که مطالبه عدالت نه فقط به نظام ضربه نمیزند، بلکه نظام را تقویت میکند. البته من نمیدانم شما آن را چگونه مطالبه کرده‌اید که آنها گفته اند ضربه میزند. ممکن است روش مطالبه، تند یا خشن یا نامناسب بوده، که من در اینباره قضاوتی ندارم، اما اصل مطالبه عدالت، هیچ ضربه‌ای به انقلاب نیست، کاملا هم در جهت تقویت انقلاب است.(۱۳۸۲/۲/۲۲)

پرسش پاسخ: تجمع تضعیف است؟

[سوال] آیا حرکتهایی همچون تجمع مقابل قوه قضاییه و مطالبه شدید از آنها در جهت مبارزه با مفاسد اقتصادی، تضعیف نظام است؟

* [جواب] فرق میکند. گاهی اوقات قوه قضاییه مایل اســت کاری انجام دهد که اگر پشتوانه این طوری هم ببند، حتما انجام خواهد داد. بعضی از امواج سیاســی جلوی قوه قضاییه را در بعضی از کارها میگیرند، بنابراین تصور نمیکنم که این کار تضعیف نظام باشــد. البته گاهی ممکن است در شرایطی تضعیف باشد، اما در شرایطی هم تقویت است؛ یعنی در واقع کمک به آنهاست که بتوانند آن کاری را که میخواند، بکنند و در برابر بعضی از جریانهای سیاســی که مزاحمت ایجاد میکنند، بتوانند در مقابل آنها حربه قویتری داشته باشند. (۱۳۸۲/۲/۲۲)

دانشجو نباید سکوت کند

بنده معتقد به این نیســتم که دانشجویان بایستی سکوت کنند و هیچ حرفی نزنند؛ به این هم معتقد نیســتم که دانشجویان بایستی از خودشــان در وسط میدان تحرک عملی نشان بدهند، بلکه معتقدم که دانشــجو در زمینه عدالتخواهی باید اصــل قضیه را مطالبه کند؛ جا انداختن فکر عدالتخواهی در ذهن مردم، در ذهن خانواده ها، در ذهن هرکسی که در حوزه کارتان قرار میگیرد. (۱۳۸۲/۲/۲۲)

گفتمان‌سازی مطالبه عدالت

«جنبش عدالتخواهی» هنگامی که درجمع دانشجویان و خطاب به آنها گفته میشود، مقصود این است که این مطلب و خواسته و خواهش به عنوان یک خواسته عمده مطرح شود. نباید بگذارید

که این مطالبه مهم از ذهنها دور شـــود؛ یعنی بایســـتی عدالت آنچنان از طرف مردم، قشـــرها و به خصوص جوانها مطالبه شـــود که هر مسئولی - چه بنده و چه هرکس دیگری که در هرجا مسئول اســـت- ناچار باشد به مقوله عدالت، ولو برخلاف میلش هم که هست، بپردازد. یک وقت هست که ما مثلا به وزارت اقتصاد و دارایی میگوییم عدالت را رعایت کن؛ یا به قوه قضاییه میگوییم عدالت را رعایت کن، آن معنای دیگری دارد؛ هرکدام یک معنای خاصی دارد؛ اما یک وقت به جوانها میگوییم که شـــما عدالت را مطالبه کنید. مطالبه عدالت به معنای این اســـت که عدالت، گفتمان غالب در محیطهای جوان و دانشـــجویی بشود؛ عدالت را مطالبه کنند و آن را از مسئولی بخواند؛ آن چیزی که توقع هست، این است. اگر غیر از این، کاری صورت بگیرد، ممکن است کار درستی باشد؛ ممکن است کار غلطی باشد، که بنده چون نمیدانم، نظری نمیدهم. (۱۳۸۲/۲/۲۲)

لیست جزوات "سطح یک"

۱- اسلام ناب
۲- حیات الاحکام
۳- دین همه دین است
۴- جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی
۵- سیرت و صورت انقلاب
۶- منشور روحانیت و خطبه منا
۷- پیام قطعنامه و پیام تشکیل بسیج دانشجو و طلبه
۸- چه باید کرد؟
۹- جمهوریت
۱۰- قاموس عدالت



اتحادیه جنبش عدالتخواه دانشجویی

www.edalatkhahi.ir

